منابع شناخت

شاعران دری پرداز

سده دوازده

معاون سرمحقق پروین سینا

سال ۱۳۶۸

اکادمی علوم ج.ا.
مرکز زبان وادبیات
انستیتوت زبان وادب دری

منابع شناخت

شاعران دری پرداز سدهٔ ۱۲

معاون سر محقق پروین «سینا»

ـ شاعران دری پرداز سده ۱۲
ـ فراز آوردهٔ معاون سر محقق‌پروین سینا
ـنشر کرده انستیتوت زبان‌وادب‌دری
ـ مهتمم پروین
ـچاپ مطبعه دولتی
ـشماره چاپ ۱۰۰۰
ـ سال ۱۳٦۸

فهرست مطالب

تقریظ

از دیر زمان به اینسو مو ضوع سر چشمه نگاری در میهن عز یــز مان افغا نستان مورد تو جه وعلا قه دانشمندان وپژ وهشگران قرار نداـ شت محققان در انجام کار علمی تحقیقی ، پا از ثمر ه زحمـــات دانشمندان خار جی که در ین خصو ص متحمل شده بود ند، بهره مند می شد ند ویا اینکه باقبول خستگی های زیاد برای در یا فت وفراز آوری مواد و مدارك مو رد نیاز کار پژو هشی خو یش کتابها و ما خذ راورق می زدند و بد ین تر تیب حل مشکل میکرد ندکه این امرسبب ضیاع وقت گرانـــبها ی محققان و سرگر دانی های بی موجب شان می شد.

خو شبختا نه از سا لیا نی چند بدینطرف سر چشمه نگاری در موـ سسات علمی کشور عز یز مـــاز طرف دانشمندان یك ضرورت مبرم برای انجام کار های علمی ،تحقیقی پندا شته شده و شماری از کار ـ مندان موسسات علمی برای رفـــع سر گردانی های بی موجب پژوهش گران و یاری رسا ندن به آنهادر کار های علمی ،تحقیقی شان، به ایـــن کار کلیدی تحقیقی همت گما شتـــه گامهای ارز نده یی بردا شته انـــد چنانکه دستاورد های زحمـــــات کار مندان علمی پو هنتون کا بـــل وپشتو تو لنه ،قبل از پیروز ی انقلاب شکو همند ثور، در خـــور

ستایش وبهترین رهنمود بـــرای محققان به سوی شناخت منابـــع موضوعات تحقیقی شان دانسته میشوند.

در اکادمی علوم جمهوری دموکراتیک افغانستان که یگانـــه موسسه جوان علمی ،تحقیقی است، از بدو تا سیس آن ،دانشمندان برای کار تحقیقی سرچشمه نگاری ارج قایل شدند وپژوهشگرانی برای انجام این امز سودمند دست اندرکار شدند چنانکه کارمندان علمی انستیتوت زبان وادب دری با درك ضرورت و مبرمیت این کار وفقدان آثاریکه بتوانند محققان این رشته را در زمینه کارهای علمی تحقیقی شان یاری کند برای رفع این نیازمندی گام مفید بر داشتند که ثمرهٔ زحمات شان میتوانند محققان را برای شناخت منابع در دوره های خاص ادبیات دری رهنمون شـود.

از آنجمله است کار تحقیقی محترم محقق پروین سینا کارمند علمـی انستیتوت زبان وادب دری که از طرف انستیتوت موصوف به حیث پروژه علمی ، تحقیقی به وی سپرده شده و موصوف آنرا تحت نـــام ((منابع شناخت شاعران دری پرداز سدهٔ دوازدهم هجری افغانستان به رهنمایی استاد محترم 'کاد میسین جاوید تکمیل و بـــرای استفاده نیازمندان آماده ساختـــه است.

دستاورد زحمات شبـــا روزی محقق سینا راکه نخست به منظور کمك با پژوهشگران و دودیگـــر برای ترفیع علمی شان ،تهیه دیده از نظر شیوهٔ سرچشـــمه نگاری مطالعه کردم. آنچه در گام نخستین برای یك اثر تحقیقی لازم اســـت بایددرنظر گرفته شود مانند تبویت منطقی ،مقدمه، متن نتیجه گیری، درین اثر به وضاحت دیده میشود. ((منابع شناخت شاعران دری پرداز سدهٔ دوازدهم هجری افغانستان)) که درآن در حدود (١٤٣) ماخذ و مدرك منحیث مراجع آشنایی (٢٩٦) تن شاعر دری مورد استفاده واقع گردیده است تا حال کمتر مـــورد شناسایی وبهره گیری قـــرار داشته و به شیوهٔ کتا بشناســی

معمو ل در جهان تهیه وتر تیـــب نیا فته است. اما دراین اثر تمـــام این منابع با سیستم الفبای وشیوهٔ کتاب شنا سی معمول مورد رعایت قرار گر فته است.

محترم پرو ین سینا با تحلیـل او ضاع اجتما عی، اقتصادی وسیاسی آن زمان و تا ثیرآن براو ضاع ادبی آنو قت ، ارزش اثر را بیشتر ساخته است ، چنا نکه تذکر رفت از نظر شیوهٔ سر چشمه نگار ی محترم پرو ین سینا از شیوه یـــی سود برده که کار برد آن بیشتـــر معمول در مو سسات علمی ـ تحقیقی جهان امروز میبا شد. وی درابتدا نامها ی تمام شا عران آن سده را با درنظر داشت تقدم وتاخر ازنظر نام اصلی و نام ادبی یك شا عــر بهشیوهٔ الفبا یی تو تیب کرده و بعد از آن منابع و مدارك شناخت هــر شا عر رابامعر فی عنوان نویسنده ناشر ومحل نشر، وسال نشر وحتی صفحا تی که در آنها در بارهٔ شاعر سخنا نی م وجود است معر فـــی داشته که این خود دلالت بردقت وتحمل رنج زیاده محترم سینا در کار تحقیقی میکند.

در حا لیکه این کار محقـــق پرو ین سینا را در زمینه پژو هش یك گام مفید و پرارزش و مبـــرم ارزیابی میکنم از نظر روش کار آنرا یك اثر تحقیقی می پندارم وهم بنابر آنچه تذکر رفت اثر مذ کـــور رابرای ترفیع به رتبه معاون ســـر محقق کافی میدانم مو فقیت بیشتری رابرای محترم سینا در انجام کار های علمی ، تحقیقی آرزو مندم.

با احترام

کا ند ید اکاد میسین عبدا لرحمن پهوال

تقریظ

ادبیات فارسی دری با غنامندیکه دارد در طول روزگاران توجه پژوهشگران را به خود جلب نموده وراجع به ابعاد گوناگون وویژه‌گیهای آن کارهای ثمربخشی انجام یافته است یکی از دوره‌های ادبیات فارسی‌دری که ازلحاظ تعدد شاعران ونویسنده‌گان و فراوانی آثار، شایسته غور و تعمق وکاوش هرچه بیشتر میباشد، همانا قرن دوازدهم هجری است تا جاییکه برای من معلوم است، برای شناساندن منابع شاعران این قرن تاکنون کسی به صورت منظم وگسترده که دریك اثر مستقل پژوهشی و علمی گرد آمده باشد، به تحقیق دست نیازیده است. خوشبختانه گام سودمندیکه اینك ازسوی انستیتوت دری مرکز زبان وادبیات اکادمی‌علوم ج.ا، دراین زمینه برداشته شده شایان قدردانی‌است.

کار تحقیقی محترم پروین‌سینا، کارمند علمی ومحقق پرکار این انستیتوت‌مایهٔ امیدواری بزرگ است. محقق محترم رساله‌یی تحت عنوان (منابع شناخت شاعران دری پرداز سدهٔ دوازدهم هجری افغانستان) را جهت‌ترفیع‌علمی به رتبهٔ معاون سرمحقق به‌اتمام رسانیده است که گواه‌صادق تلاش او در امر توضیح ومعرفی منابع شناخت شاعران‌این دوره میباشد.

این اثر شامل مقدمه تحقیقی، متن‌و نتیجه‌است. بنابر آن از مزایای یك اثر علمی‌وتحقیقی برخوردار میباشد. توجه محقق محترم به تحلیل او ضاع اقتصادی، اجتما عی‌وسیا سی و تا ثیر آن برو ضع ادبی سدهٔ مورد تحقیق ، بدون‌شك‌نما یا نگر ژرف‌نگری وی‌در ایضاح پیو ند ادبیات باآن او ضاع است.

چیز یکه قابل یادآور یست اینست که برای نگارش تاریخ ادبیات یك دورهٔ معین تار یخی بدون آگا هی از انبوه آثار ایجاد شده در آن دوره و تشخیص ماهیت آنها کاری را نمیتوان به پیش‌برد.

محترم پروین سینا در این تحقیق نام ۲۹۹ شا عر قرن دوازدهم هجری را به طور الفبا یی به استناد مدارك و مراجع مهم قا بل اعتماد که با اتکای آنها میتوا ند در بارهٔ سخنوران به پژو هش پرداخت ضبط کرده است. این تحقیق برای آنانیکه در آینده به نگار ش تاریخ ادبیات قرن دواز دهم هجری مبادرت میورز ند بهتر ین تکیه گاه میباشد ونقش یاری دهندهٔ آن در هستی بخشیدن یکی از دوره های تار یخ ادبیات دری، از اعتبار نیرو مند علمی بر خورد ار خوا هد بود.

با اتکا به آنچه که گفته شد موضوع این اثر مبر میت داردو رسا له از لحاظ میتود و لو ژی پژو هش وحفظ تما میت هدف، یك اثر تحقیقی و علمی کا مل به حساب میرود.

بنابر آن به یقین میتوان اظهار کرد که این اثر برای ار تقا به رتبهٔ علمی معاون سر محقق کا ملا مناسب و کافی است.

به امید مو فقیت های هر چه بیشتر محترم پروین سینا در راه انجام دادن کار های بزر گتر علمی‌وفر هنگی .

پو ها ند دکتور عبدالقیوم قویم
آمر دیپا ر تمنت زبان واد بیات
دری پو هنځی زبان‌و اد بیات

یادداشت

تاریخ ادبیات افغانستان بعد از سدهٔ شانزدهم میلادی (دهم هجری) طور لازم و شایسته مورد تحقیق و پژوهش قرار نگرفته است و تا هنوز تصویر مشخص و روشنی از سیر آن در عرصهٔ ادبیات چه در خارج و چه در داخل کشور به دست داده نشده است.

تاریخ ادبیات که ذخیرهٔ پر بهای معنوی یک ملت و یک سر زمین است، باید به صورت واقعی آن در طول سده ها شناخته شود و در پر تو پژوهش های متداوم از میرش بازماندو حالت پویایی و جاودانگی به خود بگیرد. در این فهرست که توسط نگارندهٔ این سطور تهیه و ترتیب شده، هدف اساسی آشنایی با نام منابع ماخذ مربوط به قرن دوازدهم هجری سر زمین ما ست، که تا کنون به پژوهش نیامده و محققان مسایل ادبی ما تا حال در جستجو و تهیهٔ فهرستی برای این سده و سده های متاخر دیگر که تاریخ ادبیات ما کمتر روشن است نپرداخته اند.

به گزارش آوردن رویداد های فرهنگی سده های اخیر از نگاه نزدیکی وقت هر چند به نظر آسان مینماید ولی از لحاظ تشتت

وپرا گنده گی ما خذ تا حدی دشوار است . این دوره یعنی سدهٔ ۱۲ از قیام میرو یس هو تکی ۱۷۰۹ تـــا اخیر زمان تیمور شاه در ا نی رادر بر میگیرد چون اقتصاد و سیا ست دو پد یده یی است اثر بخش بـــر ادبیات ، که ادبیات یك کشور بدون تاثیر پذیری از این دو پدیده نمی‌ تواند راهی به سوی تکامل وپختگی بگشا ید لذا این دوره را هم بدون در نظر داشت پد یده ها و حواد ث سیا سی واجتما عی وتا ثیرمتقابل آن ها نمیتوان مورد تحقیق قـــرار داد.

بعد از سقوط دولت تیمو ریان هرات افغا نستان صحنهٔ جنگ‌ها و کشمکش های داخلی بودواز طرفی حملات ومدا خلات ممالك همجوارو بعد از مدت زمانی زدو خورد های سرداران غلزا یی برای قوام نظام و کسب قدرت و گسترش قلمرو ،از رخداد های داغ و بد فر جام سر زمین ما بود در اثر این جنگ هـای پیا پی اقتصاد زرا عتی بر هم خورد. شهر های بزرگ مورد هجوم وتاراج قرار گر فت . فشار جنگ هـــا و فقر باعث آن شد که مردم زیـــر سایهٔ تصوف که یگانه‌تکیه گـــاه معنوی بود، روی آور ند. بیشتـــر شعرای این دوره اهل ســـلوك و درویش منش بودندو بعضی نظـــر به آشفتگی او ضاع عمو می کشور برای کسب‌دا نش تن به غر بـــت داده به هند، ایران و آسیای میا نه روی آوردند . به همین منا سبـــت درین فهر ست از آن تعدادی ا ز شعرای هم نام برده شده که بـــه‌نحوی از آنجا به افغانستان وادبیات این سر زمین وابستگی دارند.

دراین گیرو دار هو لناك که‌مردم به مبارزه دشواری مشغول بودند. به پرور ش علوم وادبیات و فرهنگ نیز زمینه و مجا لی نبود. بـــرای آگاهی بیشتر او ضاع این دوره از کتاب(بر گز یدهٔ شعر معا صـــر افغانستان) پا ر گرا فی را نقـــل می‌کنیم که در آن آمده است :((افغا نستان (از) سال های ۱۱۶۰ ه‍.ق به بعد جز در ایا می معدود صحنهٔ پیکار های خو نین و آشو ب هـــاو نابسا ما نی ها بود . زما نی ازمخـــا

لفت‌فرزندان تیمور شاه در آتش‌وخون میسوخت و زمانی همت مردم آن در مبارزه با دولت استعماری‌انگلیس مصروف می بود. واگـــر گاهی در عهد پادشاهی آرامشـــی روی‌مینمود وتوجهی به شعـــر و ادب به عمل می آمد، و مردم‌نفسی تازه میگردند سیل حوادث چنان بر سر آنها میتاخت که گویی آن اندك آرامش هم هرگز نبـــوده است.)) (۱) از آنچه که گفته آمده می‌توان‌دانست که درین محدودهٔ زمانی وضع علم‌وادب چگونه‌بوده واهل دانش و فضل در چـــه حالی قرار داشته اند. ولی با وجـــود آن‌دیده میشود که در بار شاه‌حسین هوتك درقندهار پرورشگاه ادباو علما بود. در بار احمد شاه نیز از نظر فکری دوره یی بود روشـــن زیرا خود احمد شاه بابا مرد شاعر وخوش قریحه بود، که علاوه‌ازدیوان شعر پشتو اشعاری به زبان‌دری دارد. اصولا در عهد حکومت‌ابدالی‌وخاصه زمان تیمور شاه زبان دری زبان رسمی در بارو دفتر و دیوان بود.واکثر پادشاهان و رجـــال دولتی به زبان دری شعر میگفتند و به شعر دری علاقمند بودند و بـــا تشویق‌شعرا پاسداری‌شایسته یی‌ازادبیات‌وشعردری می کردند و بسا که‌مانندتیمور شاه وشاه‌شجاع‌صاحب دیوان هم بوده اند.

در آغاز روز های حکمداری تیمورشاه تلاشهای زیاد برای از بین بردن قیامها وبی نظمی هاو ازسر راه برداشتن سر کشان وافراشته گردنان صورت گرفت‌ونیز کوشش‌زیاد در آغاز زمامداری او در جهت سرکوبی کامل مخالفین ومدعیان تخت و تاج به عمل آمد.

در اثر کوشش وتلاش پیگیـــر تیمور شاه درانی ، آرامش‌سیاسی واجتماعی نسبی در سراسر کشور بر قرار شد. با پیدایش این‌آرامش سرزمین ما توده های‌مردم‌توانستند فرصتی مناسبی به دست آورند، تا

برای بهبود ی زند گی به تحر ك در آیند و به مشا غل موردنیازو حرفه های مورد علا قهٔ شان دست بیاز ند.

تیمور شاه که خود در اثرمجا لست و همصحبتی هایی با بعضی از سخنگو یان و منشیان و تاریخ نگاران و صو فیان فیض ها یا فته از آنان درس دانش وادب گر فتهو به پختگی رسید .(۲)

علاوه از مصرو فیت های سیا سیدست به کار های ادبی می زدو با ذوق وعلاقه سر شاری که به شعروادب دری داشت. نشست ها ی علمی واد بی با فضلا وشعرا می نمود. که بااین آگا هی از شعرو ادب و دلچسپی به مو ضو عات فر هنگی توا نست بازار شعر وادب را روز به روز رو نق بخشد ومجال منا سبی برای شعرا فرا هم آورد. تاآثار گرا نبها یی به جهان علم و ادب عرضه کنند.

البته مصا حبت هاو مشا عرت های شا هان سدو زا یی به خصوص تیمور با دا نشو ران و سخن پردا زان بهتر ین زمینه ها یی بود برای رشدو تکامل اد بیات سدهٔ دواز دهم هجری و پا یه گذاری مجدد ادبیات به خا مو شی گراییده آن زما ن بدینتر تیب سخنو ران و سخن پردازان و نو یسنده گان و فضلای عز لت گزین و گو شه نشین آهسته آهسته به عر صهٔ ادب ظا هر شدند وپا یه های زبان وادب خودرا روز به روز استوار تر سا ختند . تا آن حدکه انجمنی از فضلا و شعرا تشکیل یافت که در آن سخن پردا زا ن شعر می خواندند. وغز لها ی یکدیگر را استقبال میکرد ند استقبال از پیشگسو تان شعر دری به ویژه از بیدل وسبك هندی در این دوره رواج بیشتر کسب نمود چنان که اگر به نسخهٔ دستنو یس شا عران اوا خر قرن دواز دهم کشور یعنی علی نقی و صفی کا بلی نظر بیندازیم میبینیم که درسراسرغزلیاتش پیروی واستقبال شعرای متقدم دیده میشود .

تاریخ ادبیات افغا نستان بیش از هزار ودو صد سال عمر دا ردکه در طی سا لیان دراز نشیب و فرازها یی را پشت سر گذا شته است.

اما با دریغ تاکنون کاری که در خور تحقیق برای تاریخ ادبیات معا صر افغا نستان باشد کار منظمی کـــه جوابگوی نیاز ادب پژو هان وا قـع گردد صورت نگر فته است.

برای تدوین تاریخ اد بیات ســه سدهٔ اخیر اکاد می علوم ج.ا، ایـن مرجع علمی و تحقیقی متو جه ایـن خلاو کمبود شد. که این اقدام مرکز علمی و تحقیقی زبا نها وا دبیـات گامیست خجسته و پر میمنت بـه سوی شناخت بهتر وبیشتر ادبیات معا صر این مرزو بوم فهر ســـت حاضر منابع وسر چشمه های ادبیات افغا نستان را در سده ۱۲ هجری قمری (۱۱۰۱-۱۲۰۰) که برا بر به (۱۶۸۹- ۱۷۸۵م) است نشـــان مید هد.

تهیه یك فهر ست مکمل وجامع کاری است مشکل زیرا دستیا بی به همه موادو مدار کی که در دا خل و خارج کشور مو جود است وهمچنان موادو مطا لبی که در لابلای کتابها اخبار، خراید و مجلات و اسنـاد خطی و جود دارند تلاش و کو شش متداوم و دوا مدار را ایجاب میکند، با آنهم فهر ست مو جود تلا شـ ناچیزی است دراین راه هر چند نا مکمل و نار سا ست باز هم بـه جای خود مفید و سود مند خواهد بود.

فهرست حاضر دوبخش دارد. بخش اول دربر دار ندهٔ نام (۲۹۹) شا عر قرن دوازدهم با سر چشمه هایی که در باره آیین شاعران آگاـ هیهای به دست میدهد که به ترتیب تخلص، لقب، یانام خانواده گی شاعر ترتیب الفبایی شده است، بخش دوم شا مل مدارك و ماخذی است کـه موبوط به این قرن میشود.

دراین فهر ست شعرا یی درنظر گرفته شده است که به نحو یی از انحا به افغا نستان مربوط میشوندگر چه بد انسان که یاد کردیم بـــه عده یی از شعرا یی بر می خوریم، که سرا سر عمر شان به غر بـــت سپری شده است اما ایجاد یـــات شان مربوط به افغا نستان ومتعلق

به‌این مرز وبوم است. یك عـــده از شعرا یی که در فهر ست‌جاداده شده اند شا ید سرا سر عمر شان در دوقرن گذشته با شد. یعنـــی قرن یاز دهم و دوازدهم و یا قرن‌دوازدهم وسیزدهم اما کو شش‌شده است که در فهر ست از آن سرا یشگرا نی یاد آوری گردد کـــه سنا لیهای آفر ینشگر ی عمر شـــان به قرن دواز دهم پیو ند بسیارتری بخورد.

پس از اینکه فهر ست به شکـل اولیهٔ خود که طبعا احتیاج به غنای بیشتر داشت در شماره‌های ۱۷ـ۱۸سال چهارم مجلهٔ خراسان به چـاپ رسیده محترم‌دو کتور وا حدی مرا جعی را در ار تباط به این مو ضوع به دستر س من قرار داد ندهمچنان محترم علی احمدقانع که از سفـر تحقیقی در هند باز گشتند، بخش های چاپ شده،مربوط به سدهٔ ۱۲از تذکره های صحف ابرا هیم و باغ معانـــی ومجمع النفا یس راکه ره‌ـ آورد سفر شان بود به اختیارنگارنده گذاشتند، که در اکمال‌و غنای رساله بعداز چاپ‌تاحدی یـــاری‌رسانیدو با یدازتوجه‌ایشا ن اظهار سپاس نمود .

بااین و صف کار این فهر ست با ید ادا مه‌داشته با شد، زیـــرا هستند شا عران و نو یسنده گانی‌که نا مشان دراین فهر ست‌گنجا نیده نشده است. که هر گاه دست یا بی‌حاصل آید، در تکمیل اثر مفیـــد خواهدبود. از ینرو ازدا نشمندان وخامه زنان کشور کـــه‌دراین راه پیشقدم‌و پیشگام‌هستندآرزودارم‌رهنما ودستگیر ما دراین راه شو ند تابه کمك و یاری شان این اثر کا ملتـــر گردیده این خدمت نا چیز فرهنگی به‌و جه‌بهتری به انجام آورده شود.

همچنان‌ازکمك و رهنما یی ها ی استاد محترم پو ها ند دو کتـــور جاوید که به حیث استاد رهنـــمای‌پروژه مرا در تر تیب و تنظیم این فهر ست کمك و یاری نموده‌انـــداظهار سپاس و امتنان می نمایم.

اوضاع سیاسی سدهٔ دوازدهم و تأثیر آن بر ادبیات

ادبیات هر جامعه و کشوری با تأثیر پذیری از عوامل گوناگون اقتصادی و سیاسی رشد و بالنده‌گی می‌یابد. تحلیل و بررسی اوضاع سیاسی این عهد از لابلای تاریخهای نوشته شده و موجود، کاریست مبرم و ضروری زیرا تا حال به‌طور مفصل و ممتع کار منسجم و سیستماتیک در باره این سده صورت نپذیرفته است، گرچه سدهٔ دوازدهم از نگاه نزدیکی وقت باید دارای تاریخچه واضح و روشن می‌بود اما از لحاظ تشتت و پراگنده‌گی مآخذ و بعضی دشواریها و انتقال سلطنت از یک برادر به‌دیگر برادر مخصوصاً از خاندان سدوزایی به خاندان محمدزایی و عزل و نصب سلاطین هر دو قبیله از روی اقتضاآت وقت اکثر منشیان و وقایع نگاران به طور آشکارا نتوانستند، آثار فراهم آوردهٔ خود را که بیانگر چهرهٔ تاریخی آندوره ها باشد، در دوره های انتقالی به میدان بکشانند و یا به جاهای بسپارند و آنچه درخانواده‌های بزرگ و درنزد نویسنده‌گان و احفاد مقرب دربار سلاطین محفوظ و مخصوص بود، در اوقات ناملایم

مفقود و مندرس گردید وبسیار تربه‌دست چپاو لگران وبیگا نگان افتاد، وقسمتی هم از فرط بی مبا لا تی حیف ومیل گردید و هم از رو ی نبودن و سایل طبع ونشردر پــردهٔاخفا گذاشته شد . با تمام‌اینگونه کمبود یها کوشش به عمل‌آمده ا .ت تا حددستر سی وامکا نات از روی کتب تاریخی واد بی چهرهٔ وا قعی این دوره بر ملا شود.اماخوانندهٔگان این نوشته چهرهٔ تمام نما یتاریخ‌این سده را بدانندزیرا بیگمان‌عوا- مل سیاسی براد بیات یك جا معــه تاثیر ها میگذارد. برای آگا هـــی بیشتر میپر دلازیم به بحث درباره او ضاع سیاسی این ســده ســدهٔ دوازدهم هجری ، قمری در وطن‌ماازنهضت هو تکی هااز (۱۱۱۰- مطابق ۱٦۹۸) تافوت تیمور شاه به سال (۱۲۰۷ه،ق یا ۱۷۹۳) میلادی ادامه می یا بد ، سراسر این سده باجنگ‌وجنجال وسرا سیمه گی او ضا ع وشرایط نا به سا مان همراواســت‌خصو صا ، تهد ید و جنگ افــغا- نستان باشیبانی های ماوراء النهروصفوی های ایران و مغول‌های هند، با تاریخ ، فر هنگ وادب این سر زمین ار تباط نا گسستنی دا رد و تاریخ سیا سی افغا نستان را بدون‌آگاهی از شرایط همسا یگـــــی نمیتوان موردبحـ ثوارزیا بی قــرارداد.

سدهٔ هژدهم میلادی (سده ۱۲-ه،ق) که برای ارو پا وامر یکا دوره بیداری همراه با نهضت‌های‌اجتماعی ودورهٔ شگوفا یی صنایع‌و تر قـــی علوم به شمار میر فت، بر عکســ‌آن شر ق در حا لت فلاکت و فترت‌و نابه سا مانی او ضاع و شر ایـــطدا خلی قرار داشت هر چند در نیمهٔ اول قرن هژدهم جرقه ها یـــی‌از این نهضت و جنبش در آسیاوبه ویژه در افغا نستان و ایران نمادی خاصی داشته است، اما متاسفانــه این نهضت ها خیلی کم دوام بوده به زودی جای خود را به استعمـــار غرب گذاشت. در نیمه دوم همیـــن‌سده ممالك شر قدر اثر استعمار غرب رو به ضعف گذا شتند وحکو متهای ملی خود را ازدست داد نــد ویکی بعد دیگری جزو مستعمره‌های‌ارو پا یی شنا خته شد ند در بارهٔ

میهن ماافغانستان نیز این سخـــن‌صادق میبا شد چنانکه گفته انـــد ((اخیر قرن ۱۷ تاآغاز قرن ۱۸ از تار یکتر ین دوره های تار یخ ایـــن مملکت به شمار میرود)) (۳)ویکی‌از دوره ها یی است که در آن‌مملکت دچار بی مر کزی و تجز یهٔ تام وهرقسمت محکوم یکی از مما لـــک همسا یه گردید.

مداخلات صفو ی های ایران بـه‌اساس سیا ست ((القای نفا ق)) از طرف غرب به سر زمین افغانستان رخنه و خللی وارد مینمود ، صفوی های ایران از بزر گترین قد رت‌های قبایلی آنو قت یعنی غلجا یی هـــا وابدا لی ها که قدرت های فیودالی آنو قت بوده اند، سوء استفاده‌می نمودند، این قبایل برای بد ســـت‌آوردن جاه و مقام وریاست هـــای محلی بر ضد همدیگر مقا بله‌میکر دند و صفوی ها آتش نفاق را دربین ایشان مشتعل تر می سا ختندحکام‌صفوی برای گرم نگهدا شتن ایـــن آتش داخلی یکی را امتیا زات‌میدادو به‌گردن دیگر ی می اندا خت.هر که را مخالف اغراض دو لت ایـــران‌میدا نست سر کوب میکرد، شاه‌ـ حسین صفو ی پاد شاه ایران د ر سال ۱۶۹٤ گر گین خان شور ش طلب گر جستا نی را به حکو مـت قند هار اعزام نمود، وی به مجرد رسیدن به قند هار با شدت‌وعصبا نیت حکومت کرد، و درصدد انقراض قبیلهٔ ابدا لی بر آمد، البته بـــر خلاف حکام گذشته که بیشتر بـــه خان های ابدا لی بر خلاف خان های‌غلجا یی تکیه میکردند، گر گیـــن به قبیلهٔ غلجا یی اتکا کردو ابدا لی‌ها را از پا در آورد. وسر زمیـــن های متعلق به ابدا لی ها را بـــه‌غلجا یی ها سپرد، و ابدا لی ها نه ناچار در دشت های‌شورابك وفراه به‌مالداری‌مشغول شد ند .ه‌قسما در ولایت هرات تا حدود اسفزار پرا گنده گردید ند . گر گین در عر ض باغلجا یی هاروش بهتر نمو‌د و خان‌هان ایشان رابه‌خود نرد یکترساخت وبه قوت ور قابت آنان با بدا لـــی‌ها اعتماد نمود .

اما درسال۱۷۰۹ م میرو یس هو تکی از سر کرد کان قبیلۀ غلجا یی متو جۀ این نقیصه شد،وی که پرورده سر زمین قندهار بود و در زمان وی قند هار از نگاه ما لداری زراعت و صنعت ، تجارت و پیشه وری و فر هنگ صاحب رو نق بود. البته زند گی مناطق جنوب نسبت به کو هستان های شر قی در حال بهبودی و بر تری قرار دا شت، شهر قند هار از نگاه مر کز یت نقطۀ وصل راه تجارت بین هند و ایران بود. میرو یس برای نجات مردم و سر زمینش در پی چاره یی فتید و با گر گین از راه مصا لحت و دوستی پیش آمد ، و با صحبت ومشورت وخدمت در راه جمع آوری ما لیات از قبایل و نظم امور اداره ، تو جه گر گین را به خود جلب نمود لیاقت اوسبب شد که گر گین اورا به حیث رئیس بلد یه و انتظام شهر بگماو رد، میرو یس در دا خل این وظیفه اعتماد مردم را جلب نمود وباهمه خا نها و سران قبایل ار تباط صمیمی پیدا نمود، مردم هم که از ظلم گر گین به جان رسیده بود ند، فعا لیت‌های میرو یس وو ظیفۀ جدید او مورد تا یید مردم واقع شد. میرویس با جد یت وتلا ش وآگا هی اذهان عا مه ،مردم را بر علیه گر گین تحر یك می نمود.و آنها به یاری سران قبایل از دادن مالیات برای گر گین ابا ورز یدند،این فر صت های مسا عد بر ای میرویس مجال آنرا میسر گردانید که دست گر گین و همقطا را نش را از افغا نستان کو تاه سازد. و میرو یس توا نست در سرا سر عمر ش مفکورۀ طرد دشمن خار جی وحصول استقلال ملی را تا آخر حفظ بدارد . با همه خو نر یز یها و کشتارهاییکه گر گین نمود با لاخره بااین همه رقا بت هاو جنگهای شد ید، مردی از قبیله غلجا یی به رهبری مردم وارد صحنۀ سیا ست گرد ید، که با همه حس آزادیخوا هی درسال (۱۱۲۰ــ ۱۷۰۸) مردم را متحد ساخت (٤) .

میرویس هوتکی متولد در سال ۱٦۷۳، با آگا هی واطلاع دقیقی که

از وضع مردم داشت خواست مردم را از ظلم دولت و مالیات کمر شکن که به جان رسیده بود نند نجات دهد، برای جامه عمل پوشیدن این هدفش باید مردم را متحد میساخت. (۵۱) این خانها. که قسما سازش کاری با حکام صفوی داشتند و قسماء مشغول رقابت و زد و خورد با یکدیگر بودند میرویس با روش و منطق خود در بار صفوی و حتی شاه را نسبت به خویش خوشبین و اعتماد الدوله صدر اعظم ایران را نسبت به طرز ادارهٔ گرگین بد بین ساخته بود در همه اوقات و در همه جاها ذهن سراسر مردم را روشن و آگاه نمود و مردم را ذهنا آمادهٔ یك قیام عمومی ساخته بود، از کتابهای تاریخی نو-شته شدهٔ این عهد کتاب آسیای میانه است ، که توسط عبدالکریم بخارایی نوشته شده (۵) این نسخه در سال ۱۲۴۶ به فرجام آمده البته حاوی نکته ها و مطالب جالبی است، نسخه یاد شده روشنگر روحیه و تاریخ آندوره، به شمار می آید ، این کتاب توسط مسیو-شیفر به زبان فرانسوی ترجمه شده است .

اولین اقدام و قیام میرویس بر ضد صفویه در این کتاب چنین آمده است که برای استناد مطلب عین موضوع را نقل می نمایم!

((زمان خان ابدالی درانی صدوزایی افغان از آنجا به هرات آمد حاکم هرات اسدالله خان سدوزیی بود حاجی میرویس... اظهار نمود که دولت قزلباشیه در تنزلست رونق ندارد مایان از روی بی حمیتی اطاعت قزلباش را میکنیم جمله متفق شده عمالان اوباشیه را مقتول سازیم و خود مایان صاحب ملك شویم جماعهٔ ابدالی قبول نمودند که اول در قندهار یاغی شو بعد مایان یاغی میشویم، حاجی میرویس به قندهار آمد جماعهٔ غلجایی را طلبید سستی دولت قزلباش و عهد افغان ابدالی را تقریر نمود و یاغی شدن را اظهار نمود همگی قبول کردند در آنوقت از جانب سلطان حسین صفویه شاه نواز خان کرجی والی بود القصه شاه نواز خان را به بهانهٔ که

عسکر غلجا یی را کوردك ببندا ز شهر بیرون بردند عسکر دو طرف راه صف زده ایستاد ند شاه نواز خان از میا نه میگذ شت بیکبارهجوم آورد ند به قتل رسا نید ند. آنچه از قز لبا شیه یا فتند مقتول ساختند قند هار را ضبط نمودند سکه‌وخطبه به نام حاجی‌میرویس‌ز د ند، در این تاریخ بار اول سکهٔ که به‌نام میرو یس زده شده است در دیگـــر تاریخ ها به چشم نمیخورد:

سکه زد هم خطبه بردارا لقرار قند هار
قاتل‌سالارگرجی میرویس نا مدار (۷)

مـردم فـــرا ه ، سیـــستان‌و قند هار اعم از تاجیك و هزاره‌و پشتون وبلو چ‌اوراًبه صفت رهبـر خود شنا ختند ، در جر گه مهم‌ملی و تار یخی که گروپ های مختلف‌و بدون هیچگو نه تعصب از ملیتهای‌با هم برادر گرد هم جمع شده بودند‌و بعد از سقوط گر گین توا نستنــد دو لت سر تاسری‌افغانستان را طرح ریزی کنند. یگا نه هــدف میرو یس طرد دشمن خار جــی،حصول استقلال ملی‌و متحدو متفق گذا شتن مردم بود ،وی به استحکام‌دولت قند هار کو شید عسکر و اردوی قند هار در مقابل ایرا نی‌ها مقاو مت شد ید نشان داد ند،زیرا با از دست رفتن قند هار استقلال‌و مبار زات چندین سا له را از دست می داد ند عسکر ایران در مقا بـل‌مردم تارو مار‌ویك عده فراری‌شدند بالاخره به تاریخ ۱۷۱۲ استقـــلال‌قند هار به کلی تحکیم گرد ید، اما عمر میرویس‌بعداز٤١ سالگی‌برایش‌و فانکرد .و در سال ۱۷۱۵ جســم از جهان پو شید، جر گه قو مـــی قند هار بعد از مرگ میرو یـــس برا در ش میر عبدا لعز یز را بــه ریاست قند هار انتخاب نمود ند،اما در اثر بی کفا یتی‌او خا نهاوبزرگان‌قوم به شمول پسر ش اشرف در مقا بل او قد علم نمودند .وحکومت به دست شاه محمود پسر میرویس افتاد، حکومت شاه محمود نیز بازدوخورد ها با شاه حسین صفـــو ی گذ شت تا با لاخره برادر شاه محمود میر حسین در قند هار کــه

اوضاع و احوال آنجا را آرا متر احساس کرد به تقویه ادب پشتو تشویق شعرا و نویسنده گان کوشید. اما شاه محمود در چند ماهی در ایران شکل ادارهٔ دولت را ترتیب و اسباب امید مردم شده بود. این حال دوام نکرد عصبیت شاه محمود همراه با مریضی و قیام طهماسب پسر شاه حسین به کمک دولت عثمانی و پادشاهی روسیه پتر کبیر) و قیام مردم قزوین بیماری عصبی شاه را شدت بخشید. شاه اشرف که جدا از شاه محمود در مبارزه بود به صورت بسیار دلاورانه عسکر شاه حسین را مغلوب و او را کشت. شاه اشرف با وجود فتح بزرگی، تدبیر را از دست نداد و بدون اسلحه تمام غنایم جنگی را در عقب اردوی شکست خوردهٔ ترک فرستاد، با ترک ها از در مصالحه پیش آمد و با این روش او توانست خود را از خطر حمله از جانب غرب آسوده خاطر سازد. شاه اشرف در مقابله با نادر افشار شکست خورد حتی حکومت غلجایی قندهار در سال ۱۷۲۹ در مقابل حملهٔ نادر مقاومت کرده نتوانست نادر قوای غلجایی را به طرف غرب را ندو در عوض ابدالی ها را بخواست که بدینصورت بین این دو خانواده بنای خصومت را گذاشت و شهر قندهار را که مرکز صنعت پیشه وری و فرهنگ بود تخریب و از بین برد.

مردم قندهار استیلای صفوی ها را ازبین بردند، عبدلله خان زمینه و شرایط متحد شدن قوم ابدالی و غلجایی را مهیا نمود، همچنان عبدالله خان به تشکیل دولت مستقل در هرات پرداخت و مناطق غور، مرغاب، بادغیس، او به را از دولت ایرانی تصفیه و به حکومت مرکزی هرات ملحق ساخت جنگ دلارام و کشته شدن اسدالله خان استقرار حکومت ابدالی هرات را بر هم زد عبدالله خان پیر از مرگ پسر جوان و کاری خود دل شکسته گردید و مستعفی ساخته شد. و زمان خان ابدالی پدر احمدشاه ابدالی به ریاست حکومت منتخب گردید. زمان خان بعد از گرفتن اقتدار با احساس رقابت

فیودالی مردی چون عبدالله خان‌را محبوس نمودو در زندانشـــ
مسموم کردواز این بعد خصومت های شخصی درحکومت نواحدات
ابدالی هرات بیشتر شدت کرفت‌وریاست حکومت‌از دستی به‌دستی
در گردش افتادو حکومت ابدالی هرات نسبت به دولت غلجایـــی
قندهار ابتدایی تر بود، زیـــرا آنها کمتر شهری بودند زمان خان
بعد از شکست قوای صفوی بعدازسه سال ریاست بـه دیار عـــدم
پیوست و جرگه ذوالفقارخان پسرزمان خان را به حکومت هرات گماـ
شت. (از ۱۷۱۴ تا ۱۷۲۵) امـــا تعصبات قبیلوی و جنگهای داخلی
دو باره برای صفوی ها مجال داد که ازطـرف شاه طـهماسب صـفوی
نادر افشار به طرف هرات حملـــه‌ور شود، البته دو دسته گی ابدالی
هاو کار شکنی مخالفین سبب سقوط هرات شد. نادر که از عسکر ترک
بی وفایی دید اتکا به مردم ابدالی وغلجایی نمود. تا به‌یاری ابدالی‌ها
وغلجایی ها به هندو ماورالنهـــر فاتح شود، همین اعتماد نادر بـــه
افغانها باعث خصومت ترک‌هاو ایرانی ها گردید. نادر بعد ازفتح
هرات رضا قلی مرزا پسرش را بحکومت هرات گذاشت، در حالیکه
توده های دهقان هرات از تاراج و حواله لشکر های متخاصم از پـــا
در آمده بودند در کابل نیز سپـــاه نادرشاه افشار به سر کرده گی
طهماسب خان جلایرو کیل سلطنت نادر افشارو حسن خان بیات حاکم
آنوقت کابل و توکل خان و سایراشخاص اجنبی بسیار سعی کردند
تاوجوه بسیار را به نام مالیـــات چندین ساله ولایات مملکت‌افغاـ
نستان و انواع شدت و جبرو ظلم جمع آور ند، تا درشاه محمد تقی
خان‌شیرازی‌راکه حاکم شیرازبوددرسال ۱۱۴۳ انتخاب نمود اما درائر
مخالفت شدید محمد تقی خان بـــا نادر افشار، نادر افشار او را بـــه
طور جزایی به جمع آوری مالیات. وپیشکش وادار ساخته بود تا بـه
جبرو ظلم از مردم مالیه بگیردودر ظرف چندین سال طهماسب خان
جلایر و حسن خان بیات به جبر ازمردم افغانستان پول و مالیـــه

می گر فتند ،و نا در شاه تقی خان شیر ازی را گفت که مبلغ زیاد جمع کند تا به‌وقت ضرورت صر ف‌شود تقی خان مذکور از خوف جان بـــه کمك نواب نا صر خان حا کم‌سابـــق کابل مو ظف جمع آوری ما لیا ت‌و محصو لات پشاور بود، تقی خــــان‌شیرازی و نواب نا صر خان مبلـغ ۲۶ کرور رو پیه که‌معادل پنجصــــدهزار تومان می شد جمع کرد ندودر سال ۱۱۶۰ نادر شاه به تقی خــان‌شیراز ی اموال داد تا به کلات‌نادری پیوسته رابر سا نند درهمین ســـال ماه جوزا تقی خان و نا صر بـــا خزا نه وارد قند هار شد ند که‌خبر کشته شدن نادر افشار همه جا را فرا گر فته بود آنها می خوا ستند که‌خزانه را از همه وبه‌خصو ص‌از درانی هاپنهان‌کنند ، امااحمدشاه‌ازمو ضوع آگا هی داشت ، به ضبط خزا نه پرداخت . در کتاب سراج التوار یخ این ذخیره را ((گنج باد آورد)) گفته اند اما وکیلی فرفزایی‌این نظر را رد نموده در صفحـــهٔ ۵۳ کتابش به نام تاریخ احمد شاه ادعا نموده است که این گنج از پول مردم و ما لیات مردم بوده استو احمد شاه در همان تاریخ جلوس همه آن پول ها را به عسا کرو کار کنان دو لت مصرف نمود. نا در که‌از قشر پایین جا معه و گرم‌و ســـردکشیده روز گار بود.(۸) بعد ازاسیر شدن ما در ش به دست از بکها و فوت او، به فکر انتقام جو یی‌وماجرا جویی بر آمدواز خود شجا عـــت‌ودلاوری نشان دادوی بعدازاستحکام خود در خرا سان و استر آباد خودرا دربین قوت فیودا لی غلجا یی‌ء ابدا لی یا فت در اثر جنگهای مکرر حکو مت ابدالی را به بیطر فی وا داشت بعد در سال ۱۷۲۹ در اثــر محار بات سنگین دو لت غلجا یی‌را منقر ض‌ساخت، بعد ایران راتوحید کرد، نادر که حنفی مذ هب بـــود میخوا ست ایران و افغا نستــــان دریك مذ هب وا حد با شدو بعد از جنگها در هند دختر شاه هند رابه پسر ش گر فت و غنایم زیاد ازهند مثل الماس کوه نور، تخت طا ووس وهزا ران رو پیه طلا ونقره به دست آورد بعد به طرف بخا راو خیــــوه رفت .و آنجا رابه دست آورد،وبه

حکمرا نی آنجا مقرر گردید ، بعـــد به‌طرف مشهد رفت ومشغول تنظیم داخلی آنجا شد او مطلع نبود که‌درزیراین آرا مش عمو می مـــردم از ضبم و فشــــار فیـــو دال ها به ستوه آمده‌اند، وقشر شیعه مذهب بر علیه او فعا لیت می بردند، بالاخره نادر کشته شد، بعد ازنادر در سال (۱۷٤۷) علی قلی برادر . زادهٔ او که حاکم سیستان بود در مشهد به عنوان عادل شاه اعـــلان پاد شا هی کرد بعد مردم علی قلی‌و ابرا هیم برادر ش رادراثر ظلـــم کشتند و شا هرخ نواسهٔ نادر پادـ شاه شد بعد او سید محمد متو لی مشهد شا هرخ‌را کورو خود را پادـ شاه اعلان کرد، بعد فیودال ها ی منطقه شا هرخ‌را که بینا یی چشماـ نش را از دست داده بود به حیـــث‌سمبول انتخاب کردند و خود نفـع می بردند تا بالاخره احمد شاه ابدا لی به خراسان (۹) رفت حکو مـت ولایتی را رسما بـــه شا هرخ(۱۰)وعملا به نور محمد خان غلجا یی نایب حکومت خرا سان دادو بدینصورت‌ولایت مذکور بار دیگر ملحق بـــه افغا نستان گردید.ازکتاب مشهوری که‌از سفر ها،جنگها و فتو حا ت نادر افشار حکا یت می کند کتاب ((شهنا مهٔ نا دری)) است که درسنه ۱۱۷۲هـ از طرف شا عر گمنام(یکی‌از نواسکان قا سمی شا عـــــر شمهنشاه نا مه صفو ی) در خراسان‌و به امرحسین خان لز کی به‌نام احمد شاه ابدا لی نظم گشته و یك نسخهٔ خطی آن نزد استاد محتـــرم مرحوم حبیبی موجود بودکه محترم‌عبدالحی حبیبی درصفحه ۷٦۰کتاب نود (تازه نوای مبارك) درشرح‌لشکر نادر ابیات‌پایین رااز آن کتاب‌چنین آورده است .

چو از کار کامل‌برداخت شاه — فرستاد سوی هـری دستگاه
پی گو شما ل یکی فتنه جـــو ی — زعباسیان ، شد چنین‌چاره جوی
که چون سیل با آن سپاه گران — سوی سند تا بدز کابل عنـــان
با هنگ عبا سی بد نشــــان — که می بود نامش خدایار خـــان
زمیندار مطلب به بزم سخـــــن — چنین سازد از گفتگو انجمـــــن

که سردار هندآن خدایار خـان　　که می بد نژاد ش ز عبا سیان
به وقتی که دارای یزدان پناه　　به ایران زمین داشتی دستگاه
درین سال کان رایت افراز کین　　سوی هند رو کرد ازایران زمین
خصوصا زروز یکه اقصای سند　　شد اقطاع ایران نه‌دارای هند
جها نجو به منز لگهٔ گر مسیـر　　سوی سند چون مهرشد گرمسیر
بدان خان مشهور شو کت پناه　　که در فارس بد صا حب دستگاه
تقی خان نظر کردهٔ لطف خا ص　　کزا خلاص بودش بسی اختصاص
بسرداری فار س به سر فـر از　　که تا مسقطش بود دستی دراز
امور بنا در منسق بـاو　　پذیر فته آن ملك رو نق بـاو
کز اخلاص خان ارادت نشـان　　چنین داد فرمان خد یو جهـان
بسمت بنا در فتیل و غـراب　　دگر لنگرو کشتی کو ه‌تـاب
بود آنچه حاضر در آن بحرو بر　　تما می همان خان صا حب هنر
زدر یا گذ شته در آن انقلاب　　برون آرد آن جملگـی را ز آب

• • •

نما ید به زود ی‌زدر یا عبـور　　به در گاه رو آرد از راه د ور
وزان پس به آهنگ سنداز شتاب　　بایلغار آورد پـا در رکاب
از آن راه پر جنگل پیچ پیـچ　　فتوری به عزم انـدر آورد هیچ
با یلغار افشر ده پـای ثبات　　عنان تاب‌شد جانب‌دیره جـات
بهر دیره‌خانی که بد جا یگیـر　　پس‌از سر کشی گشت فرمان‌پذیر
پس ازآزمایش به‌بازوی خو یش　　نهاد ند پایی به‌اخلا ص پیش
وز آنجابه نزد خدا یار خـان　　جها نجوی فر مود حکمی روان
اگر خود شتابد زفرمان بـری　　بدر بار دولت ، دریـن داوری
ازآن به کزین لشکر بی کـران　　شود سند ویران کـران تا کران
همین حکم راکرده تعویذ خو یش　　نهد پای همت به‌اخلا ص پیش
که تقصیراو نیست چندان‌شگرف　　که‌آن سان عنان رانما ئیم صرف
بدان درگه آمد د گر ره خبـر　　که‌دروی ندارد نصیحت اثـر

چنان زور آورده بروی هرا س
زآهنگ شه داردآن دارو گیر
تهی سازد آن ملك از بیم‌شاه
جها نجو به سان وفتیل وکلك
زدریای سند آنچنان بر گذ شت
زدریا گذ شته درآن گیرو بست
چو عباس آگه شد از انقلاب
زجایی که بد پای تختش درآن
تهی کرد جا از طریق فرار
یکی قلعه بودش «عمر کوت» نام
برو جش به‌کیوان برافرا شته
زآبادی آن قلعهٔ استوار
گمان کرد کا فواج ایران سپاه
بدان قلعه آرام کردو نشست
جها نجو چو آگه شد از مدعا
بفرمود روزی که یکسر سپاه
وزآن پس بدان دشت ایلغار کرد
بیکروز و یکشب که ره کرد طی
خدا یارخان رادرآن گیرودار
مو لیٔ طالع خسرو چیره دست
گرفته درآن لشکر بیکران
خدا یار خان رادرآن گیرودار
برون آمد از قلعه با فوج خو یش
هما ندم سواران بهرام کین

که‌از شه به‌شفقت ندارد قیاس
که گجرات‌ازین پس کند جا یگیر
کند بندر سورت آرا مگاه
به نو عی که‌شد خیره چشم فلك
که‌شا هین نه پرد باقصای دشت
رهی بد همه جنگل وچوب بست
که‌بگذ شت دارای ایران ز آ ب
در آن‌فتنه سردار عباسیان
نبودش چو درجنگ تاب‌و قرار
به‌دشت تهی مانده زآب و کنام
باذوقهٔ و افرانبا شته
چوبد دور سی فر سخ ازرهگذار
بران در نخوا هند پیمود ر اه
بخود داری ازکین برآورده دست
که اورا بود در عمر کوت جا
تدارك بگیر ند از بهر راه
زگرد آسمان راچوشب تار کرد
به نزدیك آن قلعه بردند پی
ازآن قلعه می‌بود ممکن فرار
زکوشش همه دست‌وپایش ببست
چو خا تم عمر کوت‌رادر میان
قضا شد دلیل طر یق فرار
گرفته ره سمت گجرات پیش
گرفتند راهش به شمشیر کین

نبودش پی جنگ، نیروی دست　　بخود دست‌خود گردن خویش بست
گروهی سوار از همان گرداه　　رسانند او را به درگاه شاه
به‌حبسش جهانجو اشارت نمود :　　وزآن پس زبان را چنین برگشود
که‌گنج وزر و گوهرش هرچه‌هست　　به ضبطش امینان برآزند دست
زسیم و زرش پیشتر یك کرور　　به ضبط اندر آمد درآن شروشور
دگر هرچه بودش سلیح ودواب　　در آمد بر منزل اکتساب
خدا یار خان هم درآن رهگذر　　بفرمان شه بود حبس نظر

در همین هنگام رفتارو کردار احمد شاه مورد تایید مردم و دربار نادرشاه (۱۰) واقع شد واحمدشاه‌حکومت ابدالی افغانستان‌را تاسیس نموده در واقع افکار واعمال‌اینشخص در حیات سیاسی ملت افغانستان تاثیر مهمی نموده‌است‌وی جریان تاریخ‌این‌مملکت را از جهتی به‌جهتی کشیده است(۱۱)احمدشاه از رجال عمدهٔ تاریخ افغانستان است دانستن ترجمهٔ حال وکارنامه‌هایش دراین سده قابل یاد آوری است، احمد شاه در سال مرگ پدرش زمان‌خان در شهر هرات در سال ۱۱۳۵ هجری قمری مطابق ۱۷۲۳ میلادی متولد شد،وی با مادرش به شهر فراه منتقل گردید،زیرا محمد خان ابدالی رقیب پدرش در هرات حکمرانی می کردوی تانفوذنادر شاه در هرات و فراه به مداخلات سیاسی مداخله نمی‌کردتابالاخره با برادرش ذوالفقارخان به دربار پادشاه غلجایی قندهار(شاه حسین) پناهنده شده‌و درآنجا محبوس سیاسی‌گردید .ذوالفقارخان توسط نادر شاه مسموم شدو احمد شاه که بیست سال داشت‌به دربار نادر شاه رسبد، وی‌را به حیث افسر نظامی پذیرفت وبعداز نشان دادن کفایت‌و اخلاق

قوما ندان قطعات ابدا لی واز یکی شدو تا مرگ نادر شاه درار دوی او با قیما ند در صفحه ٤٥ تاریخ احمدشاه ابیاتی در بارهٔ مراسم جلوس وی آمده است:

جمله گفتند این زمان در روزگار — نیست خا لی‌هیچ شهر ازشهریار
چون بود کاقلیم مارا شاه‌نیست — بیش ازین بی‌شاه‌بودن راه‌نیست
یکدگر رابه که تا یاری کنیم — پادشا هی را طلب گاری کنیم
زانکه چون کشور بود بی پاد شاه — نظم وتر تیبی نما ندد‌ر سپاه
پس همه در جایگاهی آمدند — سر بسر جو یای شاهی آمدند

دوران زما مداری احمد شاه از آن جهت مهم است که‌وی بعداز فتوردو قرنه وتجز یهٔ سیا سی افغا نستان یعنی بعد از سقوط دولت تیمور ی افغا نستان و تجزیهٔ مملکت به‌دست امرای بخا را، فارس و هند درقرن دهم هجری مو سس دو لت حسا بی ومجدد سیا سی سا بق افغا نستان است. بعد از فوت نادر ،احمد شاه‌بیست وپنج سال داشت و دراین مدت او صفحات مختلف حیات‌را دیده و با ذلت تبعید واسارت و هم با عزت و فرماندهی بسر برد او با طبقات‌مختلف‌اجتماعی محشور گردید و عروج وسقوط‌دو لت افغا نی و نادر رادر هرا ت‌و قند هار و خراسان وایران به چشم‌سردید. تمام این حوادث در هو ش وقضاوت او تا ثیر نمود، همهٔاین عوا لم باعث پخته گی‌و آگا هی ذهنش گردید، از تحصیل در یغ ننمودو در زبان دری‌و پشتوصاحب سوادگردید. ودر این دو زبان شعرگویی نموده‌است ، مرد سوار کارو عسکر دلیر بودوی آگاهی تمام از شرایط او ضاع دا خلی و خار جی کشور ش داشت در چنین او ضاع واحوال افغا نستان برای تشکیل

دو لت مستقل مساعد بود، درهمه‌جافیو دالها قدرت داشتند درسرحد ایران بعد از مرگ نادردر هرج‌ومرج ملوك الطوایفی غرق شده بودوقاجار به تجاوز ممالك همسایه نبود، دربخارا و ماورا لنهر نیز دو لت جنیدی روبه انحطاط نهاده و فیودالها در همه جا حتی پایتخت بخارا مستقل شده بودند. در ماورا النهروخوارزم درمدت چهل سال زدو خورد هاسر پادشاهی بود، ده پادشاه دراین مدت انتخاب شدند درهند همچنان در رفت اورنگزیب حکومت مرهته به رهبری (سیوا جی) تا سیس شده بود که قدرت زیادداشت واز اینرو دو لت بابری هند قدرت حمله به طرف افغانستان نداشت زیرا ازطرف شمال سکها هم مخالفت می کردند در ضمن سودا گران و استعمار گران غربی که نفاق و تقسیم قوم هند را می خواستند تا بتوانند ثروت هند را به دست آورند، در پهلوی این کشمکش ها قدرت افغانها در دربار هندو در ولایات هندنیز وجود داشت، این اوضاع احمد شاه را از طرف هند مطمین نمود، گرفتاریها وکشمکش های چهاراطراف کابل سبب شدکه برای احمد شاه زمینهٔ مساعدگردد تادر اندك مدتی به آسانی از جیحون تا عمان واز خراسان و سیستان تا رود بارسند افغانستان را وحدت سیاسی بخشد. در طی ۲۵ سال سلطنت احمدشاه، مرکزیت دو لت وامنیت عمومی، طوری قایم شدکه فیودال و ملاك دررفتار خود نسبت به دهقان مسوولیت خود را دربرابر دو لت احساس کند، طبقهٔ متوسط شهری و تاجر نیز ساحهٔ آزاد تر فعالیت به دست آوردند ،این اوضاع در داخل سیستم فیودالی متمرکز اسباب استحکام دو لت رافراهم نموداز جانب دیگر احمد شاه فیودالهارابه

امور نظامی وملکی و جرگه های قومی و قت داد تاموفق گردید.

احمد شاه در سال ۱۱۲۹ شمسی برای بدست آوردن هرات و ایران لویه جرگه قومی تشکیل داد که شاعر این عصر روح مطلب و خواست احمد شاه را درنظم چنین اورده است:

برانم که من هم درین نوبهار — روانه شوم سوی ایران دیار
نخستین زاعدا بگیرم هرات — زنم کوس اقبال بر شش جهات
که آن ملک میراث آبایی ماست — تصرف در و غیر را کی رواست
ازان پس سوی ارض اقدس روم — مشرف به فیض زیارت شوم
نشانم زاو شاهرخ را به نعمت — شود تادل دشمنان لخت لخت
کنم برسر یرش دگر مستقل — که گردند بد خواه او منفعل
زاعدای آن شه بر آرم دمار — نشانم فرو فتنهٔ روز گار
عطایش کنم جمله ایران زمین — بفرقش نهم تاج وبخشم نگین(۱۳)

احمد شاه به عساکر تو جه زیاد داشت و حقوق رعایا را تلف نمی کرد.

سپاهی چو جمع آمد ازهر دیار — بفرمود خاقان جم اقتدار
که نام آوران سان لشکر دهند — زخود وزره زیب وزیور کنند
کشیدند صف سرور آن سپاه — زگرد سپه آسمان شد سیاه
سنا نها بدوش و یلان پر شکوه — چوبرق وزشش زبالای کوه
قبا آهنان با کمر های زر — شد آراسته کوه ها از کمر
زتو همتی جا نفشانی زما — کرم از تو کشور ستانی زما
نمودند لشکر نویسان عمل — بفرمان خاقان دین و دول
حواله نمودند از بی شمار — بهر کس زافواج نصرت شعار
زانعام واکرام و جود شهی — خزاین شد از درو گوهر تهی
باحسان در گنج زانسان گشاد — که شد نام حاتم فلک را زیاد
کسی راکه شد جیغه برسر نهد — به پاداش آن درد هش سر نهد

ص ۱۶۶

به‌جز چند نفر فیودال که مقاومت کردند ودر آغاز فکر می کردند که احمد شاه نظر به ضعف‌قبیله وتنها یی در شکست است اما قوت‌وقدرت احمد شاه از روی تدبیر چنین بوده‌است یعنی فیودا لهای قبایل را از خود قبیلهٔ شان دور نگه می داشت تادر تماس قبیله وفکر دسیسه نبا شند.

احمد شاه بنا به تقواو اخلاق نیکو یی که‌دربرابر مردمش اختیار نموده بود اورا پدر و غازی خطاب می‌کردند وی به قشر روحا نی سخت احترام داشت. (١٤) مردمدار بود واز عیش و تجمل بیش کار نمی گرفت، در امور داخلی دولت فا میلش رادخل نمی داد تنهاولیعهد خود تیمور شاه را زیر تربیهٔ جهان خان پو پلزا یی در حوا شی عربی‌وشر قی مملکت‌در مشق‌وتمرین امور سیا سی و نظامی میگذا شت. احمد شاه بعد از اینکه وضع داخلی را مرتب ساخت متو جهٔ هند گشت‌و چندین بار بدان سرزمین لشکر کشیدو به پیروز یهای گونا گون نایل آمد که تفصیل آن در کتب تاریخ ضبط است .(١٥) .

از مجالس علم‌و علما لذت می‌بردو‌به فرزندان‌خودتو صیه کرده بود در هر شب جمعه علمای متبحر رادرمجلس حضوراحضار نمایند وبا ایشان مباحثه و مذاکرهٔ علمی‌می نمود، وی نظم و دسپلین را در ادارات آورد، تو ضیح و شرح سیستم اداره را در بخش اوضاع اجتما عی واقتصادی مورد بر رسی قرار می دهیم.

احمدشاه‌در تشکیل مجدد افغا نستان ،مرهون خط مشی مو سس وپیش قدم خود میرویس خان‌هوتکی‌است، احمد شاه آن طرح نا تمام را تکمیل نمودوی در لیا قت‌سیاسی‌ونظا می ما نند نادر شاه خراسانی از امتحان در یك مر حلهٔ معین تار یخی کا میا بانه عبور نمود.

احمد شاه تحکیم بنیان و وحدت سیاسی را اساس قرارداد، وی بدون تبعیض تشکیلات اداری خود را تنظیم نموده بود. زیرا تا قرن هژدهم هنوز استعمار مغرب زمین در کشور های مشرق زمین عمیق رخنه نکرده بود و برای ایجاد نفاق واختراع اقلیت و تجزیه و تقسیم ملل و ممالک شرقی کاری نشده بود. (١٦)

دولت احمد شاه در داخل شرایط خاص تاریخی توانست که برای تشکیل مجدد افغانستان خدمت مهم سیاسی نماید ولی نمیتوانست به کلی از اشتباهات واعمال نادرست بر کنار بماند، به طور نمونه یکی از کار های عجیب وبی فایدهٔ او مداخلهٔ منفی در امور هندوستان بود، زیرا حملهٔ او در هند سبب شد که استعمار انگلیس شدت یابد وحکومت بابری هند که ضعیف بود قدرت آنرا نداشت که هندوستان را اداره کند، ۲۵ سال عمرا حمد شاه به لشکر کشی ها گذشت وی وقت کافی برای انکشاف اقتصاد و تمدن و فرهنگ ازدست رفتهٔ افغانستان (بعد از تجزیه وتقسیم دونیم قرنهٔ کشور) نداشت توجهٔ بیشتر احمد شاه به مسایل عسکری و نظامی معطوف شده بود، به همین جهت به باروت واسلحه سازی توجهٔ بیش می نمود.

احمد شاه مرد متشرع عالم و با سواد بود ،دیوان اشعار پشتوی او در کابل ۱۳۱۹ از طرف استاد عبدالحی حبیبی طبع شده، اشعارش آمیخته با مفاهیم عشقی، تصوفی، حماسی واخلاقی است دارای تقریباء دونیم هزار بیت است (۱۷) از قسم غزل و رباعی و قطعه و مخمس و مربع در کلامش رنگ تصوف به خوبی آشکار است، برخی اشعار اخلاقی و وطنی نیز دارد وعلاوه بر ین برخی کلمات

و ملفوظات منشور نیز داشت که ملامحمد غوث بن ترکمان بن تاج خان قاضی پشاور شرحی بر آن کلمات به زبان فارسی به نام ((شرح الشرح)) نگاشته است .

احمد شاه جنگجو و فاتح بود، اما طرفدار غارتگری ، ظلم و کشتار نبود، بهترین کتابی که از آیند وره باقی است و چهرهٔ تمام نمای تاریخ این دوره میبا شد، تاریخ احمد شاهی است این تاریخ توسط شخصی به نام محمود الحسینی ـ المنشی بن ابراهیم الجامی نوشته شده است، از مزایای بر جستهٔ این کتاب اینست که وی نه تنها تاریخ نگار دربار احمد شاه بود بلکه منحیث مشاور سیاسی خط سیر سیاسی احمد شاه را مراقبت می کرد محمود الحسینی در لابلای اشعار مدحیه در بارهٔ فعالیت های عصر اشخاص بر جستهٔ آنعهد چون شاه ولیخان وزیر و سردار جهانخان اشعار و مطالبی زیادی نوشته، همرکابی او با احمد شاه سبب شد که تمام وقایع و چشم دید های خود را به طور واقعبینانه دراین کتاب بگنجاند اما در باره زندگی خودش جز- یتر ین اشاره یی نکرده است به همینصورت زندگی محمود الحسینی در تاریکی باقیمانده و حدس زده میشود که شاید وی زیر حمایهٔ شاه می زیست و به هیچ نوع رنج و تکلیفی در دربار احمد شاه مواجه نشده است. درده سفر جنگی احمد ـ شاه بابا که در سالهای مختلف حکمروا یی او صورت گرفته بود، بیش از همه جنگ پانی پت در سال های ۱۱۷۳ و ۱۱۷٤ هجری قمری با همه تلاشهای پیگیر او از بنیاید ترین جنگهای او محسوب می شود وی در سال ۱۱٦۱ ه،ق به الحاق کابل پشاور ، سند و ملتان و جنگ لاهور وسرهند ودر سال ۱۱٦٦ هق به الحاق سیالکوت ،اورنگ آبادو گجرات کوشید در سال ۱۱٦۳ به الحاق هرات، بلخ و بدخشان وبلوچستان مصروف بود.

در سال ۱۱٦٥ مصروف پنجاب، کشمیر اعزام سفیر به دربار دهلی

تنظیم ملتان و سندو سوا حـــل رود اندوس بود، در سال ۱۱٦٦در جنگ پشاور ودر ســال ۱۱٦۷ و ـ ۱۱٦۸به الحاق مشهد ونیشا پور مصروف بود، در سال ۱۱۷۰ هـ، ق به تنظیم پنجاب و کشمیر و فتـــح دهلی ودر سال ۱۱۷۵ ،۱۱۷۷ هـ.ق برای تنبیه سیکها در پنجاب و هند (جنگ بر گ ک سبز)سو قیات بـــه کشمیر و تامین آن ودر سال ۱۱۸۳ برای تامین و لایت خرا سان شتافت احمد شاه بعد از جنگهای متوا لـی در سال ۱۷٦۳وارد قند هار شدوتاسال ۱۷٦۷ دیگر سفر به خار ج کرده نتوا نست گر چه وی قوا ی. سکها را در پنجاب شکست داد و آرام کرداما میدا نست که سکها در پنجاب زیاد شده می رو ندو خودش برای رفع این خطر نمیتوا نست‌به صورت دایمی در پنجاب بماند در همینسال شاو لیخان به بلخ اعزام‌شد، و قرار دادی با عبدا لعز یـز پاد شاه بخا را بست که دریای‌آموسر حد باشدو خر قهٔ مبارك را از بدخشان به قندهار آورد احمد شاه به پاس خدمات نادر شاه افشار با وی خو یشی نمود، یعنی شاهرخ فرزند نادر شاه افشار دختر شــی (گوهر شاد) را به تیمور شاه پسراحمد شاه به زنی دادودر سال ۱۷۷۰ به قند هار آمد واین آخر ین سفرراحمد شاه بود در سال ۱۷۷۳ در قند هار مریض شدودر همین احوال‌پسر دوم خود یعنی تیمور شاه رابه ولیعهدی مقرر کردو بالاخره دررجب۱۱۸۷هـ.ق یا ۱۷۷۳م به عمر ۵۰سا لگی بعد از ۲٦ سال سلطنت د ر قندهار فوت نمود، و درآنجا دفـــن گردید. (۱۸)

احمد شاه فرز ند بزر گتــش شا هزاده سلیمان را بایـد بـــه جانشینی انتخاب می داشت اماوی‌شا هزاده تیمور فرز ند دوم می‌خود را که صاحب ذکاوت و استعداد فوق العاده بود بر گزید، از ینرو دربین برادران کشمکش هـــاو خصومت های ایجاد (۱۹) شد و از توضیح وتفصیل آن که مر بوطسدهٔ سیزدهم می شود صرف نظـــر می نماییم تنها دوران تیمور شاه‌و به خصوص سا لهای اول‌او که در

سدهٔ دواز دهم هجر ی قمـــر ی مطابقت دارد طرف توجهٔ ما ست. البته سدهٔ دو از دهم با همه جنگها وجنجا لها در مر حله های واپسین به پا یمردی و کوشش احمد شاه توسط ولیعهد ش تیمور شاه هم از ازنگـاه رفاه وامنیت مردم، رونـق می گیرد و هم توجهٔ زیاد تیمور به فر هنگ وادب و تجمع شا عرا ن با آفریده های مو جود دراین دوره قابل تامل است.

تیمور در ۱۱۶۰ قمری ،در هرات از بطن زر غو نه انا متو لد شده بودو میرزا هاد یخان منشی با شی در بار تیمور که در هر ات و قندهار وکابل که از ۱۱۶۰ تااوایل دورهٔشاهنشا هی اوبسر برده است درقطعه یی تاریخ تو لد تیمور شاه را چنین آورده است که چندبیت آنرا دراینجا برمی گزینیم ک:

جهان شهر یاری زکتم عـــــدم   قدم زدبه صحرای هستـــی از آن
چو تابنده خور شیدبر آسمان   که بخشد ضیای عالم ازبهر خویش
زپیر خرد جستجو شد نهــــان   به یك مصر ع تام تاریـــخ او
بگو شد تیمور صا حب قـــران   بگفتا جها نگیر ش ظا هر است

تعداد زو جات تیمور شاه به سه صد نفر میرسید (۲۰) که اکثر این ازدواج ها از روی مصلحت هـــای سیا سی و روابط حکام و قبا یـــل واقوام بوده است، تیمور نه تنهـا در سیا ست آنعهد نقش تعییـــن کننده داشت بلکه به جها ن علم وادب آنعهد خدمات شایسته یی را بـــه فرجام آورد و با رو شنفکـــــری وحسن نظر ی که به طبقهٔ نسوان داشت به خانمها یش مو قع کار در دولت وار سی عرایض مردم داده میشد. در سجع مهر شاه بیگم خانمش آمده است:

از عروج دو لت تیمورشاه بحروبر   شاه بیگم کرد زیور حلقهٔ شمس وقمر
(۲۱)

در مهر خاتم گوهر نسا بیگم دختر سلطان عزیز الدین عالمگیر ثانی وزوجهٔ تیمور شعر زیر ایـــن چنین حك شده بود:

تا جهان است و بقای دولـــت ارض وسماء
دُروگوهر بار یارب بر سر گوهر نســـــا

از جمله ۱۳ دختر تیمور (مهرماه(۲۲) دختر بزرگش که زنی بود عادل وبا انصاف در قلمرو و حکمفرمایی پدر مانند مردها سهمی گرفت.

تیمور در زیر سایهٔ دانشمندان وقت از جمله ملا فیض الله خان که از منشیان دربار واز استـــادان آنعهد به شمار می رود. دانش و ادب گرفت، این بینشمند با فضل وبا دانش درزبان دری وپشتو حیثیت معلم و مصاحب را برای تیمور داشت وی تیمور را در ادبیات وفن انشاء رهمانید، تیمور علاوه از اینکه به صحبت بهترین مردان با فضل و دانش و صاحبان قلم و شمشیر سالیان درازی را در هرات، لاهور قندهار و کابل گذرانیده بود، در اثر تشویق وترغیب دیگران وذوق فطری خودش به مجالست و هـــم صحبتی شاعران و فاضلان نهایت تمایل داشت و صاحب همت عالی و دارای افکار و نظریات و اعمال بزرگترین رجال با جاه و جـــلال درانی بود در اشعار خود نیزاشاره کرده:

پند بیهوده به عاشق ندهد سود هرگز
ای معلم سبق عشق بیاموز مرا(۲۳)

وی پادشاه آگاه و با فهم بـوده است در فکر و طلب دانش بود از جهل و تاریکی در گریز، بیت زیر دلیل برین مدعاست:

رمیدن کی شود تیمور شاه در دشت دل آخر
زبس ازمردم نا فهم در دل وحشتی دارم

تیمور شاه نزد شاعران حماسه سرا قدر و منزلتی داشته و هـم شأن و عظمت عسکری او را بـــه حیث یك پرچمدار بزرگ کشور افغانستان تا چه اندازه انجـــام داده و اعتبار سیاسی را بر خـــود

و ملت با شهامت خود کما هی کرده است.

عرصهٔ همت او هست بدا نگونه وسیع
که به حدش زدو یدن نر سد رخش خیال
گر نهد افسر آفاق به فـــرق فغفور
ور کشد خا تــم اقبا ل ز دســت خیـــال

تیمور شاه که خود شا عر بودواز شعرا و بینشمندان آن روز گار قدر می نمود، حلقه اد بی دردر بار بوجود آوردو دراین حلقه اد بی شا عران وررزیدهٔ آن روز گار چون میر هوتك افغان، عاجز ....و نیز عده یی دیگر شا مل بود نــــد روابط ادبی تیمور شـاه بـاشعرای در بار خیلی مستحکم بودو اکثــر شعرا بین خود تبادل افکار می نمودند ونامه های دوستا نه به یکدیگر دو بدل می کردند شا عران این عهد با آگاهی از شرایط نا به سا مان آن زمان رسا لت خودرا از دست نداد ند، وبا تمام ضیقــی وو ضع آ شفتــهٔ زمان از جوهر هنر وقدر دانش بی خبر نبود ند، واین پد یدهٔ باارزش را در پهلوی دیگر اشعار شان چنیــن بیان دا شته اند.

میر هوتك افغان فرما ید:

جوهر، ظهور رتبهٔ اصل است تیـغ را
یعنی عزیز، هر که بقدر هنر شود

عاجز افغان شاعر دربار تیمورشاه و شا مل در حلقه اد بی او چنیــن گفته است:

اعتبار مرد با شد در خور کسب هنر
میفزا یدجو شن جو هر قیمت شمشیـــررا
جز هنر نتوان زدن لاف قبــول اهل دل
نور چشم آئینه را اینجا بقدر جوهر است

آسمان‌مینا زد از پهلو ی ار باب کمال
موررا آن‌ پس که بادست سلیمان آشنا ست

مپر س عزت اهـــل هنر کـه‌در یتیم
همیشه‌زآب‌رخ خود غر یق گرداب اســـت

دراین دوره و در طول این سده شعرا یی را سراغ داریم که باهمه جارو جنجال های محیطی توا نستند به‌گوشه یی بنشینند وفکر کنند و انگشت انتقاد بر زمامداران نشسته براریکه قدرت بگذارند وگسستگی با زار علم‌و هنر را در لابلای‌سروده‌هایشان انعکاس دهند، داراشا عر عزلت گز ین فو شنج در بارهٔ رکه‌دهنرو علم دراین عهد چنین گفتـــه است.

هر که از اهل هنر شددرخراسان‌خون گر یست
میتوان‌درملك مابر حال افلاطون‌گر یســت

قحطانصا ف است در بازار ای جوهر فرو ش
برکسادی‌گوهر خوا هی در مکنون گر یســت

چرخ نا سنجیده با سنجیـــده‌طبعان دشمن است
چون قلم‌هرکس که‌ازاهل سخن‌شد خون‌گریست

شمع محفل گو ید این مضمـون‌باواز بلند
عمر هاکس‌برسر یکمصرع مـو زون گریست

دید چون بیقدری اهل سخـــن‌دارا کنون
خا مه هم‌برماوهم برنامه زین مضمون‌گریست(۲٤)

در اشعار دارا و جدو نشاط‌وغم‌توام بوده و گاهی چون صو فیـــان در انزوا سر بجیب تفکرفرو بـــرده‌وناله های جا نسو زی ســر داده است:

لب زافغان ما ندو ما راابتدا ی ناله است
درد دل‌بسیار وفرصت تنگ‌جای‌ناله است

همد می چون نی نمی یا بم هم‌آواز ی کنون
بند بندعضو من‌ور نه برای نا له است

از گران خوا بی فغانم نشنو نداهل زمین
گر نه‌گوش‌آسما نها پر صدای نا له است

دل کند شیون زهر جا نالهٔ آیدبگوش
بلبل‌مادرچمن زود آشنای نا له است

بزم عاشق را نبا شد مطرب‌دیگر به کار
های های‌گریه با شدوای وای نا له است

با همه ضعف دلم ما را حریف ناله کیست
خصم‌خو شباشد آگا زور آزمایی ناله است(۲۵)

بحث در بارهٔ اشعار تیمورو روابطاو با شعرای همز ما نش‌و خدمات فر هنگی که او انجام داده است دربخش دیگر که در بارهٔ او ضاع ادبی این عهد سخن گفته می شود آورده‌خواهد شد .

تیمور که خود را مستحق تاج‌وتخت می‌دا نست ، نمیخوا ست با سازش با فیودا لها قدرت‌ومر کزیت‌دولت را متزلزل سازد، چون خان ابدا لی در شهرقند هار بر امورد و لت مسلط بوده و به قوای قبیلو ی خود نزدیك بودند تیمور شاه در سال اول‌جلوس خود شهر قند هار را ترك کرده‌کابل‌راکه ازقیود قبیلوی آزاد بودپایتخت انتخاب نموده از خان های‌بزرگ اشخاص را در خدمت دو لت‌پذیرفت که بی چون وچرا ازشخص پاد شاه‌اطاعت میکردند.

روش مستقل و مطلق العنان‌تیمور فعا لیتهای مخالفانهٔ فیودا لها را تشد ید نمود، خان های ابدا لی‌قند هار در سال اول تیمور خوا ـ ستند تیمور را به‌قوت سلاح معدوم‌نموده‌و سلطنت رابه یك دست

نشما نده منتقل ساز ند آنهـــا عبدالخالق سدو زا یی راکه مالیات سند را گرفته وثروت زیادا ندوخته بود به پاد شا هی بردا شتنـــدو شهر قند هار راانتقال نمودند،خان‌های غلجا یی نیز باآنها همد ست شده (۲۶) هزار مسلح در ۱۷۷٤ به‌طرف کابل حر کت کردند ، تیمور خود در مقابل آنها درنیش گاو مقابل شد آنها را شکست داد و منهزم نمودو عبدا لخالق را کـــورسا خت و خانواده ابدا لی که مقیم کابل بودند اما با شور شیان دست‌داشتند محبوس نمودو اموال شان رامصادره نمود برای ازبین بردن قدرت فیودا لی وی به قند هاررفت هر مخالف را که یافت کشت بـــاوجود مخا لفت خا نها در پشاورو دیگر جایها تیمور توا نست قدرت دولت مر کزی رانگه داردو دو باره به کابل بر گشت ودوسال دیگرآرام ماندو هریك که سربلند می‌کرد، سرکوب می‌شد ،بمهارت خو یش را قدرت دو لت مر کزی حفظ نموددر ایران و هند هرج‌ومرج بود امادر بخا را امیر معصوم شاه در فکـــر توسعه طلبی بود درهمه زد وخوردهای شما لی تیمور مو فق شـــدو شاه مراد مصا لحه ودر یای‌آموراب‌ه‌حیث سرحد مشترك قرار داده.

تیمور بالا خره در ۱۷۹۳ د ر پشاور مریض شد و به‌کا بل آمدو ودر همین سال ۱۷۹۳ میلادی مطابق۱۲۰۷ هجری قمری ترك زند گـــی گفت، شا هزاده فروغ اصفها نی سال فوت تیمور شاه و بر تخــت نشینی زما نشاه رابه حساب حمل‌چنین زیبا آورد است:

دو نقش چه دلخواه و چه جا نگاه نشست

خورشیدبر آمد از افق ، ماه نشســـــت

از گردش مهرو ماه تیمورزتخت برخاسته نواب زما نشاه نشســـت

به کم کردن عدد جمل تیمور از عدد تخت‌و افزودن عدد نواب زمان برآن مطابق سال فوت تیمور شاه‌وجلو س زما نشاه ۱۲۰۷ برمی‌آید.

این اولین مـرگ سیا ســـی و سری‌بود که‌در زمان دو لت ابدا لی افغا نستان واقع شد سر فر یزتتلرادعا نموده‌است که تیمور شاه رازهر

داده بودند (۲۷)
اوایل زند گی تیمور بیشتر بـه جارو جنجـــال هـــای سیا سی سپری شد، گر چه احمد شاه تلا ش و کوشش زیاد نمود تا تمام قیامها و بی نظمی های که از طرف بعضـــی قبایل به راه اندا خته می شد، از میان بردارد واین ها همه زمینـــه خو بی برای تیمور شاه بود تا در زمان حیات او ارامش نسبی بـــرقرار و جارو جنجال های سیا سی کمتر گردد. وی ما نند پدر ش تمام مد عیان و مخا لفین تاج و تخت را از بین بردو آرا مش نسبی را د ر کشور ش بر قرار ساخت، اما تمام آشفته حا لی و نا به سا ما نی شرایط روز گا ران گذ شته همه به پایمردی تیمور شاه خا تمه پید ا کرفت، تیمور شاه با تلاش و کوشش پیگیر توانست پاره یی از اوقات خود را به حل وفصل امور کشور ورفع منازعات وجارو جنجال های گروه های مخالف وقف نماید. اثرات ایـــن حـــا لات نا مسا عد در همه شوون زند گی مردم به خصو ص مسایل فر هنگی ادبـــی و اقتصادی بی تاثـــیر نبوده است. برای درك بیشتر او ضاع ادبی این عهد لازم پندا شته شد تا شرایط سیا سی را که نقش بارز بـــر ادبیات و جریان اد بی و اد بیات یك کشور دارد نظر گذرا اندا خته شود مجال وفر صتی که در عصر تیمو ر شاه برای اهل ادب و توده ها ی مردم پیدا شد امکان آنرا میســـر گردانید تا به حرفه ها و مشا غـــل اساسی زند گی بپرداز ند. تیمور ـ شاه که مرد آگاه و طر فدار آرامی وبر قراری کشور ش بود، درا ثـــر کوشش وتلاش و جلب و جـــذب بینشمندان و شا عران فضای نسبتا آرام را بو جود آورد و نهـــال ادبیات این سر زمین را که در حال خشکیدن بود، پدر ش و جود شـــه آبدار ترو بارور تر نگاه دا شتند وعده یی را که درحالت گو شـــه نشینی بسر می بردند به عر صه ادب بر کشا ندند نابه سا مانـــی شرایط واو ضاع سیا سی گاه گاهی در اشعار شعرای این دوره انعکاس یافته است .تیمور شاه که خودشاعر صاحب دیوان به زبان دری است

هیچگاه وا قعیت ها راازنظر دور نداشته است دریك بیت‌زیباشرایط زمانش را چنین زیبا تصو یــــر نموده است:

از دیار ما به غر بت برده‌اند آرام را
هرکه‌می‌آید درین کشور نمی گیردقرار(۲۸)

میرزا رضای بر نا بادی صاحب‌تـذکـره (میرزا یان بر نا باد) در هنگام نو شتن تذکرهٔ خود متو جه‌نکته های دقیق و عمیق اجتما عی شده است تذکره وی یکی از کتب معتبر ودر بر گیر نده جوا نـــب مختلف زندگی مردم آنعهده بـــه‌خصو ص هرات و غور یان بـــوده است، این تذ کره نگارو شاعرعزلت‌گزین زمانی که‌در گو شه انـــزوا متو جه حال واحوال جامعتش‌است.در لابلای کتابش از جور و ظلـــم یکعده کسان چنین یادآور شده‌است((این ظلم وجفا در آن‌فرصت نـــه براین بیسر و پا تنها بود بلکه‌همه‌روزه قریب به صد نفر چون من‌به شکنجه و عذاب وبلا به چنك اراذل‌وجهلا مبتلابود.))

فرد:

همچو آتش خو ب میخورد ند و میداد ند زر
وآنکه از بیطا قتی بر خاك میمردند زار

هر شبی کردی بجای بلبلان‌فریاد بوم
کالفرار‌ای‌عاقلان زین وحشت آباد القرار(۲۹)

شعر بالا بیانگر زبان شا عرعهد وحقیقت زمان است.

محمد رضا بر نابادی از چهـره‌ظالم ، مفت‌خورآن عصر یعنی ابرا-هیم غور یانی که بر مو لف تذ کره‌محمد رضا ظلم وجور و چپاول را روا داشته است .همیشه زبان به شکا یت باز نموده در صفحه ۱٤۸ این کتاب آمده است:

((مستور نما ناد که از کثرت ظلم بیحساب ...و نایره اضطراب اکثر احباب گر فتار شکنجه ملاو عذ اب ودلهای الوالا لباب همه از آتش جور وستم کباب بود، فرد:

زظلم فزون از حد جان کسـن   روان بود از دیده ها خـون دل
هیچکس از اناث و ذکور و نزدیك ودور و مسلمان و هنود زارع، تاجر وکاسب و مسافر همه بی بهـرهودر بدر و خراب وچون سیما بد. آتش ستم گرم اضطراب بود ند. برای آگاهی بهتر از وضع اینزمان ابیات زیر را از صفحه ۱٤۹ ایـن کتاب میخوا نیم:

هیچکس در جهان کون و فسـاد   ستمی اینچنین نداشت به یـاد
که با هل هری در آن ایـام   مینمودند آن گـروه لیـام

فرد پا یین را نا امیدانه چنین گفته است:

بسکه نامرد می از مردم عا لـم دیدم
کردم از مرد مك دیده خود قطع نظـر

محمد رضا با جریت تمام دستگاه دولت را مورد ملامت قرار می دهد: ((مدت بیست سا لست که بـا سر قت وشمیرفرو شی اشتغال دارد ومکرر پاد شاه آن گمراه را بدرگاه باعزو جاه طلب فر موده با وجـود کثرت داد خواه باز خواستی ازآن روسیاه والتفا تی به گنا هش نفـر مودند. مصرع:

سیاست ار نبود کار هـای خلل یابد)) (ص ۱۵۵.

وبرای استناد گفتهٔ خود شعراز شاعر بلند پایهٔ این عصر میر زاعبدا لقادر بیدل را به حیث مد عا ومثل به تائید گفته اش آورده است:

زما نه کج منشا نرا ببر کشـدبیدل
کسی که را ست بود خار چشم افلا کست

ادا شا عر سدهٔ دوازدهم وشاعر بر خاسته از سر زمین بلخ اززمانه وبی قدری بازار هنر چنین یادنموده است.

درین بازار ادا با من خر یداری نشد پیدا
چو گوهر ازکف ما قدر دا نان رایگـان رفتم

می رنگین چو لعلت نیست درشیر ازهم پیدا
ندارداز رخت زیبا گلی گلزار کا بلهـم

به راهش گرد شو تادیده دیدنهاتما شا کن

ادارو از پی او عالمی دارد تغافلهم

در جای دیگر گو ید :

نیست یك گوشی که از مــن بشنود این دادرا

باکه‌گویم آه غم های دل نا شـــاد را

وبرای آگاهی بیشتر نمو نــهٔ نثر ایند وره را از تذکره‌محمدرضا بر نا بادی، می آوریم:

((دراین آوان که از اشتداد صرصر عاد جور و فساد مفسدان زمان وامتداد زمان خزان سیم بیمرو تان‌دوران برنگ حر می گلزار حیـــات ساکنان این بلدان واکثراعزه واعیان‌عا لیشان از بیسرو سا ما نی‌چون گیاه خشك خزان دیده‌زرد رو به‌خان‌ذلت افتاده بدو نان محتاج وســـر گر دانند ، زجور مردم اشرار زمره‌ابراز دراین‌دیار بدانسان شد نـد عاجز وزار که هر که ممکن او شد جلا شد از وطنش کسی که مانده چون‌من گشته‌است مضطر وخو زو این دقیه سلسله مـحنـت و جـفا ومعتکف زاویه تسلیم ورضا ابن محمد کاظم محمد رضا نیز از پـــر یشانی که اکثرا اسباب و اموال مرا بعد از آنکه چندین دفعه‌به‌تا را ج فنا رفته بود » (۲۹) صلح وفضای‌آرام آرزوی شعرای این دوره بوده است.

محمد رضا گو ید :

با دو عالم صلح کل پیش آ رو بنشسین بی گز ند

خصم اگر ناساز با شد عا جزی فرما نرواست.

(۳۰)

اوضاع اقتصادی - اجتماعی سدهٔ دوازدهم وتأثیر آن برادبیات

ادبیات یك جامعه را با تاثیر پذیری از شرایط سیاسی واقتصادی آن باید مورد مطالعه قرار داد. دراینجا لازم به نظر میرسد تانظری براوضاع اقتصادی و اجتماعی این عهد انداخته شود. اوضاع اقتصادی واجتماعی را که با کسب تاثیر ازشرایط سیاسی رشدو بالنده گی می‌یابد و یا به رکود وسکته گی مواجه می‌شود باید به طور همه جانبهٔ آن درنظر داشت.

آغازین سالهای این سده در کشور ما با جاروجنجال و جنگ های پیاپی همراه است واز لحاظ زنده گی، مردم روزگار مشقت بارو حالت بی سامان اجتماعی راسپری مینمودند البته قیام میرویس هوتکی وتشکیل دولت ملی توسط این بزرگمرد و مقابله و مجادلهٔ او دربرابر صفویان و کشمکش هاو جنگهای قبیلوی پی در پی، اقتصاد ووضع مالی واجتماعی این مملکت لطمه وارد نموده آنرا متاثر ساخته است. به ویژه در اثر آسیبی که به سر زمین ایران افغانستان ، هند وآسیای میانه ، آذربایجان، ارمنستان و گرجستان دراثر

هجوم و حملات نادر شاه در دهه های چهارم و پنجم قرن هژدهم میلادی برابر به سدهٔ دوازدهم اسلامی دیده بودند، اقتصاد این مملکت را در هم وبر هم ساخته بود، این مهاجمات سبب شد، که مبارزات رهایی بخش ملی در کشورهای تسخیر شده به راه انداخته شود، در کتاب ((دولت نادر شاه افشار)) در صفحه ۳.۳ در بارهٔ زمین و شرایط اقتصادی شروع سده دوازدهم مطالبی آمده است که برای آگاهی بیشتر عین مطلب رادر اینجا می‌آوریم :((... تعداد زمین های دولتی و سلطنتی را با پس گرفتن زمین‌های تیول وجاگیر از فیودالها افزایش دهند، نادر شاه تدابیری در جهت تضعیف موقعیت اقتصادی و نفوذ سیاسی ماموران عالی رتبهٔ اداری وسر کرده های نظامی و تقویت وابستگی آنها به مرکز به کاربست و موقعیت قشربالای روحانیت شیعی‌را سخت متزلزل ساخت.

گذشته از این جنگ های اشغالگرانه او که کشاورزان را خانه خراب میکرد، در آمد فیودالها را نیز به نوبهٔ خود کاهش میداد، بخش قابل توجهی از طبقهٔ حاکم که از سیاست نادر ناراضی بودند تدریجا به جناح مخالف و تبدیل شدند . » (۳۱)

در ایندوره توده های مردم بدون حقوق و مجبور به پرداخت مالیات بودند و به فرمان نادر به‌جاهای مختلف بدون خواست خود شان کوچانده می شدند.

اساس اقتصاد حکومت مانند همه جوامع فیودالی واحد های کوچک تولید کشاورزی همراه باخرده تولید پیشه وران بود،دستگاه عظیم بوروکراسی و قشون چندین‌ده‌هزار نفری که در نتیجهٔ توسعهٔ زمین های دولتی و جنگ های پی‌درپی گسترش یافته بود، با تمام سنگینی خود به روشانه های‌مردم وبه خصوص کشاورزان‌فشار وارد میکرد و به حساب آنها نگهداری میشد

سنگین ترین کاربرای‌کشاورزان تهیه آذوقه، علوفه ، لباس همشکل

ومهمات ونیرو ی جنگی بـــود ضمناء این نوع ما لیات ، بار ها که تاچند ین برابر افزایش میافت و گاه گاهی ما لیات سنگین و غیـــر منتظره یی نیز به نفع سپاه تعیین واخذ میگردید.

توده های مردم و به‌ویژه کشا ورزان امید وار بودند که بابیرون راندن بیگا نگان از کشور شـــان ستم ما لیا تی کاهش داده می شود، وزند گی شان بهبود می یا بد اما بر عکس در این و قت فشارما لیـــه دهی بیشتر گشت.

بدینگو نه اقتصاد کشاورز ی ازمالیات سنگین صد مه دیدو بـــر کشاور زان مفلس وتهیدست فشار بیر حما نه یی وارد شد ند فشار نادر افشار باعث فرار مردم ازپرداخت مالیات وبروز قحطی شده‌بود، دراین هـنگام شهر های بزرگ، ومراکز مهم تجا رتی چون هرات ، کابل ، قند هار نیز از این کشمکش‌هاو فشار مالیه دهی به جا نرسیده بودند کمی غـله ونبودن آب وغذای کافی در ایندوره به‌کلی محسو س است ، شا عرو تاریخ نگار این دوره محمود الحسینی المنشد ی درکتابش از خرا بی وضع هرات و قحطی غله چنین یاد نموده است:

چنان قحطی غله شددرهرات که نایاب شد نان چو آب حیات
زبی طعمه کی عالمی بی ثبات گـرسنه شکم گشته سیرازحیات
طبق را پـی طعمه چشـم امیـد شده چون ورقهای کاغذ سفید
فتاده شکمها تهـی از طعـام چو دیك فلك سرنگون صبح‌وشام
به نور شقایق بـر افـروختـه زسودای نانش جگر سوخته(۳۲)

کمی آب ونان وارزش خوراك به‌خصوص گندم در ایندوره به کلی محسوس است از شاعر اینـد وره‌یکی عبدالله بن حبیب‌الله ترشیزی متخلص به شهاب است که صاحب‌دیوان بـوده ودیـوانش زیر شماره (۴۹-۲۳) در آرشیف مـلی محفو ظ‌میباشد. دیوان وی توسط مـــور خ مشهور فیض محمد کاتب بـه خـط‌زیبا خطاطی شده است در این‌نسخه در باره زندگی شهاب وشرایطضیق‌اقتصادی انروز گار مطالب دلچسپی

آمده است به طور مثال در بیتی ضرورت اولیه آدمی را که بدست آوردن لقمه نانی است چنین بیان داشته است .

عقل گفتا فکر نان واجب تر است مشتکی گندم طلب کن شال چیست؟

شهاب در زمان تیمور شاه وپسرش شاه محمود می زیست و مدتی ستایش در بار تیمور و بعد پسرش شاه محمود را میگرده است این مطلب را در دیو ان او که درآرشیف ملی موجود است دلیل بر این گفته در اینجا می آوریم .

آنچه من درسه سال گفتم مدح شهزاده را علی الا جمال
هیچ شاعر نگفته ثلثی از آن بهر ممدوح خویش در سی سال

البته باهمه رفاه وآرامی نسبی که در بار شاه محمود داشته است مسایل اقتصادی را هرگز از نظر دور نداشته، فضا وروح آرام رابرای شاعر وشکم سیر را برای نویسنده ومحقق مبرم جلوه داده است حتی به ردیف «گندم» قصیدهٔ دونیم صفحه یی سروده است که باارتباط به این موضوع چند بیت این قصیده را به گزینش می گیریم :

خواهم که کنم ثنای گندم زانسان که بود سزای گندم
گندم چو ردیف شعر کردم تا اینکه کنم ثنای گندم
اما دانم که از وجود دهقا ن هستند زاقربا ی گندم
دهقا نخجسته بخت باشد همصحبت و آشنای گندم
دهقا ن چو شنید گفت ما نیز هستیم در اشتهای گندم
اما همه اهل شهر گو یند کانبار شه است جا ی گندم
آنراکه بود گر سنگی دا رد چاره چه به جز دوای گندم

از دو بیت آ خر به چنین نتیجه می رسیم که همهٔ مردم حتی شاعر که مورد نوازش فرمانروای آنزما نواقع بوده ودرگرسنگی بسر می برده است ما حاصل زحمات دهقانان درانبار صاحبان قدرت ونشسته برا ریکه زور گویی ذخیره می شده است شاعر این عصر باشناخت دقیق این واقعیت را صریحاً در سروده هایش جا داده وانگشت انتقاد بر فرمانروایان این سده گذاشته است در جای دیگر از این نسخه در باره

تیمور وپسرش شاه محمود چنین گفته است :

در زمان دولت فرمان روای شرق وغرب
خسرو جمشید حشمت داور دارا نشان
شهریار عهد وخاقان خوانین زمان
تاجدار عصر وسلطان سلاطین زمان
سایه یزدان شهنشاه جهان تیمور شاه
کافتاب از تاب تیغش بر فلك گردد نهان
قرة العین همایون بخت والاهمتش
کز علو قدر سایه با بفرق فرقدان
در بحر سلطنت شهزاده محمود آنکه هست
در کرم چون حاتم و در عدل چون نوشیروان

نابه سامانی وآشفته گی روز گار از یکسو، ودست تنگی شاعر از جانبی همیشه او را تهدید نموده است گاهی به بی عدالتی وبی توجهی دربار نسبت به خود به شعرش پناه برده است .

شهریارا حال من با قرض خواهان وعیال
حال آنچیز است کاطرافش همه پر کرکس است
گرچه بر من از عذاب دوزخ بدتر است
خانه من از بلای لاش خوارا نمجلس است
ای عجب گلهای امیدم چرا مرده اند
در گلستانیکه زان شاداب هر خارو خس است
خسروا در کار من گر باشد اهمالی بکار
کار همچون صدمراهمال مستوفی بس است (۳۳)

در سراسر سدهٔ دوازدهم افغانستان باجنگ داخلی وکشمکش همسایه گان به سر می برد آشفته حالی وکشمکش اوضاع سبب شد که مبارزه مردم وتوده ها علیه تشدید بهره کشی فیودالی دراشکال بسیار مختلفی نمودار شود .

مولف «نامه عالم آرای نادری» میگویند: «که در سال ۱۱۵۰ ه (۱۷۳۷) - ۱۷۳۸م) ایالت مرو «چون دل زندانیان» ویران وخالی ازسکنه شده بود نه خانه یی در آنجا باقی مانده بود و نه آدمی (۳۴)

در چنان حالت بد، وستم مالیاتی وتعدی حکومت نادر تخستین جنبش های رهایی بخش ملی وضداستبدادی درمیان افغانها ، اوزبکها، وترکمن ها بلوچها، گرجی ها، وارامنه بیشتر گسترده شده وضع مشقتبار این مردم که توسط فیودالهای محلی استثمار می شدند وهم به وسیلهٔ دولت نادر مورد بهره کشی وشکنجه وپیگرد مذهبی قرار میگرفتند از بد بد تر شد.

اولین جنبش استقلال طلبی برضد نادر افشار به وسیلهٔ فیودالهای افغان در هرات به رهبری ذوالفقار خان ابدالی در (۱۷۳۰ - ۱۷۳۱م) که برابر به ۱۱۴۳ ه ق) است صورت گرفت همه قیامهای مردم چهار اطراف او ومقابله نادر برای ارضای هوسهایش مردم را خسته ساخته بود، ومردم آرامی خاطر را برای فعالیت های اقتصادی وکشاورزی میخواستند. نادر با حملات سنگین به قندهار این شهر را خراب ساخت به جای آن شهری بنام نادرآباد بنا کرد به طرف کابل وغزنی حمله کرد. مردم کابل مقاومت کردند مردم فقیر وبیچاره که در آن جامانده بودند، به وسیله قشون نادر کشته شدند. وی در کابل نامه یی به محمد شاه گورگانی پادشاه هند فرستاد ودر کابل به فکر جمع آوری آذوقه شد. اما مبارزات همه مردم درمقابل نادر ادامه داشت. وی مالیات گزافی برسر مردم بلخ واندخوی حواله کرد.

تشدید بی حساب بهره کشی فیودالی در دهه پنجم قرن هژدهم برابر (سده دوازدهم هجری قمری) دولت نادر را به سوی پرتگاه پاشیده گی سخت اقتصادی روانه ساخت وباعث تیز شدن تضاد های طبقاتی وتضاد های درونی طبقه فیودال گردید.

یکسلسله قیامها توسط مردم سیستان، مرو، خبوشان، بلخ واندخوی وکابل برعلیه نادر شروع شدوی با کشتار بیشمار وبر پا کردن

کله منار ها در سر زمین های قیا م کننده ، حاکمیت خود را در کشور صد پارچه یی که دچار زوال عمیق اقتصادی نیز بود حفظ کرد .
دردهه پنجم همین سده سراسر قلمرو نادر شاه در شعله های شورش های جدایی طلبانه فیودالی ودر قیام‌های رهایی بخش توده های مردم میسوخت. این ستم مالیاتی واجتماعی دولت او را به زوال مواجه ساخت .
باآنهم در این هنگام شهر کابل ازنگاه مرکزیت طرف توجه نادرشاه واقع شده بود .نادر شاه افشار به‌زیبایی این شهر توجه می‌نمود.مدتی که پایتخت به‌دهلی انتقال یافته بودکابل توسط والیان فرستاده شده‌از دربار دهلی اداره میشد. اما نادر شاه وقتی میخواست به هند سفر کند رحیم‌داد خان کوتوال در سال(۱۱۵۱ هـ، ق) ارگ کابل وبالاحصار را بررویش نکشود. تابالاخره نادربعد از فتح کابل وارد هندشد ازهند غنایم زیاد به کابل آورد، امروزمردم‌افشار نانك چی، افشار تیبه وچندـ اول از بقایای‌عساکراوست که تاحال‌به همین نام یاد می شوید (۳۵)
در این هنگام صوبه دار کابل ناصر خان موظف جمع آوری مالیات این شهر بود. هم چنان برخوردسپاه نادر افشار به سرکرده گی طهماسب خان وکیل سلطنت نا درافشار وحسن خان بیات حاکم‌آنوقت کابل وتوکل خان وسایر اشخاص‌اجنبی بسیاری سعی کردند، تا وجوه بسیاری را به نام مالیات چندین‌ساله‌ولایات مملکت افغانستان با انواع شدت وجبر وظلم جمع آورند. نادر شاه در سال ۱۱۴۳ محمد تقی خا ن شیرازی را حاکم شیراز انتخاب‌نموده اما در اثر مخالفت شدیدمحمد تقی خان بانادر افشار او را به‌طورجزایی به جمع آوری مالیات و پیشکش ها موظف گردانید، تا باجبروستم از مردم مالیه بگیرد، در ظرف چند سال طهماسب خان وحسن خان بیات به جبر از مردم افغانستان پول ومالیه می‌گرفتند. ونادرشاه تقی خان شیرازی را امرکرد که مبلغ زیاد جمع کند تا به وقت‌ضرورت صرف شود. تقی خان مذکور از خوف جان به کمك نواب‌ناصر خان حاکم سابق کابل موظف

جمع آوری مالیات ومحصولات پشاور گردید، تقی خان شیرازی ونواب ناصر خان (٢٦) کرور روپیه که‌معادل‌پنجصد هزار تومان می‌شد جمع کردند نادر شاه تقی خان شیرازی را احوال‌دادتا به کلات نادری خزانه را برسانند. در ماه جوزا همین سال‌تقی‌خان‌و ناصر باخزانه وارد قندهار شدند، که خبر کشته شدن نادر درهمه جا شایع شده بود آنها میخواستند که خزانه را از همه وبه‌خصوص از درانی ها پنهان کنند اما احمدشاه که از موضوع قبلا آگاهی‌داشت، به ضبط خزانه پرداخت .

در کتاب سراج التواریخ این‌ذخیره را (گنج باد آورد) گفته اند اما وکیلی فلزایی این نظررا رد نموده‌در صفحه ٥٣ کتابش به نام تاریخ احمدشاه این گنج را پول مردم ومالیات مردم دانسته است واحمد شاه در همان تاریخ جلوس، این‌پول را برای عساکر وکار کنان دولت به مصرف رسانند .

بعد از رویکار آمدن احمدشاه‌درانی‌ونشستن براریکه قدرت، وی ناصر خان را دو باره والی کابل انتخاب‌نمود. اما هنگام درخواست مالیات این شهر که مبلغ پنج لك روپیه‌میشد، توسط ناصرخان این وجه پرداخته نشد واحمدشاه وی رادستگیر نمود وبه طرف جلال آباد تبعید نمود .

احمدشاه ابدالی که یك شخصیت‌نظامی وسیاسی بود متوجه نظم و اداره مملکت به‌کمك‌ومشورت روسای‌قبایل گردید. بعد از ایجاد حس اعتماد ومحبوبیت بین مردم به عمران‌وآبادی توجه زیاد نموده است. کابل قندهار وهرات از لحاظ محصو لات‌تولیدی آبادانی از شهرهای مهم آنوقت محسوب میشدند .

علاقمندی احمد شاه به شهر کابل‌تاآن جایگاه بوده است که در زما ن او وبه امرش دورا دور شهر کابل‌رادیوار احداث نمودند ودر سنه ١١٦٦ هجری امر احداث آن داده‌شدوسردار جانخان پوپلزایی سپه‌سالار، آنرا در ظرف چهار ماه احداث نمود. یك ضلع دیوار مذکور ازحد ماشین خانه اندرابی الی آخر گلستان‌سرای رادر بر می گرفت‌وضلع‌دیگر

از جدار سلامخانه وبالای زیـارت‌بابه کیدانی الـی دروازه لاهـوری می‌رسید قسمت دیگر آن بالای‌چنداول را عبور نموده در حدود ماشین خانه تمام می‌گردید .

دروازه قندهاری در دهـمزنگ‌دروازه سفید در حد سلامخانه‌دوازه سردار جانخان در حد بابه کیـدان‌دروازه گذرگاه لاهوری خـافیا:شاه سمنده ها کبری ها قرت‌ها شیرازی‌ها دروازه های این دیوار بود. ایـن دیوار بزرگ یازده مهره داشت وامروز یك حصه آن که دریك گوشه اندرابی داخل عمارت است وتا بـه‌حال مانده به عرض سه‌ونیم متـر میباشد ویك گوشه‌دیگر آن‌در مندوی دروازه فروشی تا هنوز برجاست.

ثـانی محمود احمد پـا د شاه آنـکه شد از امر حـق عالم‌شکار
غـم نبدد صورتی از عهدش گـر شود عـالم همـه آئینـه وار
خان خانان آن امیـر با گهـر آنکه گیرد جان زخصـم شهریار
امر کرد از لطف آن کیهان‌خدیو از شر جاء وجـلال و اقتـدا ر
تاکشد حصنی زبهر حفـظ خلـق دور کابل همچو گردون پـایدار
شد پی اجرای امرشه به جهد از ارادات آن امیـر نـا مـدار
شهر بندی کرد بنیاد آن امیـر کو بسر بر داشت چـرخ زرنگار
گرچه دور از عقل بودی کاین‌بنا سال چار و پنج گـردد استـوار
لیك زاقبال شه والا نصیـب دیگر از سعی امیـر بختیـار
ماه پنجم این اساس بـا شکو ه شد تمام از التفات چار یـار
سال تاریخش چو جستم از خر د شد معینم لطف خاص کرد گار
شد در فشان ازسر اعزاز وگفت همسری‌دارد به‌گردون این‌حصار (۳۷)

هدف ومراد از ساختن این‌حصاردر شهرکابل حفظمال وجان‌باشنده‌گان شهر کابل وتاجران این شهـربوده است .

احمد شاه نه تنها خودش طرفداررشد وتوسعه تجا رت بـود بلـکه حکمرانان محلی را وامیداشت تـابرای تقویه تجارت راها را همـوار گرداند چنانکه در سال ١١٦٩هجری‌مطابق (١٧٥٥ و ١٧٥٦م) به همـه حکمرانان وکلانتر ها وسر کرده‌گان‌روسای قبایل امر کرد در منطقه‌خود

درکنار راهها ،کار وانسراها آبـادکنند تامسافران وتاجران‌در آن‌گوشه راحتی بیابند وفرمان داد که دورادورکار وانسرا ها باغها احداث نمایند ودر آن درختهای سایه دار بنشانند.

در صفحات مختلف تاریخ احمدشاهی تالیف محمودالحسینی حقایقی زیادی را میتوان دریافت که برمنابع‌عایداتی احمد شاه روشنی می‌اندازد به اساس گفته مولف مذکور عوایداساسی عبارت بود از مالیات غنایم جنگی وهدایایکه از خان نشین های‌مربوط میرسید .

محمود الحسینی ارقام مشخص‌از غنایم وهدایا ذکر نمـوده است مثلا در سال (۱۷۵۵ـ ۱۷۵٤)مطابق(۱۱٦۸ هـجری) عباسقلی خـان حکمران نیشاپور تحفه گونـه سه‌هزار تومان به احمد شاه فرستادکه برای آوردن سپاهیان شاهی بـه‌نیشاپور رفتند وبر پنجاه قاطر پول را بار کرده آوردند .

سیاست انکشاف اقتصادی احمدشاه تصادفی طرح نشده بود شاه متمایل بود تا باآن تـاکتیک تجارممالك همسایه را به سوی خـود بخواند وراههای ترانزیت راکه ازافغانستان میگذشت وچنانکه‌معلوم است در آخرین سالهای جهانداری نادرشاه سقوط کرده بود دوباره احیا کند والبته‌محصول مالیه تجارتی‌به خزانه شاه پول هنگفتی می‌آورد اما علاوه برآن دلیل دیگری هم است‌که‌احمد شاه چرا از طبقـه تجار و تجارت طرفداری زیاد میکرد ودلیل‌آن چنین بوده است که تـاجـران اردوی احمدشاه را با کار وانها ی‌خود بـدرقه نموده و در جنگهای‌او مستقیماً سهم میگرفتند چنانکه د رسال ۱۷٤۷ـ ۱۷٤۸ میلادی) برابر بـه (۱۱٦۰) هـجری در نـخستین‌لشکر کشی احمد شاه بـه هنـد تاجران قشون اورا گله های‌اسپ‌ورمه های گوسفند همراهی کردند .

طی سالهای فرمانروایی احمد شاه‌کابل بزرگترین مرکز تجارتی‌گردید محمود الحسینی این شهر را بهشت‌روی زمین میداند. به گفته‌او درکابل بازار های فراوان بوده ودر دکانهای‌شهر اشیای گوناگون فروخته‌میشد نظر به‌شواهد موجود شهر هـای‌افغانستان نه تنها باکشور هـای

شرق (ایران) آسیای میانه هند وچین)بلکه با اروپا نیز تجارت داشتند واموال اروپایی از طریق هندوآسیای میانه به افغانستان میرسید.

تجار افغانی از بلخ، بخارا،خوقندسمرقند، یارقند، وخوارزم مال‌وارد می‌کردند ومقابلتاً تجار آسیای میانه‌تابلخ، بدخشان، وقطغن اموال‌تجارتی خود را میرسانیدند وبا تجارافغانی‌همیشه در تماس وطرف معامله‌بودند حتی تجار افغانی در مرکز بخاراکار وانسرا های شخصی داشتند که‌توسط شتر ویا وسایل دیگر از(ارین بورگ) وغیره دست‌بدست تا بلاد مرکزی افغانستان ونقط، های‌شرقی‌و جنوبی امپراطوری آن‌میرسید ونیز پیداوار افغانستان به‌خارج‌برده‌میشد چنانچه نیل وزعفران کشمیر ا زراه هرات وبلخ به خارج قلمروامروز افغانی صادر میگردید وازقلم های عمده صادرات‌افغانستان درعصرسدوزائی بود. توجه احمدشاه‌به‌امور زراعت واحوال زارعان ودهاقین‌بیش‌از حد بوده است‌چنانچه این موضوع از فرمانی که احمد شاه به تیمورشاه‌فرستاده است واضح میگردد، در قسمتی از این فرمان آمده است«امور دیوانی وابسته به سر پنجه اهتمام وسعی وکاردانی خدمتگزاران‌آگاه ومنوط به حسن شعوردولتخوان میرزا محمد کاظم منشی به منصب‌وزارت سرافراز وبین‌لاکفا مفتخر و ممتازبه کفایت‌وکاردانی ونظم‌ونسق‌وآباد ی خالصجات سلطانی دلالت‌و استمالت جمع آوری وترفیه حال‌زارعان دهاقین خالصه سعی موفور واهتمام غیر محصور جلوه گرپیشگاه‌ظهور ساخته سرمونی زیادتی وجود باحدی نشود، وفیوض صحبتهای‌بذر وعواملهای وسررشته از واجی نفری زارعین هر محل که نزد وزیرسابق و متصدی خالصجات است مفصل باز یافت ودر حالیکه امکان‌زیادتی زراعت داشته باشد باید به حلیه آبادی در آورده نوعی نمایدکه‌تو فیرکلی در حاصل خالصجا ت بهمرساند . » (۳۸)

میرزا هادی منشی باشی در بارتیمورشاه در جنگ قلمی که‌فوفلزایی به نام گلدسته عشرت نامیده است‌اشعاری در باره مادة التاریخ بنا های آنوقت ضبط این جنگ نموده است‌که ارزش تاریخی زیاد را حایزاست

مثلا در تاریخ عمارت جدید کابل که‌به‌حسب فرمایش تیمور به سال ۱۹۱۳ هجری) احداث شد چنین‌آورده است :

شد بفرمان حدیو عادل شاه والا گهر در یادل
شاه تیمور که افگنده زجود همت حاتم طائی ز نمود
بر سر پا چو اساس گردون گاخی از حوصله عقل برون
انبساط و فرح صحن بنا هست چون نشامی هوش‌ربا
دور نبود کنگره خاك زبون زین بنا فخر کند بر گردون
از صفا یش نبود دور از کار گر نماید ز خوا طر اسرار
آن اساسی که کند چرخ نهم شان خود در پی آن رفعت گم
زار تفاعی که نماید زیبا دور نبود که برد چرخ ازجا
این نشمین که چو بر خاست زجا بهر تعظیم فلك گشت دو تا
سزد این خانه پر نقش ونگار که سکندر نبودش اینه دار
گر در آید به بنا چرخ نهم بی شك و شبه شود انجام گم
کی شود عیب کسی پوشیده بر بنایش چو کشاید دیده
هر ستون تو نگهبان سپهر شمع هر خانه تو شعله مهر
میتواند که زند بر مینو این بنای تو زخوبی پهلو
گفتگو یی پی تاریخ بنا کردم اول بخرد شد جو یا
بی تکلف بجوابم زصفا درو فرور یخت به صد عزوبها
که بگو و نهراسی در دل شان گردون شکند این منزل
دارم امید که این تازه بنا چهره پرداز رخ ارض و سماء
با نشاط و طرب روز افزون بر خداوند کند حق میمون

شهر کابل از نگاه مرکزیت خودمورد توجه احمد شاه وبه خصوص تیمور شاه بوده است حتی تیمورشاه‌درزمان حکمروایی خود پایتخت را از قندهار به کابل منتقل ساخت . البته اقامت تیمور شاه به شهر کابل از چهار نقطه نظر مهم پنداشته‌شده است .

۱ـ حاکمیت بر کشور های پهناورمواریث احمد شاهی .

۲ـ توجه به حال رعایای نقاطبعید از قندهار که اکثراً از لحاظ

دوری راه واقامت سرما نمی‌توانستند خود را به مقر سلطنت‌درانی در قندهار به جهت تقدیم عرایض‌وحل وفصل دعاوی وحسابدهی‌خود برسانند.

۳- تاقبایل مختلف یك یك دسته‌از سر شناسان آنها در یك حوزهٔ مرکزی ساکن نگردند وتجمع ننمایندکار دولت به هیچ وجه از پیش نمی‌رود وهم ازروحیات‌ملی بایکدیگرسازش وموافقت پیدا میکند وهم‌این خطه خوش آب وهوا از هر لحاظ‌آباد میگردد .

٤- سهولت امور سفر بری .

شاعر عهد تیمورشاه در توصیف‌کابل گفته است :

مطلع الهند خراسان (۳۹) مقطع مظر ف البر غریق النعما

مورخان وشا عران وسیا ستمد اران، شهر تاریخی کابل را ازباعث توصل چهار راه وکوههای سر بفلك‌وپر برف آن از بزرگترین مرکز عسکری وحصار طبیعی در هر عصرداسته ودروازه هندوستان ومقطع ولایات خراسان خوانده اند (٤٠)

تیمور شاه این شهر را دوست‌میداشت ودر بارهٔطبیعت زیبای‌این شهر شعر هایی گفته دوستی تیموربه‌این شهرزیبا تاآن‌جایگاه بوده‌است که بعد از مرگ قرار وصیت خودش‌در شهر کابل دفن شده است اکثر شعرای این سده در باره کابل‌اشعار زیبا سروده اند که ما برای کو تاهی‌مطلب یك‌بیت ازشاعرهمین‌سده را که به شهر کابل عشق و علاقه وافر داشته است به گزینش‌می‌گیریم :

چز نسیم خطه کابل‌نیاید هیچ‌وقت در مشام‌من‌شمیم راحتی ازهیچ‌باب (٤١).

احمد شاه درانی به آبادانی وعمران شهر کابل توجه زیادداشته است، محترم فوفلزایی در صفحه(٤٥٠) کتابش به نام تاریخ احمد شاه در بارهٔ چنداول واساس‌گذاری‌این ناحیه توسط احمدشاه وحتی وضع رتبه چنداول باشی که توسط‌احمدشاه ود رعصرش برای اشخاص داده می‌شد، مطالبی نوشته استچنانچه وی این رتبه را به شخصی

به‌نام ولی محمدخان جوانشیر، وبعدازآن به پسرش امیر خان سپرده بود .
ودر شکر نعمت واحسان این دولت ابدبنیان‌داستان‌داستان خوانند(۴۲)
تیمور شاه در بالاحصار کابل‌خیاط خانه شاهنشاهی تأسیس‌نمود وخیاط‌های شاه بابا تا هنوز درخاندانها بزرگ ضرب المثل است. (۴۳)
وبه امر تیمور شاه برای ابره‌دوزی وزر دوزی ودوختن کفش و پیزار زری ودوختن دستار به گردگلاه که مهارت خاصی میخواست و ساختن جیقه صنعتگران ماهر ازکشمیر واصفهان و تبریز استخدام شدند حسن قلی بیگ خیاط باشی‌خیاط خانه شاهنشاهی بالاحصار کابل بود ودر سال ۱۷۹۲ فوت‌شدتیمور شاه به شاهزاده گان، خوانین صاحبمنصبان وعمله در بار البسه‌رسمی مطابق معمول آنوقت خلعت میداد، وهر یك را به پوشیدن‌لباس‌رسمی مکلف میساخت .
البته تیمورشاه واحمد شاه درانی‌ضمن سفر ها به سرزمینهای‌مختلف غنایم گرانبها چون الماس کوه نورتخت طاووس وغیره را بدست آورده بودند، چنانچه از فتح کشمیر دو فایده به سر زمین کابل وقندهار رسیده است :
۱ـ تحفه های قیمتی مبلغ یکهزار اروپیه مسکوکات طلایی ونقره یی که به نام احمدشاه در دران ضرب‌دارالخلافه کشمیر از سال۱۰۶ مروج گشته بود با تحفه های دیگراز قبیل ظروف شال،قلمدان، نیل زعفران وسایر اشیابیش بهای‌نفیس‌ونایاب وپول زیاد برای احمدشاه‌به قسم تحفه گسیل می‌داشتند .
۲ـاستحضار واستخدام یك‌تعدادعلما شعرا نویسندگان اطبا وصنعت گران از قبیل مهرکن سکه‌کن ضراب‌عطار، نقاش، خیاط ابره دوز، چکن دوز، چرمه دوز شال باف، زرگر کفش دوز، پیزار دوز، حلوا پز،قناد طباخ ،خواننده، نوازنده وسایر اهل‌کسبه بودند که ازاولین فتح‌کشمیر به قندهار وکابل ساکن شدندکشمیر با خوش آب وهوا بودن

محل تفریح ونزهتگاه سلاطین درانی بوده است .ارباب صنعت غالباً در آنجا اقامت داشتند ودر پختن اقسام حلویات وطعامها وابره دوزی چرمه دوزی وچرمه کاری وسیم دوزی بیشتر از سایر مردمان اشتغال داشتند و طباخ ها وکلچه پزها وازهمین مردم استخدام میشدند .

سردار عبدالله خان فوفلزایی ازبزرگترین خدماتی که به امور ملی واجتماعی افغانستان نموده مساله استحضار واستخدام ارباب صنعت وحرفت ملک کشمیر است چنانچه سلاله های آنها تا هنوز در فن طبابت قدیم وعطاری وشیرینی پزی درقندهاروکابل به مشاغل گذشتگان شان دوام میدهند ونیز در شغل تجارت وبازرگانی مهارت شان بیشتر وتجارت اشیا پیداوار کشمیر وهندوستان را به کابل وقندهار مینمودند مردم کشمیر برای پخت وپز اقسام کباب، قیماق چای وچایداری در بار استخدام میشدند ونظر به سوابق خدمت شان در پیشه های مذکور مورد قبول شاهان وشاهزادگان وسرداران افغان بودند ودر فن شناخت درو جواهر نیز معروف بودند .

از فتح و تصرف ملک کشمیر مفاد زیاد به افغانستان رسید، که اگر ازاد خان فوفلزایی وعبدالله الکوزائی ومحمد عظیم خان بارکزائی مصدر خرابکاری ها نمی‌شدند افغانستان از ملک کشمیر منافع بسیار بدست می‌آورد وهمین ملحوظ است که کاپیتان ملکم نوشته‌است:

نیل، شال کشمیری، چیت ضخیم دوا وغیره از پیداوار وتجارت کشمیر درعهد شاهنشاهی درانی بوده‌است که در حدود چهار ملیون عواید تجارتی به افغانستان نفع می‌رسیده‌است. ودر برابر آن واردات افغانستان را از سایر بلاد پارچه های ساتن، مخمل، ابریشم، گلابتون الماس، یاقوت، زمرد، مروارید پارچه‌های زرین اصفهانی، پارچه ضخیم بارنگ های مختلف، زعفران تشکیل می‌داد که قیمت مجموعی آن بالغ برسی ملیون روپیه می‌گردید. که دربدل پول نقد به افغانستان صادر می نمودند. (٤٤)

تیمور شاه در زمان زمامداری خودبه‌ساختن چند عدد توپ موفق‌گردید

زمانی هم احمد شاه مردم را ازبارمالیه دهی سبکدوش ساخته است چنانچه در سال (۱۱۶۸) احمد شاه‌به‌اساس یك فرمان که در آنوقت صادر نمود، و هدفش‌عفو مالیات دو ساله وتعمیر قلعه ها پلها، باغها، کاروانسرا ها، درجوارمعابر وشوارع به جهت مسافرین ومتردد دین بود ومتن فرمان چنین‌بوده است :«صادرات مملکتی و استصوابی وتحمیلات بیکار وشکارومتوجهات وحوالات جمیعاً وتماماً‌الی دوسال کامل (۱۱۳۵ـ۱۱۳۶ ش) به‌ساکنان ممالك محروسه یعنی افغانستان کبیر معاف و مرفوع القلم ودر خصوص این عطیه فرمانها تحریر وزود به امضا دفاتر دولتی درانی‌رسید :

«متعهدان اشغال واعمال وجمیع‌حکام وعمال غیر از مال وجهات مستمره به علت علل معفوه باذیال‌حال رعایای مستظل عدالت والا مزاحم نشوید واصلا به مطالبه‌وجوه‌مسطوره به حال هیچ فردی‌ازافراد رعایا تعرض نکنند واین مضمون‌فیض مشحون را در جمیع امضا و قری علی روس الاشهاد ودر نادر وصغیر وکبیر وصیحیح وسقیم و علیل وسلیم وقوی وضعیت ووضیع‌وشریف بشنوانندتابعد ورودمسعود رقم فیض تولم اگر حاکمی یا محصلی‌ازروی خود کامی وتحریك ناتمامی ورای مالَ وجهات مستمری خبه الزرعا یامطالبه کند اصلاندهد، وعجالتاً آمده ماجرا معروض گرداند تاموا‌خذ ظالم به سزای شناعت‌فرمانی برسد وماثر عدالت ونصف بالاسنیفا ظاهرو باهر گردد دراین‌سال همایون فال حکم قضا عزنفاذ وشرف‌ایراد یافت وحکام عمال‌و کلانتران وکد خدایان وریش سفیدان ولایا تعرض راه در محالات متعلقه ومضافه خود از بهرآرامش وآسایش‌مسافرین‌ومترددین غربت آثار و رفاهیت و سهولت قوافل و تجار کاروانسراهابنا سازند.و در اطراف وحواشی‌آن باغات عظیم طرح اندازند ودر هرباغ‌صدوسی ویکهزار وپانصد وهشتاد نهال مثمر سایه دار به ترتیب پسندیده وآئین گزیده غرس نمایند که سفر گزیدگان تعب دیده در تابش‌آفتاب تابان وریزش ابرو باران در ظلال آن اشجار برسانید واز فواکه‌وانما کام جان را لذت دگردانند

یکی از آنها به نام توپ «خصم‌افگن» یاد میشود که در سال (۱۱۷۰) هجری قمری) توسط حسن خان ساخته شده‌استاً در سال (۱۱۸۵) به فرمایش تیمور شاه یکنوع توپ خاص در هرات ساخته شد عشرت شاعر آنعهده قطعه زیر را در تاریخ احداث این توپ چنین به نظم آورده است :

تیمور شهی که شاهی از وی ٭ شد سکه به زر چو نقش شاهی
از لنگر او عجب نباشد خم گردد اگر که پشت ماهی
فرمود که توپ چند ریزد استاد زبهر کینه خواهی
توپی شده کند به خصم عاید از آتش ودود رو سیاهی
تاریخ سوار گشتن آن عشرت ز خرد بجو کماهی
گفتا که زعیب شد اشارت سوزنده خصم پادشاهی (۴۵)

البته این توپ شبینه، توپ عندلیب، توپ زمزمه، وتوپ ۱۱۸۵ چهار یاری ،وتوپ زلزله بوده است، که در عصر احمد شاه ساخته شده بود این عدد توپ طرف توصیف یکنفر شاعر این عهد به‌نام میرزا عبدالهادی موسوی منشی باشی حضور تیمورشاه واقع شده است وسال اکمال آنرا به حساب جمل از نام(خصم‌افگن) استخراج نموده است .

نواب همایون شاه تیمورآنکه‌از بیمش
نگیرد سره به ملک وکشور اوگردن اعدا
زبس دست ستم از عدل او کوته‌بود شاید
کشد گر غمزه دلبر به عهدش‌دست از یغما
خروشد گر سپاه او بوقت جنگ‌در میدان
فتد کوه گران را از نهیبش‌لرزه بر اعضا
شد امر از بهر توپی چند تاریزنداستادان
بخوبی از برای دفع بداند یش بی پروا
حسن خان کرد بروجه حسن‌اقبال‌این معنی
که ریز توپ ها چون آب روی‌زمرهٔ اعدا

زاقبال شه ودستور اعظم تـو پخصم افگن
به‌اندك روزگاری‌برسر عراده‌شدبرپا
سر دشمن‌پی تاریخ او چون کو فتم گفتم
اساس همتی د شمـن به آوازافگند ازپا «٤٦)

علاوه از توپ سازی فن کشتـی‌سازی در ایندوره رواج داشته‌است وبرای بستن‌پل برای‌عبور عساکرازوسایل لازم آن دوره به شمارمیرفت میزا الله ویردی خان هروی‌متخلص‌به‌حیرت در اوان پـادشاهی تیمور شاه به هند وستان پارچـه شعر ی‌انشاد نموده واز دوصد عدد کشتی که به امر تیمور شاه با پول‌هنگفتی‌تکمیل گردیده بود یاد آور شده‌است ازآن میان چهارده بیت را که درباره‌ماده التاریخ اکمال شماری از آنهـا ست در اینجا می‌آوریم .

بوقت شاهـی خـاقان جمجـاه که احمد شه ندارد هیچ‌همسر
فروغ بخت او چون مـاه خورشید زبس بگرفته است آفـا ق در بر
بدستوریکه فـرمـود ست تیمور که از شهز اده والا سـت گوهر
مطاع خلق شد از راه دانـــش مطیع از صـد ق بـر الله‌اکبر
نه تنها زیر حکم اوســت پنجاب رقمفرماست هنـد و سندوکشمیر
وجوه پر گنـا ت دهـــر آورد بدست کاردان نیـك اختـــر
تو در اکناف هنـدو سند بنمـا چو کشتی هر هلال بحر اخضر
به فخر نام درانـــی به هر جا دوصد کشتی مستحکم بیـا ورد
به بیاه وبه راوی و بـه جیلـم به بحر سنـد و در اسفار لشکر
بکار آید به حمل مـال و اثقال بخوبی بگذرد عـا برز معـبر
چو در انجام کار شصـت کشتی چه زیبا آمـده تاریـخ بنگـر
همان تاریخ هست از طبع حیرت بدو مصراع ذیل از هـر چه‌بهتر
بساط بحر وبر آرای حکمت هزارو یکصـدو هفتاد بشمـــر

شهر قندهار نیز در وقت احمـدشاه بابا از لحاظ موقعیت خود شهر عاید اتی بوده است، شهر قندهاردر عصر احمد شاه از جدید تریـن شهر های شرق وبادر نظر گـرفتن‌حـوایج آن عصر شکـل عصری و قشنگ وموزونی را دارا بوده مقبره‌احمد شاه در همین شهر واقع بوده

وگنبد مطلای آن که با میناره ها ی‌زیبا وباشکوه‌ی احاطه شده، از نقاط بعید نظر مسافرین وسیاحان‌رابه‌خود جلب‌مینماید. همچنان‌اصلاحاتیکه در توسعه بازار ها وتسطیح‌جاده های این شهر به عمل آمده بود شهر را صاحب رونق ساخته بوددر سمت غربی شهر بدو طرف جاده یی‌که به سمت هرات میرود شهرجدید احداث شده است .

شاعر ومنشی این عصر میرزاهادی متخلص به عشرت مادة‌التاریخ تعمیر باشکوه مقبره احمد شاه ر اکه به سال (۱۱۹۰ هق) در شهر قند هاربنانهاده شده به شعرچنین‌آورده است :

بجستم بگفتا که ای هوشیار بگو فیض آباد عالی مقام (۴۷)
یا: به یك مصرع جوابم کرد شاد مزار شاه فر دوس برین گو
۱۱۹۰ ه

شهر قندهار از نگاه زراعت وپیداوار غنی بود. تاهنگامی که‌تیمور شاه پایتخت را ازقندهار به کابل‌منتقل ساخته‌بوداین شهرازمرکزیت خوبی بر خور دار بود و مرکزبزرگ تجارتی أفغانستان شمرده میشد که باهندوستان ازراه‌چین تجارت بزرگ داشته‌است .

هرات نیز که یکي از شهر ها ی‌پرسرو صدا در این سده به شمار می‌رود سر زمینست حاصلیخیز که‌مورد کشمکش ها وتصرف دوقدرت متعصب مذهبی شیبانی ها وصفوی‌ها قرار میگرفت دوجه خصومت شیبانی ها با صفویهای ایران تا آن‌جابود که بعد از کشته شدن محمد خان شیبانی شاه اسمعیل صفو ی‌در کاسه سر او شراب می‌نوشید .

هرات از نگاه ساختمان به‌استناد تذکره محمد رضا برنابادی قابل توجه بوده است. نهرهای آب‌حمامها گورستان برنا باد که در حقیقت موزیم سنگهای منقش وحك شده‌به‌خط کوفی ثلث نسخ ونستعلیق میباشد ودر این کتاب معرفی شده‌است نمایانگر بزرگی ومرکزیت داشتن این شهر در آن هنگام بوده‌است. در بارۀ آبادانی ووضع‌عمرانی این شهر پاراگرافی را از تذکره‌محمدرضای برنا بادی تذکره نگا ر مشهور این سده به گرینش‌می‌گذریم:از آنجمله هفت بنا ازابنیه خیر درین

تذکره مذکور ومسطور میشود یکی حوضی است در برناباد مشهور به حوض خواجه طاهر که در مطایبت ووضع مرغوب وعذو بت والطافت آب بسیار به موقع ومثل او کم اتفا قافتاده ودیگر حمام وسیع طاهریست که آب جاری در آن چون روح دربدن ساری وهواش از کثرت لطافت ووفور نظافت بی مانند است» ۱

هرات سر زمین حاصلخیز ومنبع عایداتی در آنوقت بوده است به طور نمونه حاصلات برنج این شهرمورد تایید تیمور شاه درانی واقع شده است گرچه در این هنگام چای وبرنج از چین وپشاور وارد می شده است اما در تذکره محمد رضا برنابادی آمده است: در هرات خوبی برنج ایشان مشهور وبه خدمت بندگان تیمور شاه مذکور شده خواهش فرموده بودند سال دویست من برنج ایشان مشهور وبه خدمت بنده گان شاه والاجاه تیمور شاه به کابل پیشکش میفرستادند وباوجود خوبی برنج چینایی ،پشاوری تیمورشاه این برنج را تعریف نموده پسند ید. (٤٨)

وضع آشفته ونابه سامان همراه با فشار مالیه دهی در این سده به کلی محسوس بوده است. تذکره نگار مشهور این عهد محمدرضابرنا بادی درباره ظلم صاحبان قدرت ومالیه ستانی آنها چنین گفته است: نسبت به دیگر ساکنان برناباد به خانواده ا وظلم بیشتر شده است یعنی هر فرد از خانواده او مجبور به پرداخت مبلغ دوهزار تومان مالیه به دولت آنوقت بوده است از همه کسان مالیه می گرفتند حتی از کوچیها .

برای آگاهی ودرك وضع اقتصادی ورابطه ملاك وزارع در این سده پراگرافی را از این تذکره نقل می کنیم :«همه از آتش جور وستم ظالمین کباب شده بوده ظلم از حدفزون گشته واز دیده ها خون میچکید از مردمان ذکور واناث دوروننزدیك مسلمان وهند ویهود ارمنی زارع تاجر وکاتب همه در بدر وچون سیماب در آتش گرم اضطراب میسوختند حتی مسافرینی که در شهروارد میشدند ازین بلا خلاصی نداشتنند محمد رضا برنابادی مولف تذکره برنابادی از دگرگونی ونا به

سامانی شرایط متضرر شده بود خوداعتراف نموده است که جبر وستم مالیه دهی تاان جایگاه بوده است که‌وی گاهگاهی به نوشتن تذکره پناه می‌برده است وگاهی هم ترك وطـــن‌می گفت وبه ســرزمینــهای مشهد و تربت فرار می نمود، ومدتی را بـه‌سمت معلمی وخطاطی‌ومنشی‌به دربار شهزاده ملك حسین ومحمد ولـــی‌میرزا گذشتانده‌است. پدر محمدرضا محمد کاظم برنابادی‌تمام اسناددولتی‌تاصلاحیت جمع آوری مالیه اسناد استفاده از زمین وغیره را در دست‌داشت بعداً وزیر خالصه یاوزیرمالیه مقرر گشته بود واز جمله مامو رین‌عالیرتبه ولایت هرات درآن هنگـام به‌شمار می‌رفت. وی از بابت جمـع‌آوری مالیات صاحب جایگاه ومقامی شده بود قبل از اینکه محمد کاظـم‌وزیر خـالصه جـات مقرر گـــردد شخصی دیگـر این وظیـفه را پیش‌می‌برد نام این شخص در کتاب‌تیمور شاه‌درانی‌میرزاضیاء الدین‌ضبط گردیده است (۴۹) باتمام‌این‌نابه‌سامانی آموزش علم زراعت محاسبه،احصائیه‌در سیستم تعلیم وتربیه آنوقت جا داشته است .

حرفه‌ها ومشاغل دیگر در ایندوره نظر شاعران ونوسندگان را بـه خود معطوف داشته است وشاعران‌عهدمیرزا ابوطالب‌مایل بارسالت‌مندی در بارهٔ اوضاع اجتماعی ایندوره‌بی‌تفاوت نمانده واشخاص صاحب‌کمال وصاحب حرفه‌را به نظرقدر نگریسته‌است. وی در بارهٔ یکی از داکتران حاذق وماهر ایندوره گفته است .

ایا مسیح کمال که‌درحذاقت طبع کمینه نسخه‌نویس‌تو چون‌فلاطونست
شود صحیح‌علیلی که‌بنگری‌سویش ترا شفا به‌اشارات خامه‌قانونست
هزارشکر که احوالی این‌صعیف‌حزین‌زدستگیری لطف بخیر مقرونست(۲)

محمد رضا تذکره نگـار دقیق وژرفنگر این عهد باوجـود اینکـه از خانواده های نسبتا مرفه آنروز گاربوده است از پریشانی حال واحوال خویش چنین گفته است :

نمودم پنـجه وشش سال عـمـرخویش را ضایع
با فـعال عبث از کثرت اغـفا لونادانی

به تحصلیی سرو سامان کشیدم‌رنج بی پایان

کنون بااینهمه‌سعیم باین بیسرو سا مانـی

وزارت مـالیــه وخـالصجات دراینــدوره از جهتی مورد توجه دولـت آنوقت بوده است که باید این‌وزارت‌مصارف جنگها ولشکر کشی ها را تاحدی می‌پرداخـت. مالیه ستانـی‌شکل اجباری را داشت واگر شخصی از تادیه مالیه نقد ابا می‌ورزید بایدجنس ویا مواد خوراکه می‌پرداخت.

***

**

فهرست مآخذ

۱ـ بینوا، عبدالروف، هوتکی ها، کابل: ۱۳۳۵ .

۲ـ تتلر، فرایزر، انکشافات سیاسی در افغانستان (ترجمه عبدالوهاب فنایی). کابل: ۱۹۴۱ .

۳ـ جاوید، عبدالاحمد، سخنسرایان افغانستان . کابل ۱۳۳۲ـ ۱۳۳۵ .

٤ـ جنگ قلمی (بنام نهاده محترم فوفلزایی به نام گلدسته عشرت) زیر شماره ۲۳٫٤۹ محفوظ در آرشیف ملی افغانستان .

۵ـ حبیب، اسدالله . نگاهی به ادبیات معاصر افغانستان، سالنامه کابل شماره های (٤۵ـ٤٦). ۱۳۵۹ .

٦ـ حبیبی، عبدالحی، تاریخ مختصر افغانستان :ج ۲، کابل: ۱۳٤۹ .

۷ـ حسینی، منشی محمود، تاریخ احمدشاهی. ج(۱ـ۲)، مسکو : ۱۹۷٤ .

۸ـ خسته، خال محمد، یادی از رفتگان. کابل: ۱۳٤٤ .

۹ـ خلیلی، جلیل الله آثار هرات جلد (۱ـ۳) ، ۱۳۰۹ .

۱۰ـ رشتیا، سید قاسم، مختصر تاریخ افغانستان. کابل: ۱۳۳۳ .

۱۱ـ رضا برنابادی، تذکر، محمدرضا مسکو: ۱۹۸٤ .

۱۲ـ ژوبل، محمد حیدر نگاهی به ادبیات معاصر در افغانستان کابل: ۱۳۳۷ .

۱۳ـ سلطان محمد خان، تاریخ سلطانی. بمبئی: ۱۲۹۸ .

۱٤ـ سیستانی، محمد اعظم، برخی از جنبش های دهقانی در افغانستان آریانا: ش ۲، ۱۳٦۵ .

۱۵ـ شهاب، عبدالله، دیوان قلمی شهاب ترشیزی. به خط فیض محمد کاتب، زیر شماره ۲۳٫٤۹ محفوظ در آرشیف ملی .

۱٦ـ عبدالکریم بخارایی، تاریخ آسیای میانه (ترجمه موسیوشیفر)

امستر دام: ۱۹۷۰ .
۱۷ـ عطامحمد شکار پوری، تاز ه‌نــوای معارك . تصحیــح وتحشیه‌و تعلیق، عبدالحی حبیبی . کــراچی :۱۹۵۹ .
۱۸ـ علی قلی میرزا، اعتضاد السلطنه، ،وقایع وسوانح افغانستان
۱۹ـ غبار، غلام محمد، خراسان.کابل :۱۳۲۶ .
۲۰ـ غبار، غلام محمد، احمدشاه‌بابا. کابل : ۱۳۲۳ .
۲۱ـ غبار، غلام محمد، افغانستان‌در مسیر تاریخ. کابل : ۱۳٤٦ .
۲۲ـ گندا سنگه ،درانی احمدشاه(ترجمه نصرالله سوبمن)، کابــل : ۱۳٦٥ .
۲۳ـ لطیفی، عبدالباقی ،افغــا نستان ویك نگاه اجمالی به اوضاع وشئون مختلفه وحالات عمـــومیت‌مملکت مذکور. کابل : ۱۳۲٥ .
۲٤ـ مایل هروی، رضا،میرزایان‌برناباد . ۱۳٤۸ .
ـ ۲٥ـ مایل‌هروی، رضا،منتخب‌اشعار ارشد . ۱۳٤۸ .
۲٦ـ مایل هروی، رضا، دیـوان‌دارا. هرات: ۱۳٥۰ .
۲۷ـم. ز، ارونووا، دولت نادرـشاه افشار. ترجمه: حمید مـومنی تهران : ۱۳٥۲ .
۲۸ـ محمد رضا بـرنا بادی،تذکره محمد رضا برنابادی. به‌سعی واهتمام ن ن ، تومانویچ، مسکــو ۱۹۸٤ .
۲۹ـ محمد کاظم، نامه عالم‌آرای‌نادری. ج ۱: مسکو: ۱۹٦۲ .
۳۰ـ مولائی، محمد سرور، بـرگزیدهٔ شعر معاصر افغانستان . تهران: ۱۳٥۰ .
۳۱ـ وکیلی فوفلزایی، عزیزالدین‌تاریخ احمد شاه .
۳۲ـ وکیلی فوفلزایی، عزیزالدیـن‌دره الزمان. کابل: ۱۳۳۷ .
۳۳ـ وکیلی فوفلزایی ،عزیزالدین‌تیمور شاه، ج (۱ـ۲) ،کـــابــــل ۱۳٤٦ .
۳٤ـ یو.و. گانکو فسکی،ددرانیانوامپراتوری (ترجمه گل محمدنورزی) کابل: ۱۳٥۷ .

بخش اول

سخنپردازان - سرچشمه‌ها

آ - ا

آبرو میان نجم الدین (۱۱۲۶هـ).

تذکره فارسی گوشعرای اردوعبدالرؤوف عروج، ۱۹۷۱، ص۱۲.

آثم (متوفی۱۱۵۲هـ) (۵۰)

- نتایج الافکار محمد قدرت‌الله‌بمبئی: ۱۳۳۶، ص ۱۱۵۲ .
- شمع انجمن. سید محمدصدیق‌حسن بهادر، بهوپال: ۱۲۹۳، ص ۶۳(به نقل از فرهنگ سخنوران‌داکتر خیامپور، تبریز: ۱۳۴۰ ص ۲) .

آرزو (متوفی ۱۱۶۹ هـ) .

شمع انجمن به اهتمام صدیق‌حسن: بهوپال: ۱۲۹۲ ق، ص ص ۴۲_۴۳ .

- سرو آزاد. غلام‌علی آزاد بلگرامی، هند. (۱۱۶۶هـ). ص ص ۲۲۷_۲۳۱
- تاریخ زبان وادبیات ایران درخارج از ایران پروفیسور عباس مهرین شوشتری، تهران : ۱۳۵۲ .

آزاد

محمد خان (متوفی ۱۱۹۷ھ) .
ـ روز روشن ، مولوی محمدمظفرحسین صبا، تصحیح وتحشیه رکن زاده آدمیت ، تهران :
ـ شمع انجمن. به اهتمام صدیق‌حسن، ۱۲۹۳ ق، ص ۱۳ آ

آذر بیگدلی .

(متوفی ۱۱۹۵)
ـ مجمع الفصحا. رضا قلیخان(۱ـ٦) ـ ۱۳۳٦ ، ص ص ۱۵۹ـ ۱٦٤.
ـ شمع انجمن صدیق حسن۱۲۹۳ ص ٦٥ .
ـ شعرای کشمیر، محمد اصلح‌میرزا، گرد آورده سید حسام‌الدین راشدی بخش اول:۱۳٤٦ ، ص ۷.
ـ عقد ثریا، غلام همدانی مصحفی‌هدایت، به کوشش مظاهر مصفاج (۱ـ٦)
به‌خط مولانا خسته ،۱۱۹۹ ھ ق‌نسخه دستنویس متعلق به کتابخانه پوهاند دوکتور جاوید: ص ۱٤ .

آشفته .

میرزا محمد صالح بن‌محمد زمان‌کابلی (متوفی۱۱۷۲) .
ـ سکینه الفضلا. عبدالحکیم‌رستاقی، به اهتمام عبدالغنی بلخی ۱۳۵۰ ھ،ص ۵۲ .
ـ روز روشن. محمد مظفر حسین‌صبا، به تصحیح وتحشیه رکن‌زاده آدمیت ، تهران : ۱۳٤۳،ص ۹ .
ـ سخن سرایان افغانستان ازآغازقرن ۱۲ـ۱٤ هجری، احمد جاوید کابل: (۱۳۳٤ـ ۱۳۳۵ ھ)، ص ۱٦.
ـ آریانا دایرة المعارف. ج۳کابل: ۱۳٤۸، ص ۸۰۳ .
ـ آریانا. ش ۱۱:س۲، ۱۳۲۳ص ۵۳ .

آشنا .

سید جلال الدین هروی .
باغ معانی، نقش علی، تصحیح وترتیب عابد رضا بیدار، پتنه،ص ۱۲ .

اصفجاه .

(متوفی ۱۱۳۷ه) .
ـ خزانهٔ عامره. میر غلام علی آزادبلگرامی ، کانپور : ۱۸۷۱، ص‌ص ۳۵ـ ۳۹ .
نتایج الافکار. محمد قدرت الله گوپا موی ،بمبی: ۱۳۳٦ص ۱۱٦۱.
سفینه هندی، تذکره شعرای فارسی،بهگوان داس هندی ،پتنه: ۱۹۵۸ ص‌ص ۷ـ۸ .
ـشمع انجمن. به اهتمام صدیق حسن، ۱۲۹۳ ق، ص‌ص ۳۵ـ۳٦ .

آفرین .

فقیر الله (متوفا ۱۱۵٤ ه) .
ـ نتایج الافکار. محمد قدرت الله گوپا موی بمبئی: ۱۳۳٦،ص ۱۲۵٤.
ـشمع انجمن .به اهتمام صدیق حسن، ۱۲۹۳ ق،ص ۳٤ .
ـ نسخه خطی ریاض الشعرا. واله داغستانی محفوظ در آرشیف ملی ص ص ۱۲۲ـ ۱۲۳ .
ـ سفینه هندی تذکره شعر ای فارسی بهگوان داس هندی پتنه ۱۹۵۸ ع ، ص ۱ .

آگاه .

افغان .

ـ سکینة الفضلا ، عبد الحکیم رستاقی به اهتمام عبدالغنی بلخی ۱۳۵۰ ه .

آگاه .

محمد کاظم شیخ محمد صلا حدر سال ۱۱٤۰ هـ: می‌زیست .

ـتذکره فارسی گو شعرای اردو،عبدالرووف عروج ، ۱۹۷۱ع،ص۹.

ـ شمع انجمن. صدیق حسن۱۲۹۳، ص ۱۲ .

ابراهیم .

فرخاری، (متولد ۱۰۸۷ـ متوفا۱۱٦٥) .

ـآریانا دایرة المعارف .ج ۳،کابل: ۱۳٤۸، ص ۷۹۸ .

ـ تاریخ ادبیات افغانستان. محمدابراهیم صفا، ص ۳۰٦ـ ۳۱۰.

ابوالمنصور خان . (در ۱۱٥٦ هـ می‌زیست) .

ـخزانه عامره. میر غلام علی‌آزادبلگرامی کا نپور : ۱۸۷۱، ص ص ۷٦ـ۷۷ .

اثر .

شفیعای (متوفا ۱۱۲۰) .

ـ سرو آزاد، غلام علی‌آزاد بلگرامی‌هند: ۱۱٦٦م، ص‌ص ۱٤۲ـ۱٤۳ .

ـ صحف ابراهیم (تذکره‌شعرای‌فارسی) علی ابراهیم خلیل، تصحیح وترتیب، عابد رضا بیدار پتنه۱۹۸۱ ع ۱ ص ٦ .

اجمل شاه .

(متولد ۱۱٦۱ـ متوفا ۱۲۳٦) .

ـ روز روشن، محمد مظفرحسین صبا به تصحیح وتحشیه رکن زاده آدمیت تهران : ۱۳٤۳،ص۳۱.

احمد شاه درانی .

ـ تاریخ ادبیات افغانستان. محمدابراهیم صفا، تهران: ۱۳٤۷، ص‌ص ۳۱۷ـ ۳۱۸

ـ خزانه عامره. میرغلام علی‌آزادبلگرامی ، کانپور : ۱۸۷۱، ص‌ص ۹۷ـ ۱۲۲ .

ـ داحمد شاه بابا ددیوان‌غورجان،عبدالشکور رشاد، کابل: ۱۳۵۷ (در صحفه ۱۲۳ این کتاب آمده‌است‌که احمد شاه بابا به زبان دری‌صرف یك رباعی دارد .

ـ تاریخ احمد شاهی. محمود الحسینی المنشی، ۱ـ۲، مسکو : ۱۹۷٤ .

ـ داحمد شاه بابا داشعارو پښتوشرح، خانعلوم، کابل: ۱۳۵٦ .

ـ پښتانه شعرا. عبدالحی حبیبی‌ج۱ـ۲، کابل: ۱۳۳۰ .

ـ لوی احمدشاه بابا. عبدالحی‌حبیبی کابل . ۱۳۱۹ .

ـ فرهنگ زبان وادبیات پښتو،زلمی هیواد مل ،کابل: ۱۳۵٦ ص ۲۰ـ۲۱ .

احمد کابلی .

احمد خان

ـ سخن سرایان افغانستان. احمدجاوید کابل (۱۳۳٤ـ ۱۳۳۵ ھ) ص ۱۸ .

ـ آریانا دایرة المعارف.ج ۳کابل: ۱۳٤۸ ص ص ۸۰٤ .

ـ سکینة الفضلا عبدالحکیم‌رستاقی به اهتمام عبدالغنی بلخی، ۱۳۵۰ ھ ص ۵۳ .

ـ فرهنگ سخنوران، خیامپورص ۳۰ .

احمد عبرت .

(متوفا ۱۱۲۵) .

ـ نتایج الافکار. محمد قدرت الله‌گوپا موی، بمبئی : ۱۳۳٦، ص.٤۹.

احمدی .

ـ شمع انجمن، صدیق حسن۱۲۹۳ ق، ص ۵۳ .

اخگر.

میرزا عرب محمد ولد رشیدمیرزاسعید. مقارن ۱۱۰۹ می‌زیست .
ـ مذکر الا صحاب، محمد بدیع‌ملیحای سمر قنـدی : نسخه خطی موجود در کتابخانه اکـادمی علـــوم‌افغانستان .

ادای بلخی (متوفا ۱۱۰۲) .
ـ آریانـا دایرة المـعارف. ج ۳،کابل : ۱۳۳۵، ص ۷۹۵.
ـ مذکر اصحـاب ، ملیحـای‌سمرقندی، ص ۲۵ .

ارشد هروی .

میرزا محمد (متولد ۱۰۲۵ ـ متوفا ۱۱۱٤ هـ) .
ـ سخن سرایان افغـانستان ۱ آغاز قرن ۱۲ـ۱٤ هجری. احمدجاوید کابل .۱۳٤ـ ۱۳۳۵ هـ ص ۱ـ۵. آریانا دایرة المعارف ج ۳،کابل: ۱۳۳۵، ص ۷۹٦ .
ـ تاریخ ادبیات افغانستان. محمدابراهیم صفا، تهران. ۱۳۷٤، ص‌ص ۳۱٦ـ ۳۱۷ .
روز روشن .محمد مظفر حسین صباتهران : ۱۳٤۳ ص ٤۵ .
ـ مجله کابل .ش ۳۷، ۱۹٤۳ ،ص‌ص ۳۵ ـ ٤۰ .
ـ آثار هرات. افغان. مطبعه‌فخری۱۳۰۹ـ ۲، ص ٤۲۵ .

ازل

محمد امین جودت (متوفا ۱۱۳۵) ـ شمع انجمن . صدیق حسـن ۱۲۹۳، ص ٦۱ .

اسحق .

خان شوشتری (متوفا ۱۱۵۲ .
ـ شمع انجمن. صـدیـق حسن۱۲۹۳، ص ۵٦ .

اسلام بلخی .

ـ سخن سرایان افغانستان. احمدجاوید کابل. ۱۳۳٤ ـ ۱۳۳۵هـ ص

۲۱ .
ـ آریـانـا دایـرة المعارف. ج۳کابل: ۱۳٤۸، ص ۷۹۸ .
اشتیاق .

شاه ولـــی اللــه (در ۱۱۵۵ هـمی‌زیست) .
ـ تذکره فارسی گوشعرای اردوعبد الرووف عروج، ۱۹۷۱،ع‌ص۱۳
اشرف ، ملا محمد سعید.

ـ نتایج الافکار .محمد قدرت‌الله، بمبی : ۱۳۳٦، ص ۵۵.
ـ سر خوش . محمد افضل بـــه‌اهتمام حافظ محمد عالم لاهـــور:
(۱۹۲۷ـ۱۹٤۲) ص‌ص ۷ـ۸
ـ صحف ابراهیم تا لیف علـــی‌ابرا هیم خان خلیل ، تصحیـــح‌و تر
تیب عابد رضا بیدار پتنه : ۱۹۸۱ ع.ص ۹.
اشرف میرزا(اشرف فرزند میرزاعبد الحسیب ۱۱۳۳) .

ـ تذکره حز ین شیخ محمد علی حز ین لاهیجی اصفهان: ۱۳۳٤ ،ص
۵٦ـ۵۷

ـ شمع انجمن صدیق حســــن،۱۲۹۳ ،ص ٦۲
اصلی کابلی ، ملا

در آوا خر قرن دواز دهم هجری‌می زیست و معاصر مرزا عصمـــت
کابلی است.
ـ آریا نا ، ش ۷،س چهارم۱۳۳۵ص‌ص ۲۵ـ۳۰.
اعجاز محمد سعید.

(متو فا ۱۱۱۷)
ـ نتایج الا فکار محمد قدرت‌الله‌گوپا موی بمبی . ۱۳۳٦ ص ۵٦
اعظم ـ افغان

ـ سکینه الفضلا عبدا لحکیم‌رستاقی، به اهتمام عبدا لغنی بلخـــــی:
۱۳۵۰ه، ص ۵۵.

ـروز روشن . محمد مظفرحسین‌صبا تهران : ۱۳۴۳، ص‌ص ۶۱ـ۶۲
افتخار بخاری ، عبد الوهاب (در ۱۱۹۰ه،می‌زیست)

ـشمع انجمن . صدیق حسن ، ۱۲۹۳ ق،ص ۱۲
ـتذکره فارسی گو شعرای‌اردوعبدالرووف عروج ۱۹۷۱ع،ص ۴۰،
افغان کابلی ، قاضی محمد صادق

ـسکینه الفضلا عبدا لحکیم‌رستاقی، به اهتمام عبدا لغنی بلخی،
۱۳۵۰ ه،ق ۵۴.
افقر محمد فیض الله در ۱۱۳۲ می زیست.

ـروز روشن .محمد مظفر حسین‌صبا، تهران :۱۳۴۳ ، ص ۶۸
افضلی شیخ محمد ناصر (متوفا ۱۱۶۳)

ـسرو آزاد .غلام علی آزادبلگرا می حیدر آباد: ۱۹۱۰ ،ص ۲۱۹ـ
۲۲۰.
ـتذکره حسینی، میرحسین دوست‌سنبهلی ، لکنهو ، ۱۲۹۲ ص ۴۵
ـشمع انجمن صدیق حسن۱۲۹۳ص ۳۷ـ۳۸.
ـنتایج الا فکار محمد قدرت الله‌گوپا موی، بمبئی ۱۳۳۶ص ۷۳ـ۷۴
المکل بد خشی المکل الدین‌محمد بیگ(متو فا ۱۱۳۱)

ـشعرای کشمیر . محمد اصلح‌میرزا ج۱ ص‌ص ۱۰۷ـ۱۱۰
ـ ایران صغیریا تذکره شعرای‌پارسی زبان کشمیر تهران: ۱۳۵
ص ۱۶۴ـ۱۶۵
الف‌ـ میرزا عارف بیگ معروف‌به‌الف بیگ بد خشانی

ـسفینه خو شگو تذکره شعرای‌فارسی بندر ابن داس خو شگوپتنه
۱۹۵۹ ص ۳۰۰
الفتی کا بلی قلیج خان.

ـسخن سرایان افغا نستان‌احمدجاو ید کابل ،۱۳۳۵ ه. ص ۱۶

ـ سکنیة الفضلا ، عبد الحکیم رستا قی به اهتمام عبدا لغنی بلخی ۱۳۵۰ هـ ص‌ص ۵۲ـ۵۳ .

الهام (متو فا ..۱۱)

نتایج الافکار . محمد قدرت الله بمبی ،۱۳۳۶ ص ۵۳

املای بلخی ـملا محمد ی بن ملاعلاوالدین (متو لد در سنگچارك..۱۱ متوفا ۱۱۶۲هـ) (۵۱)

ـسخن سرا یان افغا نستان. احمد جاو ید کابل ۱۳۳۵هـص ۳۱

ـآریا نا دایره المعارف ج۳ کابل ۱۳۴۸ ص ۸.۳

ـدیوان خطی املای بلخی.مربوط کتابخا نه پو ها ند جاوید .

ـماثر بلخ مو لانا خسته نسخه تایپی کتا بخا نه عامه ص ۳۶۸.

امید محمد رضا (متو فا ۱۱۵۹)

ـشمع انجمن صد یق حسـن ۱۲۹۳ ص۱۲

ـنتایج الا فکار . محمد قدرت الله بمبی :۱۳۳۶ ص ۶۳

ـسفینه هندی بهگوان داس هندی پتنه : ۱۹۵۸ ع ص ۶ـ۷.

امید قز لباش خان در سال ۱۱۴۸هـ به دهلی مراجهت کرد (۵۲)

ـنسخه خطی ریاض الشعـــرا محفوظ در آرشیف ملی ص‌ص ۱۲۵ـ ۱۲۷

ـعقد ثر یا تذکره فار سی گویان تالیف غلام همدانی مصحفی به‌قلم مولانا خسته ۱۱۹۹ هـ.ق .ص ۷

امید بلخی میرزا نیاز (متو فـا ۱۱۵۵)

ـسخن سرایان افغا نستان . احمد جاو ید کابل ،۱۳۳۵ ص ۲۱

ـآریا نا دایره المعارف ج۳ کابل ۱۳۳۵ ص ۷۹۸.

ـ صبح گلشن. سید علی‌حسن‌خان بخا ری هندو ستان، ۱۲۹۵ ص ۳۸ .

ـ الذریعه تصا نیف الشیعه، ج۹ بخش اول صفحه ۹۶ (نقل از فرهنگ

سخنوران ص ۵۹

)امین مو لا نـــا احمد (متو لد ۱۱۱٤ـمتو فا ۱۱۷٦)

ـروز روشن ، محمد مظفر حسنین‌صبا تهران .۱۳٤۳ ص‌ص ۸۳ـ۸۵

امین خوا جه امین‌الدین (در۱۱۹۹هـ، می زیست)

ـتذکره فار سی گو شعرای‌ار دوعبدالروف عروج ۱۹۷۱ ع‌ص.۷

امیر افغان . علی محمد خان

ـسفینه الفضـلاعبدا لحکیم‌رستاقی .۱۳۵ هـ.ص ۵۵

انتخا بی وردی بیگ.

ـ باغ معانی مولف نقش علی‌تصحیح وتر تیـب عابد رضا بیدار پتنه ص ۱۰ امیـــر بهادر خان (متو فا ۱۱۵۰)

انجام کا بلی.

نسخه خطی ریا ض الشعـــر محفوظ در آرشیف ملی ص‌ص ۱۳۰ـ ۱۳۹.

ـ تذکره حسینی، میرحسین‌دوست‌سنبهلی لکنهو : ۱۲۹۲ص٤٦ـ٤۷.

ـصبح گلشن سید علی حسن، بخاری ، هند: ۱۲۹۵، ص ٤۲ـ٤۳.

ـ الذایعه الی تصا نیف الشیعه‌جلد ۹ بخش اول، ص ۱۰٦

ـنتایج الافکار محمد قدرت الله‌گوپا موی‌بمبئی :۱۳۳٦ص٦۱ـ٦۲

ـسفینه هندی بهگوان‌داس هندی‌پتنه: ۱۹۵۸ع،ص ۷

انسان اسد یار خان (۱۱۵۸هـ)

ـتذکره فار سی گو شعرای اردوعبدالروف عروج ۱۹۷۱ ع،ص ۱٦

ـروز روشن مظفر حسین صبا، تهران . ۱۳٤۳ ، ص ۸۸

ـفرهنگ سخنو ران، خیا مپور،ص ٦۵

انصاری کابلی سعد الدین احمد(متو لد .۱۱٤ـ متو فا ۱۲۲۵)

تاریخ ادبیات افغا نستان. محمدابرا هیم صفا ص ۳۲۲

–تیمور شاه درانی ،عزیز الد ین‌وکیلی فوفلزا یی ج‌دوم انجمن‌تاریخ ۱۳٤٦ ص ٤۱۷ .
–کلیات شور ش عشق سعد الدین احمد انصاری در مجمو عه دستنو یسها به شماره ۳۹٦ درتا جکیستان شو روی محفوظ است.
–یمکرد بزرگ مجمد ابرا هیـــم‌خلیل کابل : ۱۳۳۰
انند رام رای (متو لد ۱۱۱۱)

–بزم تیموری . سید صبا ح‌ـ الدین عبدا لر حمان ۱۹٤۸
–ایجاد غزنوی میر محمداحسن۱۱۳۳

–شمع انجمن . صدیق‌حســـن ۱۲۹۳، ص ۲۷–۲۸
–الذریعه،ج ۹ بخش اول ،ص ۱۱٤.
–سفینه خو شگو تذکره شعرای‌فار سی بندرابن‌داس خو شگــــو پتنه : ۱۳۷۸ ه. ص‌ص ۹٦–۹۸
–خزا نه عامره میر غلام علی‌آزادبلگرا می کانپور : ۱۸۷۱،ص ۲۸
–سرو آزاد.غلام علی آزادبلگرامی‌هند:۱۱٦٦ ص ص .۲٤۰–۲٤۱
–تذ کره شعرای پنجاب خوا جه‌عبدالرشید ، کرا چی ۱۳٤٦
–سنفینه هندی بهگوان دا ســ‌هندی، پتنه ۱۹۵۸ع
–کلمات الشعرا محمد افضل‌سرخو ش ،لاهور ۱۹٤۲،ص ۸–۹ .
ایما

–شمع انجمن صدیق حسن،۱۲۹۳ص۱٤.
امیر مسعود ، کابلی

–سکینه الفضلا . عبدا لحکیـــم‌رستا قی .۱۳۰ ه، ص ۱.۳
ایمن .احمد قلی خان(متو لد ۱۱۵۱)

– سفینه خو شگو، بندر ابــن‌داس خو شگو پتنه ۱۹۰۹ ،ص ۲۵٦.
–فرهنگ سخنو ران ص ۷۲

بدیع سز واری

-شمع انجمن صدیق حسن ، ۱۲۹۳، ص ۸۰.
- تذکره شعرا محمد طاهر نصرآبادی ،تهران: ۱۲۱۷، ص ۱۰۱.
-آتشکده لطفعلی بیگ آذربمبی:۱۲۷۷ ، ص ۸۳ .
-صبح گلشن ،سید علی حسن،هند: ۱۲۹۵ ، ص ۸۳ .
-فرهنگ سخنو ران ، ص ۸۱.

بلبل، ملا اشرف دایری (متولد ۱۰۹٤ هـ. ۱۱٦۹)

تذکره شعرای کشمیر، گـــردآورده سید حسام الدین را شدی، ج‌اول ۱۳٤٦، ص‌ص ۱۳۵-۱۳٦
-فرهنگ سخنوران، خیا مپور،ص ۸۸.

بهابلخی

ملابها الدین (متو لد ۱۱۸۰هـ متو فا ۱۲٤۸)

- تذکره شعرای کشمیر گردآورده سید حسام الدین را شدی ، ج‌اول ۱۳٤٦، ص‌ص ۱۳٦ -۱۳۷.

بیخبر ، میر عظمت الله

-خزا نه عامره میر غلام علی‌آزاد کانپور: ۱۸۷۱ ، ص ۱٦۷.
-سفینه هندی، بهگوان دا س هندی، پتنه: ۱۹۵۸ع‌ص‌ص ۳۰-۳۱
-فرهنگ سخنوران ص ۹۵.

بسمل بد خشا نی ، میر محمد یو سف خان بن میر امام ۱۱۳۷.

-صبح گلشن . سید علـــــی‌حسن خان هند، ۱۲۹۵ ص ٦۰
- قاموس الا علام،شمس الدین‌صبا تهران : ۱۳٤۳ص ۱۲۰
- الذریعه جز ۹بخش اول‌ص۱۳٦-۱۳۷

بیخود ، خوا جه عبدا لمجید(متوفا۱۱۹۰هـ)

روز روشن . محمد مظفر حسین‌صبا تهران :۱۳٤۳ ص ۱۳۹۰.
-سخن سرایان افغا نستان،احمدجاو ید ، کابل: ۱۳۳۰ هـ، ص ۳۲

ـآثار هرات ، افغـــانج۱ـ۳ ، ۱۳۰۹ ، ص ۱۱ـ۱۸
ـتذکره شعرای پنجاب،سرهنگ خوا جه عبدالر شید کرا چـــی: ۱۳٤٦ ،ص‌ص ۸۰ـ۸۱.
بیدل (متو لد ۱۰۵٤ـمتو فـــا۱۱۳۳).

ـنتایج الا فکار . محمد اللـــه‌گوپا موی بمبی : ۱۳۳٦ ، ص‌ص ۲۹٤ـ۳۰۳
ـتذکره سر خو ش. محمد افضل به‌اهتمام حافظ محمدعالم لاهور۱۹۲۷ ۱۹٤۲ ص‌ص ۱٤ـ ۱۵
ـ سفینه خوشگو، بندرابن داس‌خو شگو ، پتنه : ۱۹۵۹، ص‌ص ۱۰۳ـ۱۰۸
ـصحف ابرا هیم، مو لف: علی‌ابرا هیم خان خلیل ،تصحیح وتر- تیب از عابد رضا بیدار پتنه : ۱۹۸۲ ع،ص ۲٤ـ۲٦.
ـمجمع النفا یس . مولف:سراج‌الدین علی خان آرزو تصحیح وتر تیب : عا بد رضا بیدار پتنه، ص ۲۵ـ۳۰.
ـمقا مات منتخبه دانشکده خاور شنا سی ، ص ۱٦۱
ـتاریخ زبان وادبیات‌ایران در خارج از ایران ، تهران : ۱۳۵۲ ـ ص ۱۲٦
ـخزانه‌عا مره میر غلام علی آز اد بلگرامی کانپور : ۱۸۷۱ ، ص۱۵۳ ۱٦۷
ـریاض العا رفین، رضا قلی ، هدا یت ،تهران: ۱۳۱٦ ص ۷۰.
ـسرو آزاد . غلام علـــی آزاد بلگرا می ، ص‌ص ۱٤۸ـ۱۵٤.
ـتذکره شعرای پنجاب،خوا جه عبدا لر شید ، کرا چی : ۱۳٤٦، ص‌ص ۸۲ـ۸۰.
ـآریانا، مزار حضرت میر زا عبدا لقا در بیدل سید محمدداو د حسینی ش ۱۰ـ۱٤ . ۱۳۳۵ـ ص‌ص٤ـ۱۷.

ـشرح طور معر فت بیدل ، امیرمحمد اثیر، ج اول، به اهتمام صالحه ساعی ،کابل: ۱۳۵۶، بخشی ازاین این کتاب در شماره های سال ۱۳۵۲ مجله هرات چاپ شده است .
ـغز لیات (تا حرف دال) میرزا عبدا لقا در بیدل به امر حبیب‌الله کابل : ۱۳۲۴ ق.
ـکلیات میرزا عبدا لقادر بید ل، ج۳ کابل : ۱۳۵۰.
ـنظریات فلسفی میرزا بیـــدل ابرا هیم مو من اوف(این کتاب در جلد دوم آثار منتخب ابرا هیم‌مومن‌اوف در سال ۱۹۶۹ در تا شکنـد چاپ شده است.
ـ سیر المنازل میرزا سنگین بیگ(به ترجمه داکتر شر یف‌حسین قاسمی به زبان اردو) دهلی :۱۸۰۲
ـمیرزا عبدا لقادر بیدل الیاس نظام الدین اوف تا شکند : ۱۹۷۰
ـفیض قدس. یکی از فضلای کشور، کابل : ۱۳۴۴.
ـمنتخب الز مان (در تر جمه‌حال‌ابوا لمعا نی میرزا عبدا لقادربیدل) مو لینا خال محمد خسته، ژو ندون:۱۳۴۲.
ـبیدل چه گفت ،فیض محمـــدزکریا ، تهران : ۱۳۳۴.
ـروح بیدل ، عبدا لغنی ،لا هـور۱۹۶۹.
ـبیدل و منظو مه عر فا نش‌خالده عینی ستا لین آباد : ۱۹۵۶.
ـمیر زا عبدا لقادر بیدل به زبان تاجیکی (دری ورسم الخط کر یلـــی (بر گردان به الفبا ی دری تو سط ضیا قاری زاده) صدر الد یـــن عینی البته بر گردان این کتـــاب تاکنون به زیور چاپ آرا سته نشده است.
ـبیدل در یك مجلس ، فطــرت مسکو : ۱۹۲۳.
ـ مختصر افکار بیدل، فیض‌محمدزکریا ، کابل : ۱۳۳۲.
ـبر گزیده غز لها، محررمسوول، کمال عینی ، دوشنبه :۱۹۸۴ .
ـمرقع دهلی در گاه قلی خان، تصحیح و ترجمه از داکترنورالحسن

انصاری دهلی:۱۹۸۲.
-یاد بیدل ، محمد حیدر ژو بل این کتاب درش ۷،س ۲۰، ۱۳۳۰عر فان چاپ شده است.
-تاریخ ادبیات افغا نستان،محمدحیدر ژوبل ، کابل : ۱۳۳۶.
-افکار شا عر ،صلاح 'لد یـن سلجو قی کابل:۱۳۳٤
-آریانا ،آرامگاه حضر ت بیدل، ش۷ دوره ۱٤ ، ۱۳۳۰ ، ص ۱٤.
-آریا نا ،بیدل از افغا نستان است، محمد طاهر بد خشی، ش۱ دوره ۱۲ ،۱۳٤٤.
-آریانا ماخذ جد ید در مو ضوع میر ز ا عـبدا لـقادر بیدل،محمد داود حسینی ، ش ۱۱، دوره ۱٤، ۱۳۳۰.
- آریانا خانواده بیدل ، خال‌محمد خسته ،شـــ ۱، دوره ۲۹ ، ۱۳٤۹.
-آریا نا عرس بیدل محمدابراهیم‌خلیل ، ش ۱-۱۲، دوره ۹- ۱۳۳۹ ۱۳۳۰ .
-آریا نا اظهار نظر در موردآرامگاه بیدل، محمد ابرا هیم خلیل ش ۱۲، دوره ۱٤ ۱۳٤٤.
-آریا نا وصف بیدل از زبـــان‌خود ش ، نصر الله رستا قی، ش۷ دوره ۹،۱۳۳۰ .
-آریا نا بیدل ، با قی طلو ع،ش٤دوره ۱۲
-آریا نا در اطراف آرا مگاه‌بیدل،محمد ابرا هیم عا لمشاهی، ش۱۲ دوره ۱٤.
-آریا نا شر حی در احوا ل بیدل‌لجهمی نراین شفیق ش۲دوره۲۸. ۱۳٤۹.
- آریانا، چهار عنصر یکی‌ازفضلای کشور ، ش (۱۰-۱۱-۱۲) س ۱۲، ۱۳۳۳.

- آیینه عرفان، میرزا عبدالقادر بیدل قاری‌عبداً لله،ش (۱.۹ ـ ۱۱)، ۱۳۱۱.

-ادب وصف طبیعت در اشعار بیدل بو سانی ش-س٤، دوره ۱۳ ، ۱۳٤٤.

-ادب، نظریات یك ارو پایی در باره بیدل بو سا نی ، ش ٤دوره ۱۳ ۱۳٤٤.

-ادب .ملاحظا تی در باره ریالیزم بیدل بو سانی ، ش٤، دوره ۱۳، ۱۳٤٤.

-ادب بید لشنا سی در اتحاد شوروی اسد الله حبیب ،ش ٥-٦ دوره ۲۱، ۱۳٥۲.

-ادب میرزا عبدا لقادر بیدل و افغا نستان سید محمد داودالحسینی ش ٥-٦دوره ۱۹ . ۱۳٤۷ و ش۱-٥ دوره ۱۷، ۱۳٤۸

دورهٔ ۱۹ ، ۱۳٤۷ ، و ش ۱ ـ ٥ ،دورهٔ ۱۷ ، ۱۳٤۸ .

- ادب یادی ازبیدل، محمدحسین‌راضی ، ش٤، دورهٔ ۱۳، ۱۳٤٤ .

- ادب. میرزا غالب ومکتب میرزابیدل، رضوان حسین، ش٤ ، دورهٔ ۲۳ ـ ۱۳٥٤

- ادب. بحثی دراحوال وآثاربیدل‌میرحسین شاه (مترجم) ش ٥ ـ ٦ دورهٔ ۱۹ ، ۱۳٥۰ .

- انیس. علاقهٔ شاهان ومـــردم‌افغانستان راجع به‌شخصیت وآثار بیدل .

عزیز الدین وکیلی فوفلزایی، ش(۱-۱٥) ، س ۱۹۷۰ .

- کابل. سبك هند ومکتب بیدل،عبدا لحی حبیبی ، ش ۱ ، دورهٔ ٤ ۱۳۱۳ .

- کابـل. میرزا عبدالقادر بیدل .قاری عبدالله ، ش٤، ۱۳۱۰ .

- کابل . شاعر وفیلسوف شرق‌میرزا عبدالقادر بیدل درنظر غربو ،

محمد یعقوب (مترجم) ش٤، ۱۳۱۱ .
ـ خراسان، واژه‌گان ، تعبیرات‌واصطلاحات عامه درشعر بیدل، عارف پژمان، ش ۱۹ ، ۱۳۶۳ .
ـ عرفان. بیدل وبهارستان شعراو ، عارف پژمان، ش ٦ دورهٔ ٦٠ـ ۱۳٦۱ .
ـ عرفان. روزهای آخر زنده‌گانی‌ومرگ بیدل محمد داود حسینی ، ش۲، دورهٔ ۲۲ ، ۱۳۲۷ .
ـ عرفان. دوشعر بیدل ، محمداسماعیل سابق ، ش٤، ۱۳۳۱
ـ عرفان. وفات بیدل. غلام‌سرورگویا اعتمادی، ش۸، ۱۳۳۵ .
ـ وحید. روابط ادبی ماوراء النهرافغانستان وسند در زمینهٔ گسترش مکتب‌ادبی بیدل ش۲،س۱۳، ۱۳٥٤ .
ـ هنر عرش، سخن، میرنعمت‌الله،ش٥ ، دورهٔ ٤ ، ۱۳٦۰ .
ـ هرات. بیدل صاحبدل ، احمدصدیق ، حیا ، ۱۳٥٤ .
ـ عقد ثریا . شیخ غلام همدانــی‌مصحفی، به‌قلم خسته، ص۱۹ـ۲۰ .
ـ نقد بیدل . صلا ح الــد یــن‌سلجوقی ، کابل ۱۳٤۳ .
ـ کلیات بیدل . میرزا عبدالقادر، ج۱ـ۲ ، کابل : ۱۳٤۱ .
ـ رباعیات ابوالمعا نــی میرزاعبدالقادر بیدل ، کابل : ۱۳٤۲ .
ـ بیدل خواجـه عبدالله اختــر ،لاهور : ۱۹٥۲ ع .
ـ احوال وآثــار میرزا عبدالقا دربیدل دوکتور عبدالغنی ادب ۱۳٥۱
ـ بیدل شناسی غلام حسن‌مجددی‌ج ۱ـ۲ کابل ۱۳٥۰ .
ـ بیدل وعزیز به‌اهتمام قــدسیه‌کریمی کابل ۱۳۲۸
ـ مجلهٔ هنر ومردم، بیدل شفیعی‌کدکنی شماره(۸٤ـ۸٥)تهران ۱۳٤۷
ـ ادب. دیوان بیدل بــه خط اوعبدالحی‌حبیبی ش۳س۲٤کابل۱۳٥٥
ـ ادب ، ادبیات معاصــر دری ،اسدالله حبیب ، کابل ۱۳٥٥
ـ خراسان ، زیست نامه بید ل‌اسدالله حبیب ، کابل ۱۳٦۰ .
ـ راجع به‌بیدل وگوشه های مختلف‌زنده گیش‌مقالات مختلف درمجله‌های

آریانا کابل وادب .... به‌چاپ‌رسیده‌است .

بینوای بدخشی شاه خلیل الله

- آریانا دایرة المعارف، ج۲، کابل۱۳٤۸ ص ۸۰۳
- ریاض العارفین‌رضاقلی هدایت‌تهران : ۱۳۱۹ ص ۷۰
- الذریعه بخش نهم قسمت اول‌ص ۱۵٦ ـ ۱۵۵
- روز روشن محمد مظفر حسین‌صبا بهوپال ۱۲۹۷ ص ۱۱۹
صحف ابراهیم مولف علی‌ابراهیم‌خان خلیل تصحیح و ترتیب. عابد رضا بیدار پتنه ۱۹۸۱ع‌ص۲۵ـ۲٦

باقر ماوراء النهر

- صحف ابراهیم‌مولف علی‌ابراهیم‌خان خلیل تصحیح و ترتیب. عابد رضا بیدار پتنه ۱۹۸۱ ع ص ۲۸

«پ»

پیام شرف‌الدین علی‌خان (۱۱٦٦)

- تذکره فارسی گوشعرای اردو عبدالروف عروج ۱۹۷۱ ع ص ۱٤
- سفینه هندی‌بهگوان داس‌هندی پتنه ۱۹۵۸ ع ص ۲۷
- فرهنگ سخنوران ص ۱۰٦
- عقدثریا، غلام همدانی مصحفی‌حرف ع ص ۱۵
- صحف ابراهیم ، مولف علی‌ابراهیم خان خلیل تصحیح و ترتیب عابد رضا بیدار پتنه ۱۹۸۱ ع‌ص۳۱

«ت»

تاج معین‌الدین (متوفای ۱۱٦٦هـ)
- سرو آزاد . غلام‌علی آزادبلگرامی، هند،۱۱٦٦هـ ص‌ص۷۲ـ۷۳

تسلیم ملا ابوبکر بن ملامولا داد

- شمع انجمن . صدیق حسن ،۱۲۹۳ ، ص ۹۹ .

ـ سخن سرایان افغانستان احمدجاوید، کابل ، ۱۳۳٤، ص ۳٤ـ۳۵
ـ آثار هرات . افغان ، ج۱ـ۳ ، ۱۳۰۹، ص‌ص۲۵ ـ ۳۰ .

تسلیم ، میرزا صادق .

رضا قلی هدایت ، تهران: ۱۳۱٦،ص‌ص ٤۲۷ ـ ٤۲۸

تقی ، میرمحمد تقی (در ۱۱٤۲می زیست)

ریاض الشعرا ، واله داغستانی ،ص‌ص ۱۸٦ ـ ۱۸۷

تمکین

سید رضا خان (متولد ۱۱۰۹)

ـ ریاض الشعرا واله داغستانی،روضهٔ التا ، ص ۱۸۰ .
ـ صحف ابراهیم . مولف . علی‌ابراهیم خان خلیل، تصحیح وترتیب عابد رضا بیدار پتنه ۱۹۸۱ ع ،ص ۳۲ .

تمنای کابلی (میرزامحمدی) ۱۱٦۰

صبح گلشن، سیدعلی حسن خان،هند : ۱۲۹۵ ، ص ۹۵ .
ـ قاموس الاعلام ، شمس الدین سامی ، ۱٦۷۰
ـ الذریعه ، ج۱ ، بخش نهم ،ص ۱۷۷ .

تمنا

محمد علی (سالها درکابل بود)

ـ صحف ابراهیم مولف . علی‌ابراهیم خان خلیل تصحیح وترتیب. عابد رضا بیدار پتنه. ۱۹۸۱ع ص۳۲

تنها

عبدالطیف خان

صحف ابراهیم مولف . علی‌ابراهیم خان خلیل تصحیح وترتیب. عابد رضا بیدار پتنه ۱۹۸۱ع ص۳۲

تیمور شاه درانی

- دیوان تیمور شاه . عزیز الدین‌وکیلی ، کابل ۱۳۵۶
- مجمع‌الفصحا رضاقلی هـدایت‌تهران ۱۲۹۵ ص ۲۰
- فرهنگ سخنوران ، خیا مپورتبریز ۱۳۴۰ ص ۱۲۰ .
- تیمورشاه درانـی عزیز الـدین‌وکیلی فوفلزائی، انجمن‌تاریخ ج۱-۲ س ۱۳۴۶
- فرهنگ زبان وادبیات پشتوزلمی هیوادمل ، کابل۱۳۵۶ ص۱۸

«ث»

ثابت بدخشی میرافضل (متوفاء۱۳۵۱)

سفینه خوشگو، بندر ابن داس‌خوشگو، پتنه. ۱۹۵۹، ص ص۲۲۲-۲۲۲ .
- نتایج الافکار ، محمد قدرت‌الله‌گوپاموی ، بمبئی . ۱۳۳۶ ، ص ص ۱۳۴ - ۱۳۶ .
- خزانهٔ عامره. میرغلام‌علی‌آزاد،بلگرامی کانپور : ۱۸۷۱، ص ۱۷۳ .
- سروآزاد . غلام‌آزاد بلگرامی ،هند: (۱۱۶۶-هـ ، (ص‌ص۲۰۳-۲۰۵.
- سخن سرایان افغانستان، احمدجاوید ، کابل:۱۳۳۴، ص‌ص ۷-۸ .
تاریـخ ادبیات افغانستان (صنفا) ،ص ۳۰۹ .
- ریاض العارفیـن ، رضا قلی‌هدایت ، تهران : ۱۳۱۹، ص ۷۸ .
- آریانـا دایرة المعارف ، ج ۳کابل : ۱۳۳۵ ، ص ۷۹۷ .
- شمع انجمن . صدیـق حسن ،۱۲۹۳ ، ص‌ص ۱۰۲-۱۰۳ .
- سفینهٔ هـنـدی . بهگوان داس‌هندی، پتنه: ۱۹۵۸، ص‌ص۴۴-۴۵
- ریاض الشعرا، واله داغستانی،روضة التاء ، ص ۱۹۰ .
- فرهنگ سخنوران ، خیامپور ،ص ۱۲۰ .
- مخزن الغرایب ، شیخ احمدعلی‌خان هاشمی ، به‌اهتمام محمدباقر ، ج۱، لاهور : ۱۹۶۸ . ص ۴۷۳ .

– صحف ابراهیم . مولف . علی‌ابراهیم خان‌خلیل، تصحیح و ترتیب، عابد رضا بیدار پتنه ، ۱۹۸۱ ، ع‌ص ۴۳ ـ ۴۴ .

ثبات بدخشی

میر محمد اعظم ، خلف‌میر محمدافضل ثابت (متوفا ـ ۱۱۶۲) .

– سخن‌سرایان افغانستان، احمدجاوید ، کابل : ۱۳۳۴، ص۱۱ـ۱۲.
– آریانا دایرة المعارف ، ج۳ ،کابل : ۱۳۳۵ ، ص ۷۹۸ .
– تاریخ ادبیات افغانستان ، صفا،ص ۳۰۹ .
– شمع انجمن ، صدیق حسن ،۱۲۹۳ ، ص ۱۰۴ .
– فرهنگ سخنوران ، خیامپور ،ص ۱۲۲ ،
– مخزن الغرایب ، ص ۴۷۸ .
– نتایج الافکار . محمد قدرت‌الله گوپا موی ، بمبئی : ۱۳۳۶ ،ص‌ص ۱۳۶ ـ ۱۳۷ .
– خزانهٔ عامره . میر غـلام علی‌آزاد بلگرامی ، کـانپور ، ۱۸۷۱ ص ۱۷۶ .
– سفینهٔ هندی ، بهگـوان داس‌هندی ، پتنه : ۱۹۵۸،ع ص ۴۵ .
– صحف ابـراهیم . مولف علی‌ابراهیم‌خان خلیل، تصحیح و ترتیب: عابـد رضا بیدار ، پتنه : ۱۹۸۱ ،ص ۴۴ .

ثنایی‌میرمحمد عظیم(متولد ۱۱۲۲)

– ریاض‌الشعراء ، ص۱۹۲ـ۱۹۱.

«ج»

جامی هروی

– سخن سرایـــان افغا نستان ،احمدجاوید ، کابل: ۱۳۳۴، ص۲۲.
– آریانا دایرة المعارف ، ج ۳ ،کابل : ۱۳۳۵ ، ص ۵۶۱ .

جایز

– آریانا دایرة المعارف ج ۳ ،کابل : ۱۳۳۵ ، ص ۸۱۲ .

ـ آریـانـا ، ش ۱۲ ، س دوم ، ۱۳۲۳ ، ص ۲٤ .

جناب

میرزا ابو طالب، والد میرزا نصیر (متوفا ۱۱۳۵)
ریاض الشعرا ، والۀ داغستانی ، روضة الجیم ، ص ۲۲٤ .

جناب ،

میرزا فتح الله .
ـ مجمع الفصحا . رضـا قلیخا نهدایت ، ج چهارم ، ص ۲۰٤ .

جواد هروی

عبدالجواد
ـ تاریخ ادبیات افغـا نستان . ابراهیم صفا ، ص ۳۱۷

جلیل طالقانی (شیخ جلیل الله)
ـ تذکرة المعاصرین . شیخ‌محمدعلی حزیـن ، اصفهان: ۱۳۳٤ ، ص ۲٤ ـ ۲۵

جودت‌بدخشانی میرزا ایوب (متوفا ۱٤۵)
ـ سفینه خوشگو بندر ابن داس‌خوشگو ، پتنه ۱۹۵۹ ص ٦۷
ـ کـلـمات الشعرا محمد افضـل‌سرخوش، لاهور : ۱۹٤۲ ص ۳۹
ـ شمع انجمن. صدیق‌حسن.هند. ۱۲۹۳ ص ۱۱۲
ـ فرهنگ سخنوران ص ۱٤۰

«چ»

چندا (ماه لقاء)
ـ پرده نشینان سخنگوی ، ماگه‌رخمانـی ، انجمن تاریخ : ۱۳۳۱ ، ص‌ص ۵۰ ـ ۵۱ .

«ح»

حاجت

مجمع‌الفصحا رضا قلیخان‌هدایت،۱۳۳٦ ، ج‌چهارم، ص ۲۰۷ .

حاکم .

حکیم بیگ خان ازجانب پدر ازبلخ وازطرف مادر ازهرات است .

ــ صحف ابراهیم ، مولف : علی‌ابراهیم خان خلیل، تصحیح‌وترتیب. عابدرضابیدار پتنه: ۱۹۸۱ع،ص۹۵.

ــ نتایج الافکار محمد قدرت الله‌گوپاموی، بمبئی : ۱۳۳٦، ص۱۵۲ـ ۱۹۷ .

ــ باغ‌معانی ، مولف : نقش‌علی ،تصحیح وترتیب: عابد رضا بیدار ، پتنه : ص ۵۱

ــ خزانهٔ عامره . میرغلام علی‌آزادبلگرامی، کانپور: ۱۸۷۱، ص۲۰۰ .

ــ تذکرهٔ شعرای پنجاب ، خواجه‌عبدا لر شید ، کــراچی: ۱۳٤٦ ص ص ۱۱٤ .

حافظ مزاری

عبدالمومن

ــ سخن سرایـــان افغا نستان ،احمدجاوید ، کابل: ۱۳۳٤، ص۲۲ .

ــ آریانا دایرة المعارف ، ج ۳ ،کابل : ۱۳۳۵ ، ص ۷۹۹ .

حافظ سیستانی

ــ آریانا دایرة المعارف ، ج ۳ ،کابل : ۱۳۳۵ ، ص ۷۹۹ .

حزین لاهیجی ،

شیــخ مــحــمــد علی بـــن‌ابی طالب (متولد ۱۱۰۳ ـ متو فــا ۱۱۸۰)

ــ هفت آسمان (تــذکــره مثنوی‌سرایان) به اهتمام مولوی آغا احمد علی ، کلکته : ۱۸۷۳

- تیمور شاه درانی . عزیزالدین‌وکیلی فوفلزائی ج ـ۱ـ۲ ، ۱۳٤٦ ص ٤٦٥
- سفینهٔ خوشگو ، بندر ابن داس‌خوشگو ، پتنه: ۱۹٤۹ ص‌ص۲۹۱ـ۲۹۳
- فرهنگ سخنوران ، خیامپور :ص ۱۵۵ .

حسن خان شاملو

- نتایج الافکار ، محمد قدرت‌الله گوپاموی ، بمبئی : ۱۳۳٦، ص۱۹۰.
- ریاض العارفین ، رضا قلی‌هدایت، تهران: ۱۳۱۹، ص۳۱۳ .

حسن قندهاری ، خواجه‌حسن .

- سخن سرایان افغانستان ،احمد جاوید ، کابل : ۱۳۳٤ .
- آریانا دایرة المعارف ، ج۳ ،کابل : ۱۳۳۵ ، ص ۷۹۹ .

حسن هروی (معین‌الدین حسن) ۱۱۳۳

مقالات الشعراء ، میر علی شیرقانع ، کراچی: ۱۹۵۷، ص ۱۷۵ .

حسین افغان ، نواب غلام حسین‌خان .

- سکینة الفضلاء ، عبدالحکیم‌رستاقی ، به‌اهتمام عبدالغنی بلخی، ۱۳۱۰ ـ ۱۳۵۰هـ ، ص ٦۰ .

حسین فیض آبادی ، میر محمدحسین ، ۱۳۰۵

فرهنگ سخنوران، ص ۱٦٤ .

حسینی ، عبدالجلیل .

- شمع انجمن ، صدیق حسن ،۱۲۹۳ ، ص ۳۱۳ .

حشمت بدخشی ، میر محتشم‌علی خان (متوفاء ۱۱٦۳)

- سخن سرایان افغانستان. احمدجاوید ، کابل : ۱۳۳٤هـ ، ص ۱۵ .
- آریانا دایرة المعارف، جلدسوم، کابل : ۱۳۳۵ ، ص ۷۹۸ .

- تذکره فارسی گوشعرای اردو، عبدالرووف عروج، ۱۹۷۱ع، ص۱۷.
- تاریخ ادبیات افغانستان، محمدابراهیم صفاء ، ص۳۱۰ - ۳۱۱ .
- نتایج الافکار . محمدقدرت الله گوپاموی، بمبئی : ۱۳۳٦، ص۱۹۵ .
- سفینهٔ هند ی ، بهگوان داس‌هندی، پتنه : ۱۹۵۸، ص ۵۵ .
- فرهنگ سخنوران ، خیامپور، ص ۱٦۷ .
- عقد ثریا، غلام همدانی‌مصحفی، ص ۲۱ .

حیدر میرزا جلال الدین .

- خزانهٔ عامره ، میرغلام‌علی آزادبلگرامی، کانپور : ۱۸۷۱ ، ص ص ۸٦ - ۹٦ .
- ریاض الشعراء ، ص۲۷۰ .

حیرت هروی، الله‌ویردی‌ازبزرگ‌زادگان هرات‌وخال حیرت شاملو .

- تیمورشاه درانـی ، عزیز الدین‌وکیلی فو فلـزائـی ، ج دوم ، ص ٤٦۵ - ٤٦۷ .
- عقد ثر یـا ، غلام همدانـی‌مصحفی ، ص ۲٤ - ۲۵ .

« خ »

خاکسارسمرقندی (متوفاء ۱۱۱۱)داماد عاقل خان رازی .

- مذکر احباب ، نسخهٔ تایپی نزدپوهاند دکتور جاوید ، ص ۵٦ .
- صحف ابراهیم ، علی ابراهیم‌خان خلیل ، عابدرضا بیدار ، پتنه: ۱۹۸۱ ع ، ص ٦۱ .

خاور کـابلی ، میرزا محمد اکبرپسر میرزا مهدی خان .

- سکینة الفضلا ، عبدالحکیم رستاقی ، ۱۳۵۰هـ ، ص٦۵-٦٦ .
- شعرای پنجاب، سرهنگ‌خواجه‌عبدالرشید ، کـرا چی : ۱۳٤٦ ، ص ۱۳۸ .
- تیمو رشاه درانـــی ، و کیلی‌فوفلزائی ، ج‌دوم، ۱۳٤٦،ص ٤۸٦

خان‌اعظم، موسوم به عزیز کوکه‌ابن شمس الدین .

ـ ریاض الشعراء، والهٔداغستانی‌روضة الخا، ص ۲۸۱ـ۲۸۲ .

خاوری هروی،

ـ سخن سرایـــان افغا نستان ،احمد جاوید ، کابـــل : ۱۳۳۵ھ ، ص ۱۲ .

ـ روز روشن ، محمد مظفرحسین‌صباء ، تهران : ۱۳۴۳، ص۲۳۸ .

ـ آریانا دایرة المعارف ، ج ۳ ،کابل : ۱۳۳۵ ، ص ۸۳ .

خردبلخی، میرمحمود خان‌الحسین(متوفاء ۱۱۶۱) .

مآثربلخ ، مولانا خسته ، نسخهٔ تایپی کتابخانهٔ عامه ، ص ۳۹۷ .

ـ تـذ کـرهٔ شعرای پنجاب ،عبدالرشید ، کـراچـی : ۱۳۴٦ ، ص ۱۳۹ .

ـ روز روشن. محمد مظفرحسین‌صباء ، تهران : ۱۳۴۲ ، ص۱۹۷ .

ـ فرهنگ سخنوران ، ص۱۸۷ .

خسروبلخی ، میر محمود خان

ـ سخن سرایـــان افغا نستان ،احمد جاوید، کابل: ۱۳۳۵ھ ، ص۱۲.

ـ روزروشن . محمدمظفر حسین‌صباء ، تهران: ۱۳۴۳ ، ص۲۳۸ .

ـ آریانا دایرة المعارف ، ج ۳ ، کابل : ۱۳۳۵ ، ص ۸۰۳ .

خلفی،هروی ، میرزا خلیل .

صحف ابـراهیم ، مولف : علـی ابراهیم‌خان خلیل، تصحیح وترتیب: عابد رضاء بیدار پتنه : ۱۹۸۱ع ،ص ۵۷ .

خلیل‌الله طالقانی

ـ ریاض العارفین . رضـــا قلی هدایت، تهران: ۱۳۰۵، ص ۷۳ .

ـ فرهنگ سخنوران ، خیامپور، ص ۱۹٦ .

ـ صحف ابراهیم ، علی ابراهیم‌خان خلیل ، عابد رضا بیدار ، پتنه: ۱۹۸۱ ع ، ص ۵۹ .

خوشحال خان ختك ۱۱۰۰

– سکینة الفضلا ، عبدالحکیم رستاقی ، ۱۳۵۰ه ، ص۴۳ .
– پشتا نه شعراء : عبدالحی حبیبی ، ج ۱ ، کابل : ۱۳۲۰ ص ۱۵۱ – ۱۶۹ .

خوشنود . محمد ارتضا علیخان، ۱۱۲۰ ه .

– شمع انجمن ، صدیق حسن ،۱۲۹۳ ، ص ۱۴۵ .

خیاط هروی ، طالب (در ۱۱۵۲) میز یست .

مقالات الشعراء ، میر علیشمیر قانع، کراچی: ۱۹۵۷، ص ۲۰۶

« د »

دارا هروی ، خواجه اسماعیل .

دیوان دارا به کوشش مایل هروی، درقرن ۱۲ هجری ، صفحهٔ ۷ .
– داوود مرزا داوود ، ۱۱۵۷ ه .
– تذکرهٔ فارسی گو شعرای اردو، عبدالروف عروج ، اکتوبر : ۱۹۷۱ .

درد خواجهٔ میر محمدی .

– فارسی گو شعرای اردو ،عبدالروف عروج ، اکتوبر : ۱۹۷۱ ، ص ۶۴ .
– تاریخ زبان وادبیات ایران درخارج ازایران عباس مهرین شوشتری ایران ۱۳۵۲ ص ۱۳۸
– شمع انجمن صدیق حسن ۱۲۹۳ص ۱۵۰
– مجمع الفصحا رضا قلیخان هدایت ، ۱۳۳۶ ج چهارم ص ۲۹۰
– روز روشن . محمد مظفر حسین صبا ، تهران : ۱۳۴۳ ص ۲۵۴

دردمند محمد فقیر

– فارسی گو شعرای اردو .عبدالروف عروج اکتوبر ۱۹۷۱ص ۲۰

درویش طالقانی ، عبدالمجید بن عبدالله (متوفاء ۱۱۸۵)

روز روشن . محمد مظفر حسین صباء تهران : ۱۳۴۳ ص ۲۵۹
– نتایج الافکار محمد قدرت الله گوپاموی بمبئی . ۱۳۳۶ ص ۶۶۹

دلسوز افغان

ـ سکینة‌الفضلا، عبدالحکیم‌رستاقی ۱۳۵۰ هـ ، ص ۷۴
دیده ، ترکمان مغول اغر خان

ـ شعرای کشمیر محمد اصلح‌میرزا ، چاؤل، ۱۳۴۶، ص ۲۴۶
ـ عقدثریا غلام همدانی مصحفی ص ۲۶
ـ فرهنگ سخنوران ، خیامپورص ۲۱۳
رازی علی قلیخان

« د »

ـ ریاض الشعرا واله داغستانی روضة الرا ص ۳۳۸
ـ آتشکده لطفعلی بیگ اذربیئی ۱۲۷۷ص ۴۲۴ ـ ۴۲۵
ـ عقدثریا، غلام‌همدانی مصحفی ص ۵۱ ـ ۵۲
ـ صبح گلشن . سیدعلی حسن‌هند ، ۱۱۹۰ ، ص ۳۶۷
ـ مجمع الفصحا، رضاقلی هدایت‌تهران : ۱۳۸۲
ـ فرهنگ سخنوران ، خیامپورص ۲۰۸
راسخ ، میر محمد زمان

ـ ریاض الشعرا، والهٔ داغستانی، روضة الرا ، ص ۳۳۸ .
ـ تذکرهٔ شعرای پنجاب ، خواجه‌عبدالرشید ، کراچی : ۱۳۴۶ ، ص ۱۵۳ .
راضی ، حسن الله خان مخاطب (متوفا ۱۱۴۰ ـ ۱۱۵۰) .

ـ روز روشن ، محمد مظفرحسین‌صبا ، تهران : ۱۳۴۳، ص ۲۸۱ .
راغب ، جعفر (متو لـد ۱۱۵۷ ـ متوفاء ۱۲۰۰)
نتایج الافکار ، محمد قدرت الله‌گوپاموی ، ص ص ۲۸۶ ـ ۲۸۷ .
راهب ، میرزا محمد جعفر (۱۱۱۸هـ)

- خزانهٔ عامره ، میرغلام علی‌آزادبلگرامی ، کانپور ، ص‌ص ۲۴۶ - ۲۴۷ .

- تذکرهٔ شعرای پنجاب ، خواجه‌عبدالرشید ، کراچی : ۱۳۴۶ ، ص ۱۵۵ .

رسا ، میرزا ایزد بخش .

- ریاض الشعرا، والهٔ داغستانی،روضة الرا ، ص ۳۴۸ .

ربیعای بلخی (ازشاگردان شوکت بخارایی) .

- روز روشن، محمد مظفر حسین‌صبا ، تهران : ۱۳۴۳، ص۲۳۸ .

- صحف ابراهیم ، مولف : علی‌ابراهیم خان خلیل، تصحیح وترتیب عابدرضا بیدار ، پتنه : ۱۹۸۱ع ،ص ۷۰ .

رضا، برنابادی، میرزا محمدرضا(متوفا ۱۱۴۲) .

- سخن سرایان افغا نستان ،احمدجاوید، کابل: ۱۳۳۴، ص۳۲ .

- آثار هرات ، افغان ، ج ۳ ،ص ۱ - ۲ .

- ریاض العارفین ، رضا قلی‌هدایت ،تهران : ۱۲۱۹،ص ۴۵۲.

- تیمورشاه درانی ، عزیز الدین‌وکیلی فوفلزائی ، ج ۲ ، ۱۳۴۶ ، ص ۴۹۶ .

- سفینهٔ خوشگو، پتنه: ۱۳۷۸هص ۱۸۳

رضای هروی (رضا علی شاه ازمریدان سید معصوم دکنی)

- ریاض العارفین ، رضا قلی‌هدایت، تهران: (۱۳۱۹، ص۲۶۰

رضا، شیخ محمد رضا سیستانی

- صحف ابراهیم علی ابراهیم‌خان خلیل عابد رضا بیدار پتنه : ۱۹۸۱ ع ص ۷۱

رفیع حسن بیگ

ـ شعرای کشمیر . محمداصلـح میرزا ج اول ۱۳٤٦ ص ۲۷٦ـ۲۸۸
رنگین (متوفا ۱۱۹۰)
ـ روز روشن . محمد مظفرحسین صبا تهران : ۱۳٤۳ ص ۳۱۳

((ز))

زاهد کابلی میر محمد زاهد

ـ سکینه الفضلا عبـــدا لـحکیم رستاقی ۱۳۵۰ هـ ، ص ۷٦ـ۷۷ .
زیب النسا بنت عالمگیر پـــاد شاه (متوفا ـ ۱۱۱۳)

ـ شمع انجمن، محمد مظفرحسین صبا، ۱۲۹۳، ص ۱۸۸
ـ تذکرة الخواتین . محمد ذهنی افندی، ترجمه از کتاب. **مشاهیرالنساء**
۱۳۰٦ ، ص ۱۳۹ .
ـ شعرای پنجاب ، ص ص ۱٦۸ ـ ۱٦۹ .
ـ زنان سخنور . علی اکبرمشیر سلیمی ، ج ۱ ، تهران : ۱۳۳۵ ،
ص ۲۲۸ .
ـ پرده نشینان سخنگوی، ما که رحمانی ، کابل : ۱۳۳۱ ، ص ٤۵ .
ـ مجلهٔ هنر ومردم ، معمای دیوان مخفی، ش ۱۷۲، تهران: ۱۵۳۵ ص ۳۷
ـ از رابعه تـــا پروین، تهران : ۱۳۳٤ .

((س))

ساطع ، ملا ابوالحسن (متوفا ـ ۱۱۵٦)

روز روشن . محمد مظفر حسین صبا، تهران: ۱۳٤۳، ص ۳٤۰
ساقی هروی

ـ سخن سرایان افغانستان، احمدجاوید، کابل: ۱۳۳٤ ، ص ۲۵ .
سالك ، صالح یارخان بلخی .

ـ باغ معانی ، مولف ، نقش علی، تصحیح وترتیب : عابد رضا بیدار،
پتنه : ص ۱۰۲ .
سرخوش هروی .

ـ فرهنگ سخنوران ، ص۲٦٥ .

سرشکی کابلی

ـ سخن‌سرایان افغانستان، احمدجاوید، کابل: ۱۳۳٤، ص ۲٤ .
ـ آریانا دایرة المعارف ، ج ۳ ،کابل : ۱۳۳٥ ، ص ۸۱۰ .
ـ آریانا، ش ۱۲ـ ص۲، ۱۳۲۳،ص ۲۳ .

سفیر ، عبدالنبی خان .

ـ روز روشن ، محمدمظفر حسین‌صبا ، تهران : ۱۳٤۲ ص ۳٥۹ .

سلامی هروی شاه محمد

ـ سخن سرایان افغانستان،احمدجاوید ، کابل : ۱۳۳٤ ، ص ۲٤ .
ـ آریانا دایرة المعارف ، ج ۳ ،کابل : ۱۳۳٥ ، ص ۸۰۰ .

سلطان خدیجه دختر حسن‌علیخان

ـ پرده نشینان سخنگوی ، ما که‌رحمانی ، ۱۳۳۱ ـ ش،ص‌ص ٤۹ ـ ٥۰ .

ـ زنان سخنور ، علی اکبرمشیرسلیمی ، ج‌اول، تهران : ۱۳۳٥ ، ص۲٥۰ .

ـ صبح گلشن ، سیدعلی حسن،هند: ۱۲۹٥، ۲۰٦ ـ ۲۰۷ .
ـ نتایج الافکار، محمد قدرت‌الله،بمبئی : ۱۳۳٦، ص ۳٥٦ـ۳٥۷.
ـ ریاض الشعراء، والۀداغستانی،روضة السین، ص‌ص ٤۰۳ ـ ٤۰۸

سلیم ، ملاسلیم (متوفا ـ ۱۱۱۰).

ـ مذکرالاصحاب . محمد بدیع‌ملیحای سمرقندی ، نسخهٔ خطی . محفوظ درکتابخانهٔ اکادمـــی علوم ،ص‌ص ۸۳ ـ ۸٤ .

سودا ، میرزا محمد رفـیع (۵۳) کابلی (متوفا ـ ۱۱۹٥)

سیادت میرزا جلال الدین

ـ ریاض الشعرا ، والۀ داغستانی(محفوظ درآرشیف ملی) ص ٤۰۰

ـ شعرای پنجاب . خواجه عبدالرشید ، کراچی : ۱۳۴۶ ، ص ص ۱۸۸ ـ ۱۹۰

سید میر سید علیخان سبزواری

ـ ریاض الشعراء، واله داغستانی، محفوظ درآرشیف ملی ، روضة السین ص ۴۰۰

ـ باغ معانی ، مولف : نقش علی، تصحیح و ترتیب : عابد رضابیدار. پتنه : ص ص ۸۰ ـ ۸۱

سید محمد بلخی

ـ سخن سرایان افغانستان. احمدجاوید ، کابل : ۱۳۳۴ ، ص ۲۸
ـ آریانا دایرة المعارف ، ج ۳ ، کابل : ۱۳۳۵ ، ص ۸۰۱
ـ تاریخ ادبیات افغانستان، صفا، ص ص ۳۱۵ ـ ۳۱۶

سیدا ، میر سید محمد متخلص به سیدا

ـ سخن سرایان افغانستان، احمدجاوید، کابل: ۱۳۳۴، ص ص ۳۶ـ۳۸
ـ سیدنعمت الله (متوفا ـ ۱۱۴۰ هـ)

ـ سرو آزاد ، غلام علی آزادبلگرامی، هند: ۱۱۶۶ ص ص، ۵۲ـ۵۳

« ش »

شاکر ، نواب آصفجاه ، نظام الملک (متوفا ـ ۱۱۶۱ هـ)

روز روشن ، محمد مظفر ، حسین صبا، تهران : ۱۳۴۳ ص ۳۸۹ .

شاه طبیب

ـ سرو آزاد . غلام علی آزادبلگرامی، هند: ۱۱۶۶، هـ ص ص ۵۳ـ ۵۴ .

شاه ولی الله

ـ تاریخ زبان وادبیات ایران درخارج ازایران ، تهران : ۱۳۵۲ ، ص ۱۲۸

شجاع الملک درانی

- تاریخ ادبیات افغانستان ، ابراهیم صفا ، ص ۳۱۹ .
- تیمورشاه درانی ، عزیز الدین وکیلی فوفلزائی ، ج دوم ، ص‌ص ۴۷۱ - ۴۷۲ .

شرر میرزا هادی (متوفا-۱۱۰۷)

- ریاض الشعراء والهٔ داغستانی ، روضة الشین ، ص ۱۱۰۷
- یادی ازرفتگان ، خسته ، کابل: ۱۳۴۴ ، ص ۱۷۲ .

شرف الدین فراهی

- آریانا دایرة المعارف ، ج ۳ ، کابل : ۱۳۳۵ ، ص ۸۰۰

شرف ، میرزا محمد شرف (متوفا-۱۱۰۴ در کابل)

- ریاض الشعراء والهٔ داغستانی ، روضة الشین ، ص ۴۳۹ .

شریفی اهلی

- ریاض الشعرا ، والهٔ داغستانی ، ص ۴۳۹

شکیب ، محمد علی (متوفا-۱۱۲۵)

- شمع انجمن ، صدیق حسن ، ۱۲۹۳ ، ص ۲۱۷ .

شهادت بلخی ، میرزا صالح (متوفا - ۱۱۵۰ هـ)

- سخن سرایان افغانستان ، احمدجاوید ، کابل : ۱۳۳۴ ، ص ۲۱ .
- تاریخ ادبیات افغانستان . ابراهیم صفا ، ص ۲۱۵ .
- باغ معانی ، نقش علی ، عابدرضا بیدار ، پتنه : ص ۱۱۴ .
- ریاض الشعراء ، والهٔ داغستانی ، روضة الشین ، ص ۴۶۷ .
- مآثر بلخ ، مولاناخسته ، نسخه تایپی کتابخانهٔ عامه ، ص ۴۵۱ .
- آریانا دایرة المعارف ، ج ۳ ، کابل : ۱۳۳۵ ، ص ۷۹۷ .
- صحف ابراهیم ، علی ابراهیم خان خلیل ، پتنه: ۱۹۸۱ع ، ص ۹۰ .

شهرت ، حکیم شیخ حسین ، (متوفا - ۱۱۴۹)

- ریاض الشعراء والهٔ داغستانی ، روضة الشین ص‌ص ۴۷۰ - ۴۷۱ .

شهلا بدخشانی ، سنگین بیگ

ـ سخن سرایان افغانستان.احمدجاوید ، کابل : ۱۳۳٤ ، ص ۲٤ .

شمس بدخشی .

ـ سخن سرایان افغانستان،احمدجاوید ، کابل : ۱۳۳٤ ، ص ۲۵

شهید ، میرغازی (۱۱۳۰هـ) .

ـ شمع انجمن ، صدیق حسن ،۱۲۹۳ ، ص ۲۳٤ .

شوقی محمد حسین ، فرزند ملاعبدالروف ، (۱۱۲۷) میزیست .

ـ مقالات الشعراء میرعلی‌شیر ،کراچی : ۱۹۵۷ ، ص ۳٤۷ .

شوکت بخارایی ، محمد اسحق .

ـ صحف ابراهیم ، علی ابراهیم.خان‌خلیل ، عابد رضا بیدار ، پتنه : ۱۹۸۱ ع ، ص ۸۳ ـ ۸٤ .

«ص»

صاحب ، حکیم کاظم

ـ ریاض الشعراء والۀ داغستانی،روضة الصفا ، ص ٤۸۷

صارمی ، احمد قلیخان .

ـ آثار هـرات ، افغان ، ج ۳ ،ص‌ص ۱۹٤ ـ ۲۰٤ .

صافی نور پوش .

ـ آریانا دایرة المعارف ، ج ۳ ،کابل : ۱۳۳۵ ، ص ۸۰۰ .

صالح بدخشانی

ـ سخن سرایان افغانستان،احمدجاوید ، کابل : ۱۳۳٤ ، ص ۲۵ .

ـ آریانا دایرة المعارف ، ج ۳ ،کابل ۱۳۳۵ ، ص ۸۰۰ .

صبحی، ملاعبدالله (متوفا ـ ۱۱۰۸)

- تذکرهٔ شعرای محترم ، نعمت‌الله محترم ، تصحیح اصغر جانفدا، ۱۹۷۵ ، ص ۲۰۲ .

صحبتی (متوفا ۱۱۲٤)

- ریاض الشعرا ، واله‌داغستانی،روضة الصاد ، ص ٤٨١ .

صفا ، ابراهیم

- شمع انجمن ، صدیق حسن ،۱۲۹۳ ، ص ۲٦۷ .

« ض »

ضاحك ، میر غلام حسین

- فارسی گو شعرای اردو ،عبدالروف. عروج : ۱۹۷۱، ص ٥٦۰

ضمیر ، سید هدایت الله خان ،۱۱٦۷ هـ .

- فارسی گو شعرای اردو ،عبدالروف عروج : ۱۹۷۱ ص ۱۹

ضیا ، میرزا عطا برهان پوری ،۱۱٤٤ هـ .

- فارسی گو شعرای اردو ،عبدالروف عروج ، ۱۹۷۱ ، ص ۱۰.

« ط »

طالب ، میرزا ابوطالب (متوفا ـ۱۱٦۹)

- **روز روشن ، محمد** مظفرحسین صبا تهران : ۱۳٤۳ ، ص ٤۹٤ .

طالع سبزواری ، میرعبدالعلی .

صحف ابراهیم ، مولف: علی ابراهیم خان خلیل ، تصحیح و ترتیب: عابدرضا بیدار ، پتنه : ۱۹۸۱ ع ،ص ۹۵ .

طاهر هروی

- سخن سرایان افغانستان،احمدجاوید،کابل: ۱۳۳٤ص‌ص، ۲٥ـ۲٦ .
- فرهنگ سخنوران ، خیا مپور، ۱۳٤۰ ، ص ۳٥۳ .

طاهر، مولوی محمدطاهر (متوفا ـ۱۱٤۳)

- **روز روشن** ، محمد مظفرحسین‌صبا ، تهران : ۱۳٤۳ ، ص ٤۹٦

طبعی سیستانی

ـ کمال الدین حسین
ـ آریانا دایرة المعارف ، ج ۳ ،کابل : ۱۳۳۵ ، ص ۸۰۱ .
طبیب میرزا عبدالباقی (متولد ـ ۱۱۷۰)

ـ مجمع الفصحا ، رضا قلیخا ن‌هدایت، ۱۳۳٦، ج‌پنجم، ص‌ص۷۱۹.
ـ روز روشن ، محمد مظفرحسین‌صبا ، تهران : ۱۳٤۳ ، ص ٤۹۹ .
طفیل، احمد (متوفا ـ ۱۱٦۱)

ـ شمع انجمن ، صدیق حسن ،ص‌ص ۲۸۰ .
طوفان ، میرزا طبیب (متوفـا ـ۱۱۹۰) .
ـ مجمع الفصحا ، رضا قلیخا ن‌هدایت ، ۱۳۳٦ ، ج پنجم، ص‌ص ۷۲۱ ـ ۷۲۲ .
طبیب،میرجواد ، (متوفا ـ۱۱۸۰)

روز روشن ، محمد مظفر حسین‌صبا ، تهران : ۱۳٤۳ ، ص ٥۰٤ .
طیری، محمد ربیع (متوفاـ۱۱٥۹)

ـ روز روشن ، محمد مظفرحسین‌صبا ، تهران : ۱۳٤۳ ، ص ٥۰٥
« ع »
عاجز بلخی عارف الدین خـــان(متوفا ـ ۱۱۷۸)

ـ نتایج الافکار ، محمدقدرت الله‌گوپاموی ، بمبئی : ۱۳۳٦ ، ص٤۹۹
ـ فــارسی گـــو شعرای اردو ،عبدالروف عروج ، ۱۹۷۱، ص۲۹ .
ـ سکینة الفضـــلا ، عبدالحکیم‌رستاقی ، ۱۳٥۰،ه ص ۸۸
ـ یادی ازرفتگان، خسته، ۱۳٤٤،ص ٦۷ ـ ۷۲ .
ـ شمع انجمن ، صدیق حسن ،۱۲۹۳ ، ص ۲۹٤ .
ـ مآثربلخ ، مولاناخسته ، نسخهٔ‌تایپی کتابخانهٔ عامه، ص ٤٦٥ .
ـ مجلهٔ آریانا ، ش۱۲ ، س۲ ،۱۳۲۳ ، ص ۲٤ .
ـ فرهنگ سخنوران ، خیامپور ،ص ۳٦٥ .

- عارف تالقانی، میرزا محمدعلی متخلص به عارف ، (۱۱۶۰ھ)

- سخن سرایان افغانستان ،احمدجاوید، کابل : ۱۳۳٤ ، ص ۳۰ .
- آریانا دایرة المعارف ، ج ۳ ،کابل : ۱۳۳۵ ، ص ۸۰۳ .
- تاریـــخ ادبیات افغا نستان ،ابراهیم صفا ، ص ۳۱۵ .

عاشق بدخشی ، محمد (متولـــد۱۱۳۱ھ ـ متوفا ۱۱۸۲ھ)

- سخن سرایان افغانستان،احمدجاوید، کابل:۱۳۳٤، ص‌ص۱۸ـ۱۹.
- آریانا دایرة المعارف ، ج ۳ ،کابل : ۱۳۳۵ ، ص ۸۰٤ .
- کابل ، ش۱۰، س۵ ، حمل :۱۲۱۵، ص‌ص ۳۹ ـ ٤۱ .

عاشق سیستانی

- سخن سرایان افغا نستا ن ،احمد جاوید ۳۱۵ .
- آریانا دایرة المعارف ، ج۳ ،کابل : ۱۳۳۵ ، ص ۸۰۱ .
- فرهنگ سخنوران ، خیامپور،ص ۳۷۰ .

عاقل ، هنرورخان

- خزانهٔ عامره ، میرغلام‌علی آزاد بلگرامی ، کانپور: ۱۸۷۱ ، ص۳٤۷.

عالم محمد مقبول خراسانی

- مقالات الشعرا میرعـــلی شیرقانع ، ۱۹۵۷ ، ص ۳۹٤ .

عایشهٔ افغان، (متوفاـ ۱۲۳۵)

- امان النسوان، فیض‌محمدخان، ۱۳۰٤، ج ٤ ، ص۷۸ .
- پرده نشینان سخنگوی ، ماکه‌رحمانی، کابل : ۱۳۳۱، ص ۵۳ .
- زنان سخنور ، علی‌اکبر مشیرسلیمی ، دفتر سوم، تهران: ۱۳۳۷، ص ۲۰۳ .
- دیوان عایشه ، به‌اهتمام منشی‌عبدالرزاق بیگ، کابل : ۱۳۰۵ق ، ص ٤۸۰ .
- شعرای وطن ، سرور ، نسیم‌سحر ، ش٤ ، ۱۳۰٦ .

ـ شاعرهٔ افغانستان ، گــو یــا اعتمادی ، کابل : ش ۱۲ ، س ۱ ، ۱۳۱۱ ، ص‌ص ۱٤ ـ ۱۷ .
ـ تاریخ ادبیات افغانستان، غبار، کابل : ۱۳۳۰ ص ۲۲۵ .
ـ یادی ازرفتگان ، خسته، کابل:۱۳٤٤ ، ص ۸۷ .
ـ عایشهٔ درانی ، فاروق فلاح ،ادب : ش٤ ، س۲۵ ، ۱۳۵٦ ،ص‌ص ۱۰۲ ـ ۱۱۰ .
ـ عایشه نکوهش گر ستم و بیداد، دکتور اسدالله حبیب ، مجلهٔ کهول، ش٤ ـ ۵ ، س۳. ۱۳۵۲، ودنباله آن مجلهٔ .
ـ جنبش غزلسرایی درعصر بیدل، ژوبل، ادب: ش۳ـ٤، س۱٦، ۱۳٤۷. ص‌ص ۱٦۳ ـ ۱٦۸ .
ـ عایشه ، شاعر شکوه وماتم ،حسین نایل ، مجلهٔ زنان افغانستان ، ش ۱۱ ، س ۲ ، ۱۳٦۱ از صفحه۲۸ به بعد .
ـ فرهنگ سخنوران ، خیامپور ،ص ۳۷٤ .

عبدالصمد

ـ روز روشن ، محمد مظفرحسین صبا ، تهران : ۱۳٤۳ ، ص ۵۲۵ .

عبدالله

ـ تیمورشاه درانی ، عزیز الدین وکیلی فوفلزائی ، ج۲ ، ص‌ص٤۷٦ـ ٤۸۰ .
ـ مقالات الشعراء ، میرعلی شیرقانع ، ۱۹۵۷ ، ص ۳۹۷ .

عبید بلخی ، خــواجــه عبید الله(متوفا ـ ۱۱۳۹ ﻫ)

ـ سخن سران افغانستان، احمدجاوید ، ۱۳۳٤ ص ۲۰ .
ـ آریانا دایرة المعارف ، ج ۳ ،کابل : ۱۳۳۵ ص ۷۹۷ .

عجیب سیدقریش (متوفا ـ ۱۱٤۰)

ـ شمع انجمن ، صدیق حسن ،۱۲۹۳ ، ص ۱ ؟ .

عصمت کابلی میرزا عصمت

- مجلهٔ آریانا ، ش،۷، س ۱٤ ،۱۳۳۵ ، ص‌ص ۲۵ ـ ۳۰ .

عرفان ، خواجه عبدالله .

- ریاض‌الشعراء، والهٔ‌داغستانی،روضة العین ، ص ٦۰۹ .

عزت شیخ عبدالله

- ریاض الشعراء ، روضة‌العین،ص ٦۰۹ .

عزلت ، میر عبدالولی

- فارسی کو شعرای اردو ،عبدالروف عروج ، ۱۹۷۱، ص٤۳ .

عسکر علی‌عسکر وصفی‌کابلی(٥٤)

- عاجز افغان ، حافظ نورمحمد ،کابل: ش۲، س٤، ۱۳۱۳، ص٥٨ .
- تاریخ ادبیات افغا نستا ن ،ابراهیم صفا ، ص ۳۲۳ .
- تیمورشاه درانی ، عزیز الدین‌وکیلی فوفلزائی، ج۲،کابل: ۱۳٤٦، ص ٤٨۷ ,

عشرت ، نظام الدین .

- سخن سرایان افغانستان،احمدجاوید ، ۱۳۳٤ ، ص ۲۸ .

«غ»

غالب شیخ‌اسدالله (متوفا_۱۱٦۳)

- شمع انجمن ، صدیق حسن ،۱۲۹۳ ، ص ۳٤۲ .
- ریاض العارفین ، رضاقلی خان‌هدایت ، تهران : ۱۳۱۹، س٤٦۹ ـ ٤۷۰ .

غبار هروی

- سخن سرایان افغانستان،احمدجاوید ، ۱۳۳٤ ، ص ۲٦ .
- آریانا دایرة المعارف ، ج ۳ ،کابل : ۱۳٤٨ ، ص ٥٦۳ .
- غریب ، سید کرم‌الله، (متوفا_۱۱٦۹) .
- شمع انجمن ، صدیق حسن ،۱۲۹۳ ، ص ۳٤۳ .

غلام نبی بن‌سید محمد باقـــــر(متوفا ـ ۱۱۶۳) .

ـ شمع انجمن ، صدیق حسن :(۱۲۹۳) ص‌ص۳۴۲ ـ ۳۴۳ .

غیاثی بدخشی ، میر غیاث الدین(متوفا ـ ۱۱۸۱ق)

ـ سخن سرایان افغانستان،احمدجاوید ، ۱۳۳۴ ، ص۱۶ ـ ۱۷ .
ـ آریانا دایرة المعارف ، ج ۳ ،کابل : ۱۳۳۵ ، ص ۸۰۳ .
ـ یـــادی از رفتگا ن ، خسته ،۱۳۴۴، ص‌ص۸۸ ـ ۸۹ .
ـ آریانا، ش۴ ـ س۱۴ ، ۱۳۳۵،ص‌ص ۹ ـ ۱۳ .

((ف))

فارغ سبزواری

ـ سخن سرایان افغانستان،احمدجاوید ، ۱۳۳۴ ، ص ۲۷ .
ـ آریانا دایرة المعارف ، ج ۳ ،کابل : ۱۳۳۵ ، ص ۵۶۳ .

فاقد هروی

ـ سخن سرایان افغانستان،احمدجاوید ، ۱۳۳۴ ، ص ۲۹ .

فانی بلخی

ـ تاریـخ ادبیات افغا نستا ن ،ابراهیم صفا ، ص ۳۱۴ .

فایض هروی (محمدفایض ۱۳۴۵)

ـ فرهنگ سخنوران ، خیامپور ،ص ۴۳۰ .

فایق بلخی مولوی سید خیرالدین(متولد ۱۱۸۸ ـ متوفا ۱۲۴۲) .

ـ نتایج الافکار . محمد قدرت‌الله گوپاموی، بمبئی، ص۵۵۰ ـ ۵۵۳ .
ـ مآثر بلخ ، مولانا خسته،نسخهٔ تایپی کتابخانهٔ عامه، ص ۴۸۹ .
ـ شمع انجمن ، صدیق حسن ،هند : ۱۲۹۳ ، ص۵۵۰ ـ ۵۵۳ .

فتح علیخان . (متوفا ـ ۱۱۳۴)

ـ ریاض‌الشعراء ، واله‌داغستانی،روضة الفاء ، ص ۷۱۳ ـ ۷۱۷
ـ فرهنگ سخنوران ص ۴۳۱

فتوای هروی

ـ سخن سرایان افغانستان،احمدجاوید ، کابل : ۱۳۳٤ ، ص۲۸ .
فراهی امام شرف الدین محمد

ـ سخن سرایان افغانستان،احمدجاوید ، کابل : ۱۳۳٤ ، ص ۲٤ .
فرخاری بدخشی ، محمد ابراهیم.

ـ سخن سرایان افغانستان،احمدجاوید ، کابل : ۱۳۳٤ ، ص ۱۰ .
فروغ میرزا محمد علی (متولـد ـ ۱۱٤۰)

ـ روز روشن ، محمد مظفرحسین صبا ، تهران : ۱۳٤۳ ، ص ٦۱۸ .
ـ ریاض الشعراء ، واله داغستانی، ص ۷۲۰ .
فروغی میرزا محمد واصل

ـ تاریـخ ادبیات افغا نستان ، صفا ، ۳۲٤ .
فرید الدین بلخی

ـ سخن سرایان افغانستان،احمدجاوید ، کابل : ۱۳۳٤ ، ص ۲۷ .
ـ آریانا دایرة المعارف ، ج ۳ ، کابل : ۱۳۳٥ ، ص ٥٦۳ .
فطـرت ، میرزا معز الدین محمد(متولد ۱۰٥۰ ـ متوفا ۱۱۰۱)

آتشکـدهٔ آذر ، لطیف علی بیک ابن آقاخان بیگدلی ، شاملو ، بـه کوشش حسن سادات ، ج،دوم ص ص ٤۹۱ ـ ٤۹٦ .
فقیر ، میرشمس الدین (تولد ـ در ۱۱۱٥)

ـ ریـاض الشعراء روضة الفا ،ص ۷۲۱ ـ ۷۳۱

ـ صحف ابراهیم ، مولف : علی ابراهیم خان خلیل، تصحیح و ترتیب: ازعابد رضا بیدار ، پتنه : ۱۹۸۱ ،ص ص ۱۱۸ ـ ۱۱۹ .

ـ ریـاض العارفین ، رضا قلـی هدایت ، تهران : ۱۳۱۹ ، ص۱۹۹.
ـ فـارسی گـو شعرای اردو ،عبدالروف عروج ، ۱۹۷۱ ، ص۳۰ .

ـ شمع انجمن ، صدیق حسن ،١٢٧٣، ص ٢٦٦.
ـ مثنوی واله وسلطان، میرشمس‌الدین فقیر دهلوی ، قسمت‌مقدمه .
فقیرالله جلال‌آبادی (متولد١١٠٠ـمتوفا ١١٩٥ه) .

ـ سکینة الفضلا ، عبدالحکیم‌رستاقی ، ١٣٥٠ه ، ص٤٧ـ٤٨ .
ـ آریانا ، ش‌اول، س٢٦، ١٣٤٦.
فیاض ، فیاض محمد .
ـ سخن سرایان افغانستان،احمدجاوید ، کابل : ١٣٣٤ ، ص ٢١ .
ـ آریانا دایرة المعارف ، ج ٣ ،کابل : ١٣٣٥ ، ص ٨٠٤ .
ـ سکینة الفضلا ، عبدالحکیم‌رستاقی ، ١٣٥٠ه ، ص ٩٣ .
فیضان ، آقا ابراهیم (متوفا ـ١١٤٤)

ـ شمع انجمن ، صدیق حسن ،١٢٩٣ ، ص ٣٦٦ .

«ق»

قانع ، سیستانی ، سید مرتضی.

ـ سفینهٔ خوشگو ، بندر ابن‌داس خوشگو ، پتنه : ١٣٧٨ ه .
ـ فرهنگ سخنوران، ص ٤٦٦ .
قادر غزنوی (شیخ عبدالقادرفرزند شیخ اولیاء)

ـ مرآة الخیال ، شیر علی لودی، بمبئی : ١٣٢٤ ، ص ٣٠٥ ـ ٣٠٦.
ـ شمع انجمن ، صدیق حسن ،هند : ١٢٩٣ ، ص ٣٨٧ .
ـ سفینهٔ خوشگو ، خوشگو ،ص ٤٦١ .
قبول ، مرزا عبدالغنی .

ـ شمع انجمن ، صدیق حسن ،١٢٩٣ ، ص ٣٣ .
ـ آریانا دایرة المعارف ، ج ٣ ،کابل : ١٣٣٥ ، ص ٧٩٧ .
ـ تاریخ ادبیات افغانستان ،ابراهیم صفا ، ص ٣١٢ .
قدرت ، محمد قدرت الله(متولدـ١١٩٩)

ـ شمع انجمن ، صدیق حسن ،١٢٩٣ ، ص ٢٩٢ .

قدرت ، منور خواجه (متوفا ـ ۱۱۷۰) .

ـ شعرای پنجاب ، ص‌ص ۲۹۴ ـ ۳۹۵ .

قریب ، میرزا حبیب الله بیگ ، (متوفا ـ ۱۱۸٤) .

ـ روز روشن ، محمد مظفرحسین‌صبا ، تهران : ۱۳٤۳ ، ص ٦٥۸ .

قطب فارسی ، (متوفا ـ ۱۱۷۳)

ـ ریاض العارفین . رضا قلی‌هدایت ، تهران : ۱۳۱۹ ، ص‌ص ٤۸۲ ـ ٤۸۳ .

ـ فرهنگ سخنوران ، خیامپور ، ص ٤۷۳ .

قلندر ، ملا قلندر

ـ یادی از رفتگان ، خسته ، کابل : ۱۳٤۲ ، ص ۹۸ .

قوام، میرقوام‌الدین محمد قزوینی (متوفا ـ ۱۱۵۰)

ـ ریاض الشعرا ، واله‌داغستانی، روضة القاف ، ص ۸۰۷ .

«ک»

کامل ، محمدعلی (متوفا ـ ۱۱۳۱ هـ)

ـ سخن سرایان افغانستان، احمدجاوید، کابل : ۱۳۳٤ ، ص ۱۹ ـ ۲۰.

ـ آریانا دایرة المعارف ، ج ۳ ، کابل : ۱۳۳۵ ، ص ۷۹۷ .

کاهی هروی

ـ سخن سرایان افغانستان، احمدجاوید ، کابل : ۱۳۳٤ ، ص ۲۸ .

ـ آریانا دایرة المعارف ، ج ۳ ، کابل : ۱۳۳۵ ، ص ۸۰۳ .

کبیر ـ افغان

ـ سخن سرایان افغانستان، احمدجاوید ، کابل : ۱۳۳٤ ، ص ۳۱ .

ـ آریانا دایرة المعارف ، ج ۳ ، کابل : ۱۳۳۵ ، ص ۸۰٤ .

ـ سکینة الفضلا ، عبدالحکیم رستاقی ، ۱۳۵۰ ، ص ۱۰۰ .

کریمی ، کریم الله

ـ سخن سرایان افغانستان،احمدجاوید ، کابل : ۱۳۳۴ ، ص ۳۱ .
ـ آریانا دایرة المعارف ، ج ۳ ،کابل : ۱۳۳۵ ، ص ۸۰۴ .
ـ سکینة الفضلا ، عبدالحکیم‌رستاقی ، ۱۳۵۰، ص‌ص۹۰ـ۹۶ .

کاظم، محمد کاظم هروی (۱۱۶۶ق)

دیوان تیمورشاه ، عزیز الدین‌وکیلی فوفلزائی ، ۱۳۵۶ ، ص۷۹ .

کمال الدین هروی

ـ سخن سرایان افغانستان،احمدجاوید ، کابل : ۱۳۳۴ ، ص۲۸ .
ـ آریانا دایرة المعارف ، ج ۳ ،کابل : ۱۳۳۵ ، ص ۸۰۱ .

کمائی سبز واری ، مولانا

ـ ریاض الشعرا، والۀداغستانی،ص ۸۶۰ .

«گ»

گرامی بدخشی ، میر عبدالرحمن(متوفا ـ ۱۱۲٤)

ـ روز روشن ، محمد مظفرحسین‌صبا ، تهران : ۱۳٤۳ ، ص٦۸۸ .
ـ شمع انجمن ، صدیق حسن ،۱۲۹۳ ، ص٤۰۸ .
ـ سخن سرایان افغانستان،احمدجاوید ، کابل : ۱۳۳٤ ، ص ۹ .
ـ تاریخ ادبیات افغا نستا ن ،ابراهیم صفا ، ص ۳۱۳ .

گلشن ، شیخ سعدالله گلشن(متوفا ـ ۱۱٤۵)

ـ ریاض الشعراء والۀداغستانی،روضة الکاف ، ص ۸٦٤ .
ـ روز روشن . محمد مظفرحسین‌صبا ، تهران: ۱۳٤۳ ، ص‌ص٦۹۰ـ ٦۹۱ .
ـ شمع انجمن . صدیق حسن ،۱۲۹۳ ، ص ٤۰۷ .
ـ سرخوش . محمد افضل ،لاهور: ۱۹۲۷ـ۱۹٤۲ ، ص ۹٦ .
ـ نتایج الافکار ، محمد قدرت‌الله‌گوپاموی ، بمبئی : ۱۳۳٦ ، ص‌ص ٦۰۸ ـ ٦۰۹ .

ـ ریاض العارفین ، رضا قلی‌هدایت ، تهران : ۱۳۱۹ ، ص‌ص ۲۱۱ ـ ۲۱۲ .

گنا بیگم

پرده نشینان سخنگوی ، ما که‌رحمانی ، ۱۳۳۱ ، ص ۵۱ .
ـ زنان سخنور ، خیامپور ،ص ٤۹۸ .

« ل »

لطف علیخان (متوفا ـ ۱۱۳۵)

ـ ریاض الشعراء، والۀداغستانی،روضةالام ، ص‌ص۸۷۵ ـ ۸۸۲ .
ـ صبح گلشن ، سیدعلی حسن،هند : ۱۲۹۵ ، ص ۳٥٤ .
ـ فرهنگ سخنوران ، خیامپور ،ص ۵۰۱ .

لقا ، فرخ لقا .

ـ پرده نشینان سخنگوی ، ما که‌رحمانی ، ۱۳۳۱ ، ص ٤۹ .
ـ زنان سخنور، علی اکبرسلیمی،ج‌دوم ، ص ۱۳۷ ـ ۱٥۲ .
ـ تذکرة الخواتین ، محمد ذهنی‌افندی ، ۱۳۰٦ ، ص ۱٦٦ .
ـ فرهنگ سخنوران ، خیامپور ،ص ۵۰۳ .

ماجد امیر الملك علی حسین خان‌بهادر (متوفا ـ ۱۲۱٦)

ـ شمع انجمن ، صدیق حسن ،۱۲۹۲ ق ص٤۱٥ .

« م »

ماهر ، میرزا محمد علی .

ـ ریاض الشعراء، والۀداغستانی،روضة المیم ، ص ۱ ـ ۵ .

مایل ، کابلی ، میرزا خان .

ـ تاریـخ ادبیات افغا نستا ن ،ابراهیم صفا ، ص ۳۲۲ .
ـ دیوان‌میرزاخان کابلی، آرشیف‌ملی ، ۸ ـ ۱۱۷ .
ـ عاجز افغان ، حافظ نورمحمد ،کابل : ش۲، س٤، ۱۳۳۱ .

- افغانستان ، بهروز ، کابل :۱۳۳٤ .
- آریانا دایرة المعارف ، ج ۳ ،کابل : ۱۳۳۵ ، ص ۳۰۳ .

مایل ، میرزا ابـو طالب (متولد۱۰۵۱ ـ متوفا ۱۱۳۰ هـ ، ق)

- سخن سرایان افغانستان،احمدجاوید ، ۱۳۳٤ ، ص ۵ـ٦ .
- آریـانا ، ش‌اول ، دورهٔ ۲٦ ،س۱۳٤٦ ، ص‌ص ۱۰۲ ـ ۱۰٤ .

مبتلا ، میرزا کاظم (متولد۱۱٤٤ـ متوفا ـ ۱۱۷٦) .

- روز روشن. محمد مظفر حسین‌صبا ، تهران : ۱۳٤۳ ، ص‌ص۷۰۷ـ ۷۰۸ .

متین ، میرزا عبدالرضا (متوفا ـ۱۱۷۵) .

- روز روشن . محمد مظفرحسین‌صبا ، تهران : ۱۳٤۳، ص ۷۱۰ .
- شمع انجمن ، صدیـق حسن ،۱۲۹۳ ق ، ص ٤۳۵ .

مجدت ، میرزا محمد ایوب(متوفاـ۱۱۵۳) .

- تاریـخ ادبیات افغا نستا ن ،ابراهیم صفا ، ص ۳۱۲ .

مجید تالقانی (متوفا ـ ۱۱۸۵)

- مجمع الفصحا . رضا قلیخا ن‌هدایت ، ج‌پنجم ، ۱۳۳٦، ص۹۳۱.

محمود کابلی ، ضیاء الدین .

- سکینة الفضلا ، عبـدالحکیم‌رستاقی ، ۱۳۵۰ ، ص‌ص۱۱۱ـ۱۱۳.

محمد علیخان

- ریاض الشعراء والهٔ‌داغستانی،روضة‌المیم ، ص‌ص۱۰۱۲ ـ ۱۰۱۵.

مختار ، سیف‌الملک(متوفاـ۱۲۱۸)

- شمع انجمن ، صدیـق حسن ،۱۲۹۳ ق ، ص ٤۱۵ .
- مخفی قندوزی ، قاری‌نورالدین .
- تاریخ ادبیا ت افغا نستا ن ،ابراهیم صفا ، ص ۳۱٤ .
- مخلص، غلام‌محی الدین (متوفاـ۱۲۲۹) .

- شمع انجمن ، صدیق حسن ،۱۲۹۳ ق ، ص ٤١٦ .
مسطور میرسید محمد بن سیداحمد (متوفا ـ ۱۱۵۸ه) .

- سروآزاد ، غلام علی آزاد ،بلگرامی،۱۱۶۶ه ، ص‌ص۱۰۲ـ۱۰۷
مسکین ، ملا .

- مجله‌ادب، ش٤، س۲۱، ۱۳۵۲ص‌ص ۷۸ ـ ۷۹ .
مشتاق میر سید علی (متوفا ـ ۱۱۷۰)

- روز روشن محمد مظفر حسین‌صبا ، تهران : ۱۳٤۳ ص۷۳۸ـ۷٤۰
مظهر جویباری قاضی یوسف

- مذکر الاصحاب ، محمد بدیع سمر قندی ، محفوظ در کتابخا نه اکادمی ، ص ١٤٤ .
- مظهر ، میرزا جان جانان(متوفا۱۱۹۵ یا ۱۱۹٤)
- فارسی گو شعر ای اردو ،عبدالروف عروج ، ۱۹۷۱ ص٤٧ .
- شمع انجمن . صدیق حسن ،۱۲۹۳ ، ص ٣٦ .
- سرو آزاد . غلام علی آزاد ،بلگرامی، ۱۱۶۶ه، ص‌ص۲۳۱ـ۲۳٤
- تیمور شاه درانی ، عزیز الدین‌وکیلی فوفلزائی، ج‌دوم، ص٤٨٥ ـ ٤٨٤ .

- فرهنگ سخنوران ، خیامپور،ص ۵۵۰ .
معجز افغان کابلی ، نظام الدین(متوفا ـ ۱۱۶۰)

- سخن سرایان افغانستان،احمدجاوید ، ص ۱۱۰ .
- صحف ابراهیم ، مولف : علی‌ابراهیم‌خان خلیل، تصحیح وترتیب: عابد رضا بیدار ، پتنه : ۱۹۸۱ ع ،ص ۱۲۳ .
- آریانا دایرة المعارف ، ج ۳ ،کابل : ۱۳۳۵ ، ص ۷۹۸ .
- شمع انجمن ، صدیق حسن ،۱۲۹۳ ، ص ٤٣٥ .
- روز روشن، محمدمظفر حسین،صبا . بهوپال : ۱۲۹۷ .

- فرهنگ سخنوران ، خیامپور،ص ۵۵۱ .

معزالله خان مهمند(متوفا-۱۱۶٤)

- دیوان معزالله مهمند، به‌اهتمام‌عزیزالدین ختك ، پشاور : ۱۱۵۹، ص‌ص ۳ - ۳۹ .

مفید بلخی

- ریاض الشعراء والهٔداغستانی ،روضة المیم ، ص ۱۰۱٦ .
- تذکرهٔ شعرای نصر آبادی ،تهران : ۱۳۱۷ ، ص ٤٤۱ .
- شمع انجمن ، صدیق حسن ،هند : ۱۲۹۳ ، ص ۵۵۸ .
- روز روشن ، محمد مظفرحسین‌صبا ، تهران : ۱۳٤۳ ، ص ٦٤۲ - ٦٤٤ .
- کلمات الشعرا ، محمد افضل‌سرخوش، لاهور : ۱۹٤۲، ص۱۰۸.
- نتایج الافکار ، محمد قدرت‌الله‌گو پا موی ، بمبئی : ۱۳۳٦ ، ص ٦٤٤ - ٦٤٦ .

مسکین ، میرزا محمد فاخر(متوفا - ۱۲۳۰)

- شمع انجمن ، صدیق حسن ،۱۲۹۳ ، ص ٤۱۷ .

ملاحمید ، منجم هروی .

- آریانا دایرة المعارف ، ج ۳ ،کابل : ۱۳۳٤ ،ص ۲۹۵ .
- ملا عبدالرحیم ، افغان بلخی(۱۱٦۲)

- نسخهٔ خطی دیوان املا، به‌قیدشمارهٔ ٦٦۸ دردوشنبه، ص‌ص ٤۰٤ - ۸۲۱ .

ملولی

- زنان سخنور . علی اکبرمشیرسلیمی ، ج‌دوم، ۱۳۳۵ ، ص۲۰۷ .
- ممنون افغان، تاج الدین (متوفا-۱۱۵۰)

- سخن سرایان افغانستان،احمدجاوید ، ۱۳۳٤ - ۱۳۳۵هـ ، ص۷ .

ـ سکینة الفضلا ، عبدا لحکیم رستاقی ، ۱۳۵۰ ه ، ص ۱۰۶ .
منجم هر وی ، سخن سر ا یان افغانستان . احمد جاوید ، ۱۳۳۴ ـ ۱۳۳۵ ه ، ص ۲۲ .
مولوی سیستانی حاجی احمد

ـ سخن سرایان افغانستان.احمدجاوید ، ۱۳۳۴ ـ ۱۳۳۵ ، ص ۲۳ .
مهدی ، میرزا محمد (متوفا ـ۱۱۲۵)

ـ ریاض الشعراء ، والهٔداغستانی،روضة المیم ، ص‌ص۱۰۱۰ـ۱۰۱۱ .
مهربان ، میر عبدالقادر متوفا ـ۱۲۰۴)

ـ روز روشن. محمد مظفرحسین،صبا،تهران: ۱۳۴۳، ص۷۸۰ـ۷۸۱.
ـ شمع انجمن . صدیق حسن،۱۲۹۳ ، ص ۴۱۴ .
ـ مردم دیده ، عبدالحکیم حاکم،لاهور : ۱۹۶۱ م ، ص ۱۸۷ .
میر حمدی سیستانی

ـ سخن سرایان افغانستان،احمدجاوید ، ۱۳۳۴ ـ ۱۳۳۵ه ، ص۲۳.
ـ آریانا دایرة المعارف ، ج ۳ ،۱۳۳۵ ، ص ۷۹۹ .
میر رازی هروی

ـ آریانا دایرة المعارف ، ج ۳ ،ص ۷۹۹ .
ـ میر منیر مفتی

ـ مآثربلخ. مولاناخسته ،ص۵۳۱.
ـ میرزا ابوالفتح (متوالد ۱۰۲۲ ـمتوفا ـ ۱۱۱۴)
ـ نسخهٔ خطی محمد رضا خا ن‌برنابادی ، محفوظ دراکادمی علو م افغانستان ، ص ۸۱ .
میرزا کامل (متوفا ـ ۱۱۳۱)

ـ تاریـخ ادبیات افغا نستا ن ،ابراهیم صفا ص‌ص ۳۱۳ـ۳۱۴

میرزا طاهر (متوفا ـ ۱۱۱۲)

ـ تذکرهٔ نصر آبادی، میرزا محمدطاهر، تهران : ۱۳۱۷ص‌ص۱۷ـ۲۰

میر عبدالجلیل (متوفا ـ ۱۱۱۷)

ـ خزانه عامره . میرغلام علی‌آزادبلگرامی کانپور ، ۱۸۷۱ص‌ص۳۵۲ـ ۳۵۳ .

«ن»

ناجی آقا محمد حسین (متوفا ـ۱۱٦٦ هـ)

ـ روز روشن، محمد مظفر حسین‌صبا، تهران: ۱۲٤۳، ص‌ص ۷۹۳ ـ ۷۹٤

ناظم هراتی

ـ نتایج الافکار ، محمد قدرت‌الله گوپاموی، بمبئی: ۱۳۳٦ ـ ص۷۲۲.
ـ ادب ، ش۵ـ٦ ، س ۱۳۵۲ ، ص ۸۳ .
ـ تاریخ ادبیات‌افغانستان درعصر گورگانی هند، حبیبی، ص ۳۱۱ .
ـ تذکرهٔ سرخوش ، محمدافضل، باهتمام حافظ محمد عالم ، لاهور : ۱۹۲۷ ـ ص ۱۱۳ .
ـ روز روشن ، مظفر حسین‌صبا، تهران : ۱۳۱۷ ، ص ۷۹۷ .
ـ آریانا دایرة المعارف ، ج ۳ ، کابل : ۱۳۳۵ ، ص ۵۵٤ .
ـ تاریخ ادبیات افغانستان، صفاودیگران (پنج‌استاد) کابل: ۱۳۳۰ ، ص ۳۰٤ .
ـ سروآزاد.غلام‌علی آزادبلگرامی، ۱۹۱۳ ، ص ۱۰۵ .
ـ آتشکدهٔ آذر ، لطف علی بیگ‌آذر، ج۲، تهران: ۱۳۳۸، ص ۷۷٤.
ـ شمع انجمن ، سید صد یق‌حسن ، ص ٤۹۵ .
ـ نصر آبادی طاهر نصرآبادی ،ص ۳۳۰ .
مرآة الخیال، شیرعلی خان‌لودی، بمبئی: ۱۳٤٤ ـ ص ۳۳۰ .
ـ تذکرهٔ حسینی، دوست‌سنبهلی،ص ۳۵٦ .

فاقد هروی

ـ آریانا دایرة المعارف ، ج ۳ ،کابل : ۱۳۳۵ ، ص ۸۰۲ .

ندیمی بدخشانی

ـ سخن سرا یـان افغا نستا ن ،احمد جاوید ، ص ۲۹ .

نورالله هروی

ـ سخن سرایان افغانستان،احمدجاوید، ۱۳۳۴ـ۱۳۳۵ه، ص۲۸ـ۲۹.

نیازی بلخی

ـ سخن سرایان افغانستان،احمد جاوید، ۱۳۳۴ـ۱۳۳۵ه ، ص ۲۹ .
ـ آریانا دایرة المعارف ، ج ۳ ،کابل : ۱۳۳۵ ، ص ۸۰۲ .
ـ یـادی از رفتگـان ، خسته ،۱۳۴۴ ، ص ۱۳۹ ـ ۱۴۰ .
ـ مغزن الغرایب ، شیخ احمدعلی‌خان، لاهور: ۱۹۶۸، ص ۲۲۴ .

«و»

واحد میرعبدالواحد (متوفاـ۱۱۳۴)

واقف (۵۵) لاهوری ، تایپ‌بیگ(متوفا ـ ۱۱۹۵ق)

سخن سرا یان افغا نستان احمدجاوید ، ۱۳۳۴ ـ ۱۳۳۵ه ، ص۳۹.
ـ روز روشن ، محمد مظفرحسین‌صبا، تهران: ۱۳۴۳، ص‌ص۸۶۹ ـ ۸۸۵ .
ـ تیمور شاه درانی ، عزیز الدین‌وکیلی فو فلزائی ، ج ۲ ، ۱۳۴۶ ، ص ۴۱۵ .
ـ خزانه عامره ، آزاد بلگرامـی ،کانپور : ۱۸۷۱ ص ۴۵۰ .
ـ سفینهٔ خوشگو ، بندر ابن داس‌خوشگو ، پتنه : ۱۳۷۸ ، ص۲۸۵ .
ـ نتایج‌الافکار ، محمد قدرت‌الله، بمبئی : ۱۳۳۶ ـ ص۷۵۷ .
ـ دیوان تیمور شاه . عزیز الدین‌وکیلی فوفلزانی ، کابل : ۱۳۵۶ ، ص ۳۴ ـ ۳۵ .

ـ فرهنگ سخنوران ، خیامپور ،ص ٦٤١ .
ـ مجمع النفایس ، سراج الدین‌علی خانٔ آرزو ، عابد رضا بیدار ، پتنه : ص ٨٥ ـ ٨٦ .

ـ والهٔ هروی

ـ کلمات الشعراء ، محمد افضل سرخوش، لاهور : ١٩٤٢، ص١٢٤.
ـ صحف ابراهیم . مولف : علی‌ابراهیم خان‌خلیل ، عابد رضابیدار، پتنه : ١٩٨١ ع ، ص ١٣٦ .
ـ سفینهٔ خوشگو ، خوشگو ،حرف و .
ـ روز روشن ، صبا ، بهوپال :١٢٩٧ ، ص ٧٤٧ ـ ٧٤٨ .

والهٔ داغستانی (متوفا ـ ١١٧٠)

ـ شمع انجمن . صدیق حسن ،١٢٩٢ ، ص ٤٣ .
ـ مجمع الفصحا ، رضا قلیخان هدایت، چ‌ششم، ١٣٣٦، ص١١٥٣.
ـ تاریخ زبان وادبیات ایران درخارج از ایران ، عباس مهرین شوشتری. ایران : ١٣٥٢، ص١٣٢.
ـ خزانهٔ عامره ، میر غلام‌علی‌آزاد بلگرامی، کانپور : ١٨٧١، ص٤٥٠ـ ٤٥٦ .
ـ سفینهٔ خوشگو ، بندر ابن‌داس‌خوشگو، پتنه : ١٣٧٨ه ، ص٢٩٣ـ ٢٩٤
ـ فرهنگ سخنوران ، خیامپور ،ص ٦٤٢ .
ـ نتایج الافکار ، محمد قدرت‌الله بمبئی : ١٣٣٦ ص‌ص٧٥٠ـ ٧٥٦ .
ـ ریاض العار فین ، رضا قلی‌هدایت، تهران: ١٣١٩، ص٢٦٣ .
ـ ریاض الشعراء ،والهٔداغستانی،روضة الواو ، ص ١١٨٩ .
ـ شعرای پنجاب . سر هنگ‌خواجه عبدالرشید ، کراچی: ١٣٤٦، ص ٣٨٨ ـ ٣٩١ .
ـ عقد ثریا، تذکرهٔ فارسی‌گویان،تالیف : غلام همدانی، به‌قلم خسته، ١١٩٦ ، ص‌ص ٧٤ ـ ٧٥ .

وامق بلخی

ـ فرهنگ سخنوران ، ص ٦٤٢ .

واهب میرزا حسن (متوفا ـ ۱۱۲۸)

ـ ریاض‌الشعراء ، واله‌داغستانی،ص‌ص ١١٤٤ ـ ١١٤٥ .

وجهی هروی

ـ ریاض‌الشعراء ، واله‌داغستانی،ص ۱۰۸۰ .

وحدت ، شیخ عبدالاحد (متوفا ـ ۱۱۲٦)

ـ روز روشن ، محمد مظفرحسین‌صبا، تهران: ۱۳٤۳، ص ۸۹٤ .

وصفی کابلی ، علی نقی .

ـ دیوان وصفی(بامنتخبی ازاشعارشا عران دیگر) نسخهٔ دستنو یس متعلق بـه کتابخانهٔ پوهاند دوکتورجاوید (٥٦)

ـ عاجز افغان ، حافظ نور محمد، کابل: ش۳، س٤، ۱۳۱۳ .

ـ تاریخ ادبیات ، غبار ، کابل :۱۳۳۰ ، ص ۳۲۳ .

ـ افغانستان بهروز کابل ۱۳۳٤

ـ آریانا دایرة المعارف ، ج ٦ ، کابل : ۱۳۳٥ ، ص ۳٤۲ .

وفـــا مرزا شرف الدین علی ،منرلد : ۱۱۳۷هـ

ـ ریاض‌الشعراء ، واله‌داغستانی،ص‌ص ١١٤٩ ـ ١١٥١ .

ـ عقدثریا، تذکرهٔ فارسی گویان‌ـ تالیف : غلام‌همدانی مصحفی، به‌قلم خسته ، ۱۱۹۹ ، ص ۷۲ .

وفازمینداوری، میرزا ابراهیم .

ـ سخن سرایان افغانستان،احمدجاوید ۱۳۳٤ـ۱۳۳٥هـ ، ص۳۰ .

ـ آریانا دایرة المعارف ، ج ۳ ،ص ۸۰۲ .

ـ صحف ابراهیم ، علی ابـراهیم‌خان خلیل، پتنه: ۱۹۸۱ ، ص۱۲٥ .

وفـــا ، آقا محمد امین (متوفا ـ ۱۱۹۳)

ـ شمع انجمن ، صدیـق حسن ،۱۲۹۳ ، ص ۵۱۹ .

ولدی هروی ، میرولدی

ـ سخن سرایان افغانستان،احمدجاوید، ۱۳۳٤ـ۱۳۳۵هـ ، ص ۲۳ .

والی ، ولی محمد (متولد ۱۱٦۸ ـ متوفا ـ ۱۲۸۸)

ـ یـادی از رفتگان ، خسته ،۱۳٤٤ ، ص ۱٤۷ ـ ۱٤۸ .

«هـ»

همت بدخشی (۱۱۱۲ ـ ۱۰۹۲)

ـ کلمات الشعراء ، محمد افضل سرخوش، لاهور: ۱۹٤۲ ـ ص۱۲۵.

ـ صبح گلشن، علی حسن، هند: ۱۲۹۵ ، ص ٦۰۸ .

ـ روز روشن . محمد مظفرحسین صبا، بهوپال : ۱۲۹۷، ص۷۸۷ .

ـ شمع انجمن صدیق حسن هند: ۱۳۹۳ ص ۵۳۰ .

ـ خزانهٔ عامره ، غلام علی آزاد بلگرامی، کانپور: ۱۱۷٦، ص ۱۷۷.

«ی»

یکتا بلخی

ـ نصر آبادی، میرزا محمد طاهر نصرآبادی تهران: ۱۳۱۷ ص ٤٤۱.

ـ دایرة المعارف، ج۳، ص۵۵۰.

ـ سفینهٔ خوشگو ، بندر ابن داس، ص ۱۹۰ .

ـ افغانستان درعصر گور گانـی هند ، حبیبی ، ص ۳۲۲ .

ـ صحف ابـراهیم ، علی ابراهیم خـان خلیل ، عابد رضا بیدار ، پتنه : ۱۹۸۱ ع ، ص ۱۳۹ .

یحیی ، شیخ محمد یحیی (متوفا ـ ۱۱٤٤)

ـ روز روشن ، محمد مظفرحسین صبا، تهران: ۱۳٤۳، ص ۹٤۱ .

ـ ریاض الشعراء ، والهٔ داغستانی، ص ۱۱۸٦ .

یوسف بلخی (متوفا ـ ۱۱۸۱هـ)

- سخن سرایان افغانستان،احمدجاوید، ۱۳۳٤ ، ص ۳۱_۳۲ .
- تذکــرۀ مطربی ، حرف ی ،نقطۀ اول ، مکرو فلم درآرشیف‌ملی، ج_د_ا .
- نصر آبادی ، طاهر نصرآبادی،ص ٤۷۰ .

یوسفه ، محمد یوسف

- آریانا دایرة المعارف ، ج ۳ ،کابل : ۱۳٤۸ ، ص ۸۰۵ .
- مآثــر بلخ ، مولانــا خسته ،ص ۵۷٦ .
- تیمور شاه درانی ، عزیزالدین‌وکیلی فوفلزائی، ج۲، ص٤۸۹ .

نتیجه

تاریخ ادبیات سده های اخیر ازنگاه نزدیکی‌وقت هرچند به‌نظرآسان وساده می نماید ولی ازلحاظ تشتت‌وپراگنده گی مآخذ تاحدی دشوار است . زیرا سدهٔ دوازدهم هجری قمری (هژدهم میلادی) درکشور ما از لحاظ سیاسی واجتماعی دوره‌نسبتاً آشفته وبی‌سامان تاریخ‌کشور دانسته می‌شود ودرمیان دوانجام‌این‌سده یعنی دربین سالهای (۱۱۰۱ ـ ۱۲۰۰) هجری قمری سرزمین ادب‌خیز وهنر پرور ماعرصه تاخت وتاز ومیدان کشمکش خانواده ها وطایفه‌های برسراقتدار چون هوتکی ها ابدالی ها غلجایی‌ها وسدو زایی هاواقع بوده است .

باوجود همه این آشفته حالی‌وبی‌سامانی وضع اجتماعی اقتصادی و فترت ادبی وعدم اعتنا وتوجه‌اختیارمندان وزور مندان به‌مساله فرهنگ وادب این سرزمین عده‌یی را سراغ‌داریم که به‌این امر بزرگ ومبرم توجه داشتند وبرای آفرینش وخلق‌آثار ادبی ازهرمجال وفرصتی سود میگرفتند ونگهداری وحفظ مواریث‌اسلاف وپدران وگذشتگان را برخود واجب می‌دانستندوبرای بقاوجاویدان‌ماندن این گنجینه های فرهنگی می‌کوشیدند ونمی گذاشتند که‌درحلقه ارتباط تاریخ ادبیات این مرز

وبوم گسیخته گـی وزکودی مواجه گردد .
دربررسی کـه درصفحات پیشترصورت گرفت به‌این نتیجه متوصـل می‌شویم که درطول این سده‌درحدود(۲۹۹) شاعر سرود گر واهل‌دانش وفضل بسر برده است . کـه همه‌باایجادگری وخلق آثار ادبی‌وقریحت هنری خویش توانستندآثار واشعاری‌ازخود ماندگار مانند وچراغ ادبیات این سده‌را تاحدی روشن نگاه‌دارند،ونهال ادبیات این کشور را کـه باآشفته حالی اوضاع به‌بی‌باری وبی‌برگی مواجه بود ، تاحدی تازه‌وپربار نگاه دارند اما این‌مسأله را نمی‌توان‌ازنظر دور داشت که به‌علت عـدم امکانات وشرایط لازم رشدوپرورش‌اهل‌ادب وبینش آثار ودست‌آوردهای این آفرینشگران ادبی ازتوانایی‌بیان‌وهنر زمانی کمتر پایه ومایه‌یـی را نصیب شده است وآن پخته‌گـی وپرباری کـه درآثار شعرای عصر تیموری وقبل ازان دیده مـی شوددراین دوره کمتر جلوه‌گـر است . اما برای تاریخ ادبیات یـک کشوروبرای پیوند وتسلسل آن باید آثار شاعران برجسته وصاحب آثار زیادبایکعده سخنسرا یانی کـه کمتر صاحب آثار اند حتی یـک‌دو قطعه‌شعر ازآنها باقی است. نباید ازنظر دور داشت . زیرا هرکدام درجایـی‌خویش آن اهمیتی را دارد که بـه تاریخ (۱۷ ـ ۲۱) اپریل ۱۹۸۲ درانستیتوت خاور شناسی فرهنگستان علوم اتحاد شوروی درشهر مسکو، سمپوزیمی درموضوع تدوین وتهیهٔ «دایرة المعارف ادبیات فارسی» بـه‌همکاری موسسه یونسکو بـر گزار گردیده بود . البته دراین سمپوزیم‌نیز مطالب سودمندی پیرامون‌ادبیات وتدوین یک‌دایـرة المعارف جامـع‌ازسخنسرایان این زبان بدون توجه به‌چگونگی شخصیت شاعران‌وارزش‌آثار آنان وتهیه وشناسایی تمامیت مدارک واسناد دراین زمینه ، به‌میان‌آورده شد .
دربیانیهٔ اصلی سمپوزیم سخنانی‌درخور توجه درچگونگی شنا خـت شاعران وآثار آنان وجود دارد کـه‌بااین‌اثر ونتیجه ارتباط زیادمیرساند وبنابرین قسمت هایی ازآن دراینجابه‌نقل گرفته میشود :

« ... اشتباه نسبتاً متداولی‌وجوددارد وآن‌این است که‌به‌جای بررسی تمام روند ادبیِ درمقطع تاریخی ،فقط خلاقیت برجسته ترین نماینده‌گان ادبیات که ازآنها به‌عنوان سرآمداقران یاد میشود ، مورد تحقیق و بررسی قرار میگیرد . درنتیجه‌چنین‌برخوردی تصور اشتباه آمیزی‌درباره یکنوع رشد منظم وجهش آسای‌ادبیات به‌وجود می‌آید وحال آنکه ادبیات شامل‌روند بلاانقطاع‌وپیگیری‌است که خلاقیت تمام آفریننده گان آنرا دربر میگیرد درآثار نوابع‌ایده‌هاواندیشه ها ژانر ها فورمها وابرار توصیف به‌خودی خود بـه وجودنمی‌آید بلکه ازطریق بهره بـرداری ازدست آورد هـای شاعران متقدم‌ویااحراز برتری نسبت بـه آنـها تحصیل میگردد .

بدین جهت به‌عقیدهٔ ما آن عدهٔ کثیر شاعران ونویسنده گان کـم شهرت وگاهی تقریباً نامعلوم راکه‌آثار شکوهمند هـریـك از ادبیات ملی روی استخوا نـهـا ی آنـهابو جود آمده است، نباید بـه‌طاق نسیان سپرد ، نه‌فقط بـه خاطر عدل‌وداد تاریخی ، بلکه مقدم برهمه به خاطر بررسی واقعاً علمی وهمه‌جانبهٔ‌این مساله‌به‌عنوان سیستمی یکپارچه که اجزای آن‌دارای روابـط بغرنجی‌باتاثیر پذیری و خلاقیت ونو آوری میباشد . نباید این مساله را ازنظر بـدور داشت ، عـده یـی ازاین سخنسرایان دراثر بدحادثه تن بـه‌غربت داده وبه‌سرزمین هـای دیگر فرار نموده اند . ازعده‌یی هم یاآثارزیاد برجا نمانده وشماری که‌صاحب دیوان هستند وآثار برجسته ازخودبه‌یادگار مانده اند ، این آثار دراثر خرابی وناهمگونی اوضاع یا ازبین‌رفته وازتعدادی دیگر درپـردهٔ خفا وفراموشی ویـادرتصرف اشخاص‌محفوظ باشد که‌دسترسی به‌همهٔ این منابع وبه‌شناخت آوردن این‌همه آثاربه‌سادگی میسر نیست وحتی مقدور می‌نماید وبـه‌علت این ازمیان روی‌ونابردی آثار هویت ونشان شماری ازپدید آورنده گان آنها نیز درهالهٔ‌نیستی پوشیده مانـده است وآنچه امروز ازان همه گفته‌ها ونوشته هـادردسترس اسـت بخشی وقسمتی

ازیک میراث عظیم وپربها ست .

درمیان آنانیکه تمامیت یابیشترآثار شان ازآسیب روزگار درامان مانده است چهره های در خشان ونامهای ماندگاری هم دیده میشوند که نام وکار شان ادب زمان را رنگینی میدهد وآبرو میبخشد . اینها چهره های واقعی ادب سدهٔ دواز دهم میتوانند باشند ازسربرآورده گان این سده میتوان ازبیدل ، واقف لاهوری ، غیاثی بد خشی ارشد برنابادی ، دارا هروی ، شهاب ترشیزی ثم هروی ،حزین لاهیجی، املای بلخی ، ولی طواف ، عاجز ،مبرهوتك افغان ، تیمورشاه درانی ، عایشه درانی، حاجی صاحب پایمنار،آشفته کنا بلی ، احمدشاه درانی ، فقیر اله جلال آبادی وعده دیگرمیتوان نام برد .

شماری ازادیبان ونگارنده گان تاریخ ادبیات براین نظراند که آن عده ازسخن سرایان و گوینده گانکه گفته های شان ازاستحکام وهنر زبانی بیشتر بهره‌مندی نداردو کمیت سروده های شان توجهی برنمی ـ انگیزد ، نیازی نخواهد . بود کـه درتاریخ ادب عهد خود جایی داشته باشند ومورد شناسایی قراربگیرند.

بـه اساس همین نـظر و اعتقاددرتاریخهای ادبیات نیزکه تاکنون به نگارش درآمده انـد شمار زیادی ازسخن پردازان که آثار کمتری ازآنان دردست است وشهرت لازم را ندارندراهی وجایی نیافته‌اند اماتذکره نگاران غالباً بدین اعتقاد پابندی نشان نداده، هرگوینده یی را که سراغ گرفته‌اند باوصف کم شهرتی وسستی گفتاردرکتابهای خود شامل گردانیده‌اند .

مسلماً همه کسانیکه گامهایی درراه ایجاد آثار ادبی برداشته‌اند ، اگـر هم آفریده هـای شان ازنظر ادب پژوهان قابل اعتنا دانسته نشود به سبب اینکه ازادب وفرهنگ روزگارمعین وشرایط مشخص نماینده گی میکنند وپیامهایی ازدوره خود را به‌زمانه های بعد تر بازتاب میدهند ودرین پیامها سایـه روشنهایی ازحقایق ولحظه‌های زودگذر به‌مشاهده می‌آیند ، **نباید از یاد وشناخت آنان** اعراض به‌وجود آید .

ادبیات دری درسـده دوازدهـم‌هجری قمری خلاف گفتهٔ یکعده کسان که‌این دوره را ازنظر دور داشته‌اندوارزش قابل ملاحظه یی را به‌آن‌قایل نیستند ونادیده می‌گیرند . و ایـن‌دوره را درخـور پژوهش وتحقیق نمی‌شمارند خلاف پندار وگفتار آنان‌ازروی تحقیق وبررسی قابل التفات وتوجه بوده است این کار گرچـه‌درظاهر ساده وکـم می‌نمایـد امـا کاریست تازه ومبرم . البته ایـن نوشته‌نخستین گامیست برای‌نگارش تاریخ ادبیات ایـن سده کـه توسط‌نویسنده این نوشته به‌رشته تحریر درآورده شده است . زیـرا نبودن‌منابع مشخص وموجود دراین زمینه مشکلات زیادی را برای پژوهشگر ایجاد می‌نمایدامادراثر تلاش‌وکوشش در حدود (۲۹۹) شاعر وادیب سده‌دوازدهم هجری قمری دراین مجموعه به‌ترتیب الفبایی وباتمام ماخذ وسرچشمه های موجود درباره این دوره نگاشته شده است .

البته میتوان ادعا کرد که اگر این‌پژوهش بیشتر ادامه‌یابد وبه‌آرشیف ها وکتابخانه های دیگر که درداخل‌وخارج وجود دارد دسترسی میسر گردد ازین‌مردان‌ادب وسخن‌وفضیلت‌شناخته خواهندشد وامکانات بیشتر برای تدوین تاریخ ادبیات این سده‌که‌فصلی ازتاریخ ادبیات‌هزارودوصد سالهٔ وطن ماست به‌میان خواهد آمدو‌زمینه نگارش تاریخ‌ادبیات ایـن سده فراهم خواهد شد و نکتهٔ قابل‌توجه اینکه رساله حاضر بـه هدف سمپوزیم مسکو درزمینه تـدویـن‌دایرة المعارف ادبیات فارسی به نیکی یاری می‌رساند .

***

پانوشتها

(۱) بر گزیدهٔ شعر معاصر افغانستان محمد سرور مولایی، تهران : ۱۳۵۰ ص ۷.

(۲) تیمور شا درانی . عزیزالدین‌وکیلی فوفلزایی ،ج ۱، کابل ۱۳٤٦، صص ۵۸ـ۵۹ .

(۳) مختصر تاریخ افغانستان، قاسم رشتیا، کابل :۱۳۳۳، ص۱۱.

(٤) مختصر تاریخ افغانستان، سید قاسم رشتیا، کابل: ۱۳۳۳ ، ص ۱۳.

(۵) افغانستان در مسیر تاریخ میر غلام محمد غبار، کابل: ۱۳٤٦، ص ۳۱۲ ـ ۳۱۹.

(٦) تاریخ آسیای میانه، عبدالکریم بخارایی ، کتاب بیست نایاب و شاید یگانه نسخه چاپی آن نزد پوهاند جاوید موجودباشد. واستادمحترم مدتی این کتاب را دراختیار نگارنده این نوشته قرار داده بودند.

(۷) تاریخ آسیای میانه، عبدالکریم بخارایی ، ص ٦.

(۸) افغانستان در مسیرتاریخ، غبار ، ص ۳٤۹.

(۹) حدود خراسان را جغرافیه نویسان عرب و فارسی به‌تفاوت ضبط‌کرده‌اندوآنچه قدر مسلم است اینست که خراسان به معنای عام شامل تمام افغانستان حتی تاحدود رود سند و خراسان به معنای خاص شامل قسمت‌عمدهٔافغانستان به‌اضافه طوس ونیشاپوراست کلمهٔ خراسان حتی در زمان احمد شاه ـ ابدالی از طرف معاصران وی در مورد افغانستان به‌کاررفته‌است‌مانند ظفر نامه رنجیت پادشاه قرن سیزدهم پنجاب تالیف دیوان امرنات (فتوح البلدان ، طبع‌قاهره ۱۹۰۱ ، ص ٤۱۰ و صفحه ٤۰۷مجله ثالث معجم البلدان) که شاهان درانی را پادشاه خراسان‌خوانده است.

شعرای پشتو قرن دوازدهم نیز کلمهٔ خراسان را به جای افغانستان بکار برده اند از آن جمله عبدالرحیم هوتک ساکن شه بولان کلات غلجایی، وی وقتی که به ماوراالنهر رفت این شعر را به یاد وطن گفت:

بیا یی نه موند هیچ راحت لـه خواشینه
چه دا خوار رحیم راووت له خراسانـه

ترجمه:

باز آواز خفقان هیچ را حتـی ندید
ازوقتیکه رحیم بربیچاره از خراسان بر آمد

خراسان ، غبار ، کابل: ۱۳۲۶، از نشرات مجلهٔ آریانا
(به نقل از سخن سرایان افغانستان نوشتهٔ پوهاند جاوید)

(۱۰) سجع مهر شاهرخ باراول:
شاهرخ کتب امیر المومنین شد در اقلیم رضا صاحب نگین
وسجع مهر شاهرخ بعد از کور شدن و لشکر کشی های احمد شاه به طرف هرات چنین بوده است:

آفتاب ملك را گر شد کسوفی چند روز
بار دیگرشد زنور شاهرخ گیتی فروز

(۱۰) نادر به احمدشاه نظر خاصی داشت و فیض محمد مولف سراج التواریخ به نقل از تاریخ احمد منشی عبدالکریم علوی نویسد: ((که نادر شاه در مجالس خود مکرر می گفت من در تمام ایران و توران و هندوستان مثل احمد خان مرد حمیده خصال و پسندیده افعال ندیده ام و صاحب تاریخ احمدشاه درانی نیز به تایید این معنـی می نویسد: ((... همواره خاطر نادر شاه از او قرین خشنودی بوده

او را بارها می ستود چنانکه بسیاری از اوقات در حضور تمام امرا ی در بارو اعیان دولت ووجوه مملکـــت میفر مود که من در تمام ایران، توران وهندوستان مردی به کفایت و نیك خصا لی احمد خان ابدا لی ند یده ام وهیچو قت آن شهر یار احمد خان را بدون سوار آزموده مجرب نمـــی گذاشت به جایی برود گویند. روزی نادر شاه هنگا میکه بر سر یـــر سلطنت و جها نبانی جلو س کرد احمد خان با کمال ادب وو قار در حضر تش ایستاده بود نظر ی بدو اندا خته فرمودای احمد پیش بیـــا احمد خان چند گامی پیش نهاده به پایه سریرا علی تقرب جست فرمود نزد یکتر شو همینکه نزدیك شـــد فرمودای احمد به خاطر دا شته باش که بعد از من این اورنگ و تـــاج سلطنت وبساط جها نبا نی به تـــو انتقال خواهد یافت.

(۱۱) احمد شا ه بابا ، م، غبار کابل ۱۳۲۲ ، ص‌ص ۷ـ۴۲.

(۱۳) تا ریخ ا حمد شاه ، و . کیلی فوفلزا یی ، ص ۱٦٤.

(۱٤) ا فغا نستا ن در مسیر تاریخ ص ۳۵۷.

(۱۵) وقایع و سوانح ا فغا نستان، اعتضاد السلطنه علی قلی میر زا، ص ۳٦.

(۱٦) افغانستان در مسیر تا ریخ، ص ۳۵۹.

(۱۷) تازه نوای معارك، ص ۷۸۷

(۱۸) تاریخ آسیا ی میانه ، نوشته عبدالکریم بخا را یی که در ســـال ۱۲٤٦ به فر جام آمده است سال فوت احمد شاه را ۱۱۸۵ در شهـــر قند هار میدا ند، اما تاریخ های دیگر نو شته شدهٔ این عصر فو ت او را ۱۱۸٦ میدا ند : حکم شد از قادر بیچون با حمد پاد شاه

سکه زن بر سیم وزر ازاوج ما هی تا بـــه ماه

همچنان مهر ش چنین بوده است :

(الملك لله یا هو احمد شاه دردرانی یا فتاح) ص ۱۰

(۱۹) در صفحه ۱۰ کتاب آسیای میانه، تالیف عبدالکر یم بخا را یی در بارۀ حبس شدن پسران تیمور چنین آمده است که: شش پسر یکی شاهزاده محمود بن احمد شاه د ر قفس مر حوم شد دیگر شا هزاده گهر بن احمد شاه در قفس مر حوم شد دیگر شا هزاده داراب در کابل مرحوم شد ، شا هزاده شها ب تــا سنه ۱۲۳ در حیات بود، دیگــــر شا هزاده همای در قفس مرحــوم شد دیگر شا هزاده سکندر بعداز اینکه پاد شاهی به تیمور شاه رسید برادران را در بالا حصار کا بـــل به قفس نمود.))

(۲۰) در صفحه ۱۱ تاریخ آسیای میانه، تالیف عبدالکر یم بخا رایی. در بارۀ زنان تیمور شاه چنین آمده است که ما عین مطلب را در اینجا می آور یم: ((دو لتش بر قرار وعیش پرور بود اهل هرات را دو ســـت داشتی سیصد زن جار یه دا شت از افغان زن نگر فت جمله زنها یش قز لباش بود ۳٦ پسر یاد گـــار گذاشت))

((۲۱) تیمور شا ه درا نی ، ج ا ، ص ۳۳.

۲۲) در بارۀ دختر بزرگــــک شماه درانی در صفحۀ ۳۸ چنین آمده است: ((دختر بزرگ و حسیـــن تیمور شاه درا نی مهر ماه نـــام داشت وبه وفور غیرت و عدا لت وانصاف متصف بودسجع مهـــراو چنین است:

میدر خشد روز وشب از بخـــت تیمور پاد شاه

تاج الما س و مر صع بر جبین مهرو ماه (۱۱۹٤)

(۲۳) تیمور شا ه در ا نی ،وکیلی فوفلزا یی ، ج ا، ص ٤۰.

(۲٤) دیوان دارا ،به کو شش مایل هروی، هرات : ۱۳۵۰ ، ص ٤۸:

(۲۵) همان کتاب، ص ٤۸.

(۲۷)انکشا فا ت سیا سی افغانستان، سر رفریزر تتلر وزیرمختار انگلیس در کابل، ترجمه عبدالوهاب فنایی، کابل : ۱۹٤۱ (فعلا چا پ نا شده) سال چاپ به زبان انگلیسی ۱۹٥۰.

(۲۸)تیمور شاه درا نی ،ج ۱،ص۱۰٦.

(۲۹)تذکره محمد رضا بر نا بادی به سعی و اهتمام ن.ن تو ما نو یـچ مسکو : ۱۹۸٤.

(۳۰) تذکرهٔ محمد رضا برنابادی مسکو: ۱۹۸٤، ص ٥.

(۳۰) هما ن کتا ب ، ص ۲۵

(۳۱)دو لت نادر شا ه افشار م.ر، ارو نو وا ، ك.ر، تر جمه :حمید مومنی تهران: ۱۳٥۲ ، ص ۱۱٥.

(۳۲)تا ر یخ احمد شا هی،محمودالحسینی ، جلد ۱، ص ۲٥۲

(۳۳) دیوا ن خطی شہا ب ترشیزی به خط فیض محمد کا تب زیر شماره (٤۹_۲۳) محفوظ در آرشیف ملی افغانستان .

(۳٤) نامه عا لم آرای نادری.محمدکاظم، ج ۱، مسکو ۱۹٦۲، ص٥۱۸.

(۳٥) افغانستان و يك نگاه اجمالی به اوضاع وشئون مختلفه وحالا ت عمومیت مملکت مذکور عبدالباقی لطیفی. کابل: ۱۳۲٥، ص ٦۸ .

(۳۷) جنگ قلمی (نا م نهاده توسط فوفلزایی) به نام گلدسته عشرت زیر شماره ٤۹ر۲۳) محفوظ درآرشیف ملی اما این شعر نیز در کتاب افغانستان تالیف عبدالباقی لطیفی کابل ۱۳۲٦ در صفحه ٦۸ آمده است وتاریخ احداث آنرا که به اساس ابجد (۱۱٦۷) میشود غلط ضبط نموده اند، یعنی تاریخ(۱۱٦٦)را قید نموده اند .

(۳۸) میر زایان بر ناد،مایل هروی۱۳٤۸_ ص ٥۲ .

(۳۹) درکتاب تاریخ آسیای میانه تالیف عبدالکریم بخارایی معلومات دلچسپی دربارهٔ پیدا وار واجارهٔ شهر ها چون هرات ، بلخ ، فاریاب، شبرغان ، اندخوی ، خوقند ، میمنه، غرجستان ، هزاره جات ، اسفزار ، غوریان ، باخزر ، سیستان ، فراه ،هیرمند ، زمینداور ، قندهار ، کلات، غزنی کابل، بلوچستان وغیره شهرها مطالب جالبی آمده است یعنی این شهرها همه حاکم نشین بوده است، هر یکی مشتملست برقریه ومحلات وحشم نشینان ودربعضی از آنها کان مس نقره ، آهن ، طلا ، سیماب ، و معدن گوگرد بسیار است در دهات نیل بسیار میشود ،نیشکرو زنجبیل وزرد چوبه وانواع ادویه ها بعمل می‌آید وپسته بسیار است وهرشهر به آجاره داده میشد که سال به سال به خزینهٔ عامره تسلیم داده میشد ویابه مواجب عسکر حق میگرفت .

(٤۰) تیمورشاه درانی ،عزیزالدین وکیلی فوفلزایی ، ج۱،ص ۱۹۳ .

(٤۱) دیوا ن شهاب تر شیزی، به خط فیض محمد کاتب ، نسخهٔ خطی محفوظ درآرشیف ملی ، زیرشماره ٤۹ ، ۲۳ .

(٤۲) تاریخ احمد شا هی ،محمود الحسینی، مسکو : ۱۹۷٤، ص ۵۸۷_۵۸۹ .

(٤۳) تیمور شاه درا نی ، و کیلی فوفلزائی: جلد ۱، کابل: ۱۳٤٦ ص ٤٤ .

(٤٤) درة‌الزمان، و کیلی فوفلزائی کابل ۱۳۳۷، ص ص ۲٤۸_۲٤۹ .

(٤۵) جنگ قلمی(گلدسته عشرت)ص ۱۹، نسخه قلمی محفوظ در آرشیف ملی .

(٤٦) تیمور شا ه درا نی ،وکیلی فوفلزائی، ج۱ص ۹٦ .

(٤۷) جنگ قلمی (گلدسته عشرت)محفوظ در آرشیف ملی .

(٤۸) تذکر ه محمد رضا برنابادی ص ۹۳ .

(٤۹) تیمورشاه درانی، عزیزالدین وکیلی فوفلزائی ،ج ۲، ۱۳٤٦، ص ۳۲۳۳ .

(۵۰) آثار هرا ت خلیل الله خلیل ص ٤۵۱ .

(۵۰) نام این شاعر را محترم حسین نایل در مجله خراسان تحت عنوا ن سرچشمه های ادبیات دری سده سیزده افغانستان .ش سوم س دوم ۱۳۶۱، ص«۱۵۴ ذکر کرده اند ودرضمن از دو آثم یاد آوری نموده اند اینکه این آثم با آن آثم یکی خواهدبود یاخیر باید تدقیق شود» .

اما این مطلب خوشبختانه بادستیابی به فرهنگ سخنوران تا حدی روشن گردیده است .در این کتاب از چهار آثم یاد شده است اما آثم اکبر آبادی که درین فهرست آمده است (شیخ حفیظالله) نام دارد نام این شاعر در کتاب صحف ابراهیم که تذکره شعرای فارسی در سدهٔ دوازد هم تالیف علی ابراهیم خان خلیل به تصحیح وترتیب عابد رضا بیدار در پتنه در سال ۱۹۸۱ به زیور چاپ آراسته شده است در صحفه ۷ـ این کتاب از این آثم هم یاد نمود ه ا ست .

(۵۱) محترم حسین نایل درمجله خراسان زیر عنوان گنجینه دست نو یسها ش ۱ س ٤، ۱۳۶۳ ص.۱ـ۱۲ در باره املای بلخی در ضمن این مقا له آورده اند که چهار نسخه از دیوان این شا عر در گنجینه دست نو یسها در شهر دو شنبه محفوظ میبا شد.

(۵۲) این امید شاید باامید بالایکی با شد دراین مورد تدقیق بیشتر لازم است.

(۵۳) اسم وتخلص وی در مجلهٔ آریانا، ش۱۲، س۲، ۱۳۲۳، میرزا احمد رفیع (متوفا ۱۱۹۲ درهند) آمده است

(٥٤) تخلص این شا عر در کتاب تیمورشاه درانی ج دوم ص ٤۸۷ (وصفی) ضبط شده است امادرمقالهٔ عاجز ـ افغان حافظ نور محمد کابل ش آس ٤، ۱۳۱۳ ص ۵۸ تخلص علی عسکر (عسکر) آمده است .

(۵۵) واقف لاهوری در خدمت شاه درانی گماشته شده بود ، ودر حلقه دیگر شاعران وادیبان کارهای مهم ادبی انجام می‌داد .

(۵٦) فهرست نسخه هـــای افغانستان ، بـورکوی ، قاهــره : ۱۹٦٤ ، ص ۲۹۰ .

دراین کتاب یکبار زیر عنوان علی نقی وصفی آمــده است این نسخهٔ خطی مربوط کتابخانهٔ وزارت مطبوعات است کـه متاسفانه فعلا نسخهٔ آن موجود نیست . نسخهٔ دومی ایـــن کتاب زیر عنوان ، دیوان وصفی در موزیم کابل موجود است که سراغی ازان هم به‌دست نیامد .

ببلیوگرافی

۱ـ آذر، لطف‌علی بیگ، آتشکدهٔ آذر، ج ۱ ـ ۳ .

۲ـ آرزو ، سراج الدین علی خان، مجمع النفایس ، ترتیب: عابد رضا بیدار ، پتنه : بدون تاریخ .

۳ـ آریانا. یکی ازفضلای کشور، ش۱۰ـ۱۱ـ۱۲ ، ۱۳۳۳ .

٤ـ آریانا. ش۱ ، س۱ ، ۱۳۲۱ـ۱۳۵٦ .

۵ـ آریانا . آرامگاه حضرت بیدل، ش۱۱، دورهٔ ۱٤ ، ۱۳۳۵ .

٦ـ آریانا دایرة المعارف ، ج ۳ ، ۱۳۳۵ ش .

۷ـ آزاد بلگرامی ، میرغلام‌علی ، تذکرهٔ خزانهٔ عامره . کانپور: ۱۸۷۱.

۸ـ آزاد بلگرامی ، غـــلام‌علی ، تذکرهٔ سروآزاد . هند : ۱۱٦٦ .

۹ـ اختر، خواجه‌عبادالله، بیدل ، لاهور : ۱۹۵۲ ع .

۱۰ـ ادب . سا لـها ی ۱۳٤۵ ـ۱۳۵۵ ـ ۱۳۵٦ .

۱۱ـ ادب . ش۵ـ٦ ، س۱۳۵۲.

۱۲ـ اصلح میرزا، گردآوردهٔ سید حسام الدین راشیدی، تذکرهٔ شعرای کشمیر بخش اول ، ۱۳۴۶ .

۱۳ـ افندی ، محمد ذهنی، تذکرة الخواتین . ۱۳۰۶ .

۱۴ـ الذریعه ، بخش نهم ، قسمت اول .

۱۵ـ اسلا بلخی ، دیوان خطی مربوط کتابخانهٔ دکتور جاوید .

۱۶ـ ایران صغیر (تذکرهٔ شعرای پارسی زبان کشمیر) تهران: ۱۳۳۵.

۱۷ـ بدخشی ، شاه عبدالله ، ارمغان بدخشان . کابل : ش ۵۷ ، س ۵ (ازسال ۱۳۱۴ و دنبالهٔ آن) .

۱۸ـ بورکوی ، **فهرست نسخه**‌های خطی افغانستان . قاهره : ۱۳۶۴ .

۱۹ـ بوسانی، نظریات یک اروپایی درباره بیدل ، ادب . ش۴ ، دورهٔ ۱۳ ، ۱۳۴۴ .

۲۰ـ بوسانی ، وصف طبیعت در اشعار بیدل ، ادب . ش۴ ، دورهٔ ۱۳ ، ۱۳۴۴ .

۲۱ـ بوسانی ، ملاحظاتی دربارهٔ ریالیزم بیدل ، ادب . ش۴ ، دورهٔ ۱۳ ، ۱۳۴۴ .

۲۲ـ بهگوان داس هندی ، تذکرهٔ شعرای فارسی (سفینهٔ هندی) . پتنه : ۱۹۵۸ .

۲۳ـ بیدل ، میرزا عبدالقادر ، کلیات بیدل. ج ۱ـ۳، کابل :۱۳۵۰.

۲۴ـ بیدل ، میرزا عبدالقادر ، غزلیات (تاحرف دال). کابل: ۱۳۳۴.

۲۵ـ بیدل ، میرزا عبدالقادر ، رباعیات . کابل : ۱۳۴۲ .

۲۶ـ پرشاد ، راجه درگاه ، بوستان اوده . ۱۸۸۱ ع .

۲۷ـ پژمان ، محمد عارف، واژگان تعبیرات واصطلاحات عامه در شعر بیدل ، خراسان . ش۱۹ ، ۱۳۶۳ .

۲۸ـ پژمان ، محمد عارف ، بیدل و بهارستان شعر او ، عرفان. ش۶، دورهٔ ۶۰ ، ۱۳۶۱ .

۲۹ــ پژمان ، محمد عارف ، بیدل‌شاعر نو آفرین ، خراسان . ش۱ ــ ۵ ، ۱۳٦٤ .
۳۰ــ جاوید، عبدالاحمد ، آشنایی‌بابیدل ، خراسان . ش ۱ ، س ۵ ، ۱۳٦٤ .
۳۱ــ جاوید ، عبدالاحمد ، سخن‌سرا یان افغا نستان . ۱۳۳٤ ــ ۱۳۳۵ هـ ا .
۳۲ــ حاکم ، عبدالحکیم ، تذکرهٔ‌مردم دیده . لاهور : ۱۹٦۱ م .
۳۳ــ حبیب، اسدالله، بیدلشناسی‌دراتحاد شوروی ، ادب . ش۵ــ٦ ، دورهٔ ۲۱ ، ۱۳۵۲ .
۳٤ــ حبیب ، اسدالله ، زیست‌نامهٔ بیدل ، خراسان . ش ۲ــ٤ ، س ۱ ، ۱۳٦۰ .
۳۵ــ حبیبی ، عبدالحی ، سبک‌هند و مکتب بیدل ، کابل . ش ۱ ، دورهٔ ٤ ، ۱۳۱۳ .
۳٦ــ حبیبی ، عبدالحی ، تاریخ‌ادبیات افغانستان درعصر گورگا نی هند .
۳۷ــ حبیبی ، عبدالحی ، تاریخ‌مختصر افغا نستان . ج ۲ ، کابل : ۱۳٤۹ .
۳۸ــ حبیبی ، عبدالحی ، پشتانه‌شعراء ، ج۱ ، کابل: ۱۳۲۰ .
۳۹ــ حزین ، شیخ محمد علی ،تذکره المعاصرین . ۱۳۳٤ .
٤۰ــ حزین ، شیخ محمد علی ،تذکرهٔ حزین . ۱۳۳٤ .
٤۱ــ حسن ، صدیق ، تذکره‌شمع‌انجمن . ۱۲۹۳ ق .
٤۲ــ حسینقلی خان عظیم آبادی،تذکرهٔ نشتر عشق . ج‌اول، ۱۹۸۱ .
٤۳ــ حسینی ، محمد داوود ،مآخذ جدید در موضوع مزار میرزا عبدالقادر بیدل ، آریانا . ش ۱۱ ،دورهٔ ۱٤ ، ۱۳۳۵ .
٤٤ــ حسینی، محمد داوود، میرزاعبدالقادر بیدل وافغانستان ، ادب . ش۵ــ٦ ، دورهٔ ۱٦ ، ۱۳٤۷ ، وش۱ــ۵ ، دورهٔ ۱۷ ، ۱۳٤۸ .

٤٥ـ حسینی ، محمد داو ود ،روزهای آخر زندگانی ومرگ بیدل، عرفان . ش۲ دورهٔ ۲۲ ، ۱۳۳۷ .
٤٦ـ حسینی، محمود ، تاریخ‌احمدشاهی . ج (۱ـ۲) ، مسکو : ۱۹۷٤.
٤۷ـ حیا ، احمد صدیـق ، بیدل‌صاحبدل ، هرات . ۱۳٥٤ .
٤۸ـ خانعلوم ، داحمد شـاه باباداشعارو پشتو شرح. کابل: ۱۳٥٦.
٤۹ـ خسته ، خال محمد، خانوادهٔ بیدل ، آریانا . ش۱ ، دورهٔ ۲۹ ، ۱۳٤۹ .
٥۰ـ خسته ، خال محمد، مآثـربلخ (نسخهٔ تـا یپی مر بـوط کتا بخا نهٔ عامه) .
٥۱ـ خسته ، خال‌محمد ، منتخب‌الزمان . ژوندون : ۱۳٤۲ .
٥۲ـ خسته ، خال‌محمد ، یادی‌ازرفتگان . کابل : ۱۳٤٤ .
٥۳ـ خلیل احمد الجامی ، محمدابراهیم ، یکمرد بـزرگ . انجمن تاریخ : ۱۳۳٥ .
٥٤ـ خلیل، محمدابراهیم ، عرس‌بیدل ، آریانا . ش ۱ـ۱۲ ، دورهٔ ۹ ، ۱۳۳۹ ، ۱۳۳۰ .
٥٥ـ خلیل ، علی‌ابراهیم خان ،تـذکـرهٔ شعرای فارسی . پتنه : ۱۹۷۸ ع .
٥٦ـ خلیل، محمد ابراهیم، اظهارنظر درمورد آرامگاه بیدل ، آریانا . ش ۱۲ ، دورهٔ ١٤ ، ۱۳٤٤ .
٥۷ـ خلیلی ، خلیل‌الله ، آثـارهرات . ج۱ـ۳ ، ۱۳۰۹ .
٥۸ـ خلیلـی ، خلیل‌الله ، فیض‌قدس . کابل : ۱۳۳٤ .
٥۹ـ خوشگو ، بندر ابن داس ،سفینهٔ خوشگو . پتنه : ۱۳۷۸ .
٦۰ـ خیامپور، فرهنگ‌سخنوران. تبربز : ۱۳٤۰
٦۱ـ دوست‌سنبهلی، میرحسین، تذکرهٔ حسینی . لکنهو : ۱۳۹۲ .
٦۲ـ دیوان وصفی (بامنتخبی ازاشعار شاعران‌دیگر) نسخهٔ‌دستنویس متعلق به کتابخانهٔ پوها ند دکتورجاوید .

٦٣ـ راضی ، محمد حسین، یادی‌ازبیدل ، ادب . ش ٤ ، دورهٔ ١٣ ، ١٣٤٤ .

٦٤ـ رحمانی، ماگه، پرده‌نشینان‌سخنگوی . کابل : ١٣٢١ .

٦٥ـ روستاقی، عبدالحکیم، تذکره‌سکینة الفضلا . ١٣٥٠ .

٦٦ـ رشاد، عبدالشکور ، داحمدشاه بابا ددیوان غورچان . کابل : ١٣٥٧ .

٦٧ـ رضوان حسین ، میرزا غالب‌ومکتب میـرزا بیدل ، ادب . دورهٔ ٢٣ ، ١٣٥٤ .

٦٨ـ زکریا ، فیض محمد ، بیدل‌چه گفت . تهران : ١٣٣٤ .

٦٩ـ ژوبل ، محمد حیدر ، تاریخ‌ادبیات افغانستان . کابل: ١٣٣٦ .

٧٠ـ ژوبل ، محمد حیدر ، یادبیدل، عرفان. ش٧، کابل: ١٣٥٥ .

٧١ـ ژوبل ، محمد حیدر، جنبش‌غزلسرایی درعصر بیـدل ، ادب . ش ٣ـ٤ ، س ١٦ . ١٣٤٧ .

٧٢ـ سابـق ، محمد اسماعیل ،عرفان درشعربیدل ، ش٤، ١٣٣١ .

٧٣ـ سامـی ، شمس الـدیـن ،قاموس الاعلام .١٦٧٠.

٧٤ـ سرخـوش ، محمد افضل ،تذکرهٔ سرخوش، لاهور : ١٩٢٧ ـ ١٩٤٢ .

٧٥ـ سر هنگ ، خـواجه‌عبدالرشید ، تذکره شعرای پنجاب. کراچی : ١٣٤٦ .

٧٦ـ سلجوقـی ، صلاح الدین ،افکار . کابل : ١٣٣٤ .

٧٧ـ سلجوقی ، صلاح الدین ،نقد بیدل ، ١٣٤٣ .

٧٨ـ سنگین بیک ، سیرالمنازل.دهلی ١٨٥٢ .

٧٩ـ شفیق ، لجهمی نـراین ،شرحی در احوال بیدل ، آریانا بـه ش ٣ ، دورهٔ ٢٨ ، ١٣٤٩ .

٨٠ـ شفیعی کـدکنی ، بیدل ،هنر ومردم ، ش ٨٤ـ٨٥ ـ ١٧٢ ، تهران : ١٣٥٥ .

٨١ـ صفا ، ابراهيم ، تـاريـــخ ادبيات فارسی .
٨٢ـ صبا ، مولـوی محمد مظفرحسين ، تذكرهٔ روز روشن ، تهران: ١٣٤٣ .
٨٣ـ طاهر بدخشی، محمد، بيدل از افغانستان است ، آريانا. ش١١، دورهٔ ١٢ ، ١٣٣٤ .
٨٤ـ طلوع ، باقی، بيدل ، آريانا.ش ٤ ، دورهٔ ١٢ .
٨٥ـ عالمشاهی ، محمد ابراهيم، دراطـراف آرامگاه بيدل ، آريانـا . ش ١٢ ، دورهٔ ١٤ .
٨٦ـ عـبدالله ، قـاری ، ميرزاعبدالقادر بيدل ، آيينهٔ عـرفـان . ش (٩ـ١٠ـ١١) ١٣١١ .
٨٧ـ عبدالـرحمان ، سيد صباح الدين ، بزم تيموری ، بـــه اهتمام مولوی مسعود علی ١٩٤٨ .
٨٨ـ عبدالباقی نهاوندی ، مآثر رحيمی. ج٣، كلكته : ١٩٣١ .
٨٩ـ عبدالغنی ، روح بـــيدل ،لاهور : ١٩٦٩ .
٩٠ـ عبدالغنی، احوال وآثارميرزاعبدالقادر بيدل ، ادب : ١٣٥١ .
٩١ـ عبدالـرزاق بيگ . ديـوان عايشه ، كابل : ١٣٠٥ق .
٩٢ـ عروج ، عبدالروف، تذكرهٔفارسی گو شعرای اردو . ١٩٧١ .
٩٣ـ علامـی ، شيخ ابوالفضل ،آيين اكبری .
٩٤ـ عينی ، صدرالدين ، ميرزاعبدالقادر بيدل(به زبان تاجيكی ورسم الخط كريلی) برگردان به الفبای دری توسط ضياء قاری زاده .
٩٥ـ عينی ، كمال الدين، برگزيدهٔ غزلها ، دوشنبه : ١٩٨٤ .
٩٦ـ عينی، خالده، بيدل ومنظومهٔ عرفانش ، ستالين آباد ، ١٩٥٦ .
٩٧ـ عينی پروانی، عايشه درانی، پشتون ژغ ، ش ٩ ، ١٣٤٢ .
٩٨ـ فطرت، بيدل دريك مجلس،مسكو : ١٩٢٣ .
٩٩ـ فلاح، فاروق ، عايشه درانی، ادب.ش٥٤ س٢٥ ، ١٣٥٦ .
١٠٠ـ فيض محمد خـــان ، امان النسوان، ج١ـ٤، كابل : ١٣٠٤ .

۱۰۱ـ قاری عبد الله ، میرزاعبدالقادر بیدل، کابل. ش٤، ۱۳۱۰.
۱۰۲ـ قانع تتوی ، میرعلی شیر ، مقالات الشعراء ، بامقدمه وتصحیح وحواشی سید حسام الدین راشدی، کراچی : ۱۹۵۷ .
۱۰۳ـ کریمی ، قدسیه ، بیدل وعزیز . کابل : ۱۳۵۰ .
۱۰٤ـ گوپاموی، محمدقدرت‌الله، تذکرهٔ نتایج الافکار. بمبئی: ۱۳۳٦ .
۱۰۵ـ گویا اعتمادی، غلام‌سرور، شاعرهٔ افغانستان، مجلهٔ کابل . ش ۱۲ ، س ۱ ، ۱۳۱۱ .
۱۰٦ـ گویا اعتمادی، غلام‌سرور، وفات بیدل عرفان. ش۸، ۱۳۳۵ .
۱۰۷ـ لودی ، امیرشیر علی خان، تذکرهٔ مرآه الخیال. بمبئی: ۱۳۲٤ .
۱۰۸ـ مایل ، رضا، دیوان دارا . ۱۳۵۰ .
۱۰۹ـ مجددی ، غلام‌حسن، بیدل‌شناسی. ج۱، کابل : ۱۳۵۰ .
۱۱۰ـ محترم ، نعمت‌الله، تذکره‌الشعرای محترم . ۱۹۷۵ .
۱۱۱ـ مخدوم ، میرافضل، تذکره افضل‌التذکار . به‌اهتمام عبدالرزاق زهیر . .
۱۱۲ـ مشیر سلیمی ، علی‌اکبر ، زنان سخنور . ج (۱ـ۳) ، تهران ۱۳۳۵ .
۱۱۳ـ مصحفی ، غلام همدانی ، عقد ثریا ۱۱۹۹ هـ ، ق .
۱۱٤ـ مطربی ، تذکرهٔ مطربی‌ـ حرف ی ، نقطهٔ اول ، مکروفلم درآرشیف ملی .
۱۱۵ـ معزالله خان مهمند ، دیوان معزالله : ۱۱۵۹ .
۱۱٦ـ معانی ، احمد گلچین ، تذکرهٔ میخانه . ۱۳۳۹ .
۱۱۷ـ ملا یعقوب (مترجم) ، شاعروفیلسوف شرق میرزا عبدالقادر بیدل درنظرغرب، کابل. ش٤، ۱۳۱۱.
۱۱۸ـ ملیحای سمرقندی ، محمدبدیع، مذکر اصحاب . موجود در کتابخانهٔ اکادمی علوم .
۱۱۹ـ مومن اووف ، ابراهیم، نظریات فلسفی میرزابیدل (این کتاب درجلد دوم آثار منتخب ابراهیم‌مومن‌اوف درسال ۱۹٦۹م درتاشکند چاپ

شده است .

۱۲۰ـ مهرین شوشتری ، عباس، تاریخ زبان وادبیات ایران در خارج از ایران ، ایران : ۱۳۵۲ .

۱۲۱ـ میرزا یان برناباد، نسخهٔ خطی در کتابخانهٔ اکادمی علوم .

۱۲۲ـ میرزا خان کابلی . دیوان .آرشیف ملی ، ۸ ـ ۱۱۷ .

۱۲۳ـ میر حسین شاه (مترجم) ،بحثی دراحـوال وآثار بیدل، ادب . ش ۵ـ۶ دورهٔ ۱۹ ، ۱۳۵۰ .

۱۲۴ـ میر نعمت‌الله، عرش‌سخن،هنر. ش۵، دورهٔ ۴ ، ۱۳۶۰ .

۱۲۵ـ نایــل، حسین ، گنجینهٔ دستنویسها، خراسان. ش۱ـس۴ ، ۱۳۶۳ .

۱۲۶ـ نایل ، حسین عایشه شاعرشکوه وماتم ، زنان افغانستان . ش ۱۱ ، س ۲ ـ ۱۳۶۱ .

۱۲۷ـ نسیم سحر، سرور،شعرای وطن ، ش ۴ ، ۱۳۰۶ .

۱۲۸ـ نظام‌الدین اوف ، الیاس ، میرزا عبدالقادر بیدل ، تـاشکند : ۱۹۷۰ .

۱۲۹ـ نصرالله رستاقی ، وصف بیدل اززبان خودش ، آریانا . ش۲، دورهٔ ۹ ، ۱۳۳۰ .

۱۳۰ـ نصرآبـادی ، میرزا محمدطاهر ، تذکرهٔ نصرآبادی . تهران : ۱۳۱۷ .

۱۳۱ـ نقش علی ، باغ معانـی ،پتنه : بدون تاریخ چاپ .

۱۳۲ـ واضح ، مذکـر احباب ،نسخهٔ تایپی نزد پوهاند دکتور جاوید.

۱۳۳ـ والهٔ داغستانی، علیقلیخان، تذکرهٔ ریاض الشعراء ، نسخهٔ خطی محفوظ درآرشیف ملی .

۱۳۴ـ وحید ، روابط ادبی ماوراءالنهر ، افغانسـتان وسند درزمینهٔ گسترش، مکتب ادبی بیدل ، ش ۲ ،س ۱۳ ، ۱۳۵۴ .

۱۳۵ـ وکیلی فوفلزایی، عزیزالدین، درة الزمان . کابل : ۱۳۳۷ .

۱۳۶ـ وکیلی فوفلزائی، عزیزالدین، دیوان تیمورشاه . کابل : ۱۳۵٦ .

۱۳۷ـ وکیلی فوفلزایی، عزیزالدین، تیمورشاه درانی. ج۱ـ۲ ، کابل : ۱۳٤٦ .

۱۳۸ـ وکیلی فوفلزایی، عزیزالدین، علاقهٔ شاهان ومردم افغانستان راجع به‌شخصیت وآثار بیدل . انیس. ش(۱ـ۱۵) س ۱۹۷۰ .

۱۳۹ـ هاشمی ، شیخ احمد علی‌خان ، مخزن الغرایب : ج۱، لاهور: ۱۹٦۸ .

۱٤۰ـ هدایت ، رضاقلی ، ریاض‌العارفین . تهران : ۱۳۱۹ .

۱٤۱ـ هدایت ، رضاقلی ، مجمع‌الفصحا ، ج۱ـ٦ ، ۱۳۳٦ .

۱٤۲ـ هیوادمل ، زلمی ، فرهنگ زبان‌وادبیات پشتو، کابل : ۱۳۵٦ .